

پیش نویس متن قانون تجارت جدید

* /بخش اول

باب اول :

تجار و معاملات تجارتي

ماده ۱: تاجر شخصی است که به منظور کسب منفعت مادی، برای خود به فعالیت تجارتي اشتغال دارد

ماده ۲: فعالیت های ذیل ذاتاً تجارتي محسوب میشوند:

الف هرگونه فعالیت توزیعی یا خدماتی، مانند:

(۱) خرید یا تحویل هر نوع مال جاندار یا بی جان، مادی یا غیرمادی به قصد فروش یا اجاره، هرچند که از طریق شبکه های الکترونیک و در فضای مجازی انجام شده باشد.

(۲) تصدی به هر نوع تاسیساتی که برای تسهیل زندگی و تدارک و عرضه کالا یا خدمات ایجاد می شود، از قبیل: امانت فروشی ها، انبارهای عمومی، بنگاههای کاریابی و تامین خدمه، آبرسانی، گازرسانی، برق رسانی، خدمات رایان های، تهیه و رساندن ملزومات مانند تدارک نیازهای روزانه منازل و اماکن وسوخت و انرژی مور دنياز کارخانجات، کشتی ها و سفائن و امثال

آن.

(۳) تصدی به هر نوع تاسیسات از قبیل مجتم عهای تفریحی یا ورزشی، هتل ها و مهمانسراها، کمپینگ ها، پارکینگ های عمومی، سالنهای مختص جشن ها و میهمانی ها و کنفرانس ها، سالن های آرایش و زیبایی و مجتمع های خدمات بهداشتی، داروخان هها و موسساتی که خدمات تبلیغی و مهندسی و فنی ارائه م یدهند.

ب هرگونه فعالیت تولیدی یا صنعتی مانند: (۱) تاسیس و بهره برداری

از هر قسم کارخانه، اعم از تاسیسات تبدیل یا تولید هر نوع مواد مصرفی و مواد اولیه و ساخت انواع ماشین آلات

صنعتی، تولیدی، کشاورزی و بهداشتی، انواع خودروها، کشت یها، هواپیماها و

هاورکرافت ها و معاملات راجع به آنها. ۲) تاسیس و بهره برداری

از مجتمع های کشاورزی، (دامپروری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور و کشتارگاهها و امثال آن.

۳) تصدی به هر نوع عملیات حمل و نقل کالا یا مسافر از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوه باشد.

۴) بهره برداری از معادن، در خشکی باشد یا در آب، اعم از معادن مربوط به جمادات، مایعات، یا گازها و همچنین تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی از قبیل سینماها، تئاترها، سیرک ها، با غوحش ها، استادیوم های ورزشی، فرهنگسراها، موزه ها، نمایشگاه منطقه ای یا بین المللی کالاها، صنایع و امثال آن.

پ) هرگونه فعالیت مالی مانند: تصدی به عملیات بانکی، صرافی، موسسات مالی و اعتباری و صندوق های قرض الحسنه و عملیات بورس و بیمه و هر نوع عملیات براتی اعم از صدور و انتقال یا ظهنویسی برات یا سفته اعم از کاغذی و الکترونیکی

ت) هرگونه فعالیت معاضدتی و واسط های مانند: تصدی به عملیات دلالی و تسهیل معاملات منقول یا غیرمنقول. همچنین تصدی به هر قسم حق العمل کاری، نمایندگی تجاری و عملیات حراجی.

ماده ۳: کلیه فعالیتهای تجار، تبعاً تجارتي محسوب م ی شود، مگر ثابت شود که مربوط به امور تجارتي نیست. هرگونه تعهد قراردادی یا قانونی تاجر که به مناسبت یا برای اجرای فعالیت های تجارتي وی ایجاد شده نیز تجارتي محسوب م ی شود.

تبصره: فعالیت هایی که نمایندگان یا قایء مقام های تاجر از طرف وی انجام میدهند در حکم فعالیت های خود تاجر می باشد.

باب دوم

حقوق و تکالیف تاجر

فصل اول : دفتر ثبت تجارتي

ماده ۴ : هر تاجر، به استثنای کسبه جزء، مکلف است دفاتر (کاغذی یا الکترونیکی) زیر یا دفاتر دیگری را که دولت به موجب آیین نامه جایگزین آنها قرار می دهد داشته باشد.

۱ دفتر روزنامه ۲ دفتر کل ۳ دفتر دارایی ۴ دفتر ثبت مکاتبات.

تبصره : آیین نامه مربوط به دفاتر و نحوه تنظیم و نگهداری آنها را وزارتخان ههای بازرگانی و اموراقتصادی و دارایی، ظرف مهلت ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون و با توجه به قانون تجارت الکترونیک و توسعه و تحول وضع اقتصادی کشور و حجم فعالیت تجارو شیوع سیستم های نوین حسابداری رایانه ای تنظیم می نمایند. این آیین نامه پس از تصویب هیات وزیران لازم الاجرا خواهد شد.

ماده ۵ : دفتر روزنامه دفتری است که تاجر کلیه عملیات مالی اعم از خرید و فروش و دیون و مطالبات و ظهنویسی و هرگونه فعالیتی که ایجاد دین یا طلب کند یا مالی را مقید کند و نیز عملیات محاسباتی را به تاریخ وقوع و سایر عملیات را که طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفترداری در پایان دوره مالی برای تنظیم حساب سود و زیان ترازنامه لازم است بلااستثناء و هر روز به ترتیب در آن ثبت کنند.

تبصره: تاجر می تواند برای ثبت کلیه عملیات دفتر روزنامه واحد و یا دفاتر روزنامه متعدد برای هرطبقه یا طبقاتی از آنها داشته باشد. از قبیل دفتر روزنامه صندوق، دفتر روزنامه بانک و دفاتر روزنامه غیرنقدی مانند خرید و فروش نسیه و اقساطی و یا چند مورد از حساب ها.

ماده ۶ : دفتر کل دفتری است که کلیه عملیات ثبت شده در دفتر یا دفاتر روزنامه برحسب سرفصل یا کدگذاری حساب ها در صفحات مخصوص آن ثبت می شود به ترتیبی که براساس آن تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه امکا پذیر باشد.

تبصره ۱ : کلیه عملیات ثبت شده در دفاتر روزنامه در هرماه باید حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به دفترکل نقل شود.

تبصره ۲: تجاری که دارای شعبه هستند مکلفند با توجه به روش های حسابداری، خلاصه عملیات شعبه یا شعب خود که دارای دفاتر قانونی باشند را ماه به ماه و در غیر این صورت لااقل سالی یک بار در دفاتر خود ثبت کنند.

ماده ۷ : دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز مرتب کند و در آن دفتر ثبت و امضاء کند و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۸ : دفتر ثبت مکاتبات دفتری است که کلیه مکاتبات و صورت حساب های وارده و صادره و

قراردادهای تاجر اعم از کاغذی یا الکترونیکی به ترتیب تاریخ و با قید شماره باید در آن ثبت شود.

ماده ۹: در صورتی که دفاتر مذکور در ماده ۴ این قانون (به استثناء دفتر ثبت مکاتبات) به صورت کاغذی تنظیم و نگاهداری شوند باید توسط نماینده اداره ثبت امضاء و تعداد صفحات و مشخصات کامل صاحب دفتر در صفحات اول و آخر آن نوشته شود. این دفاتر باید دارای نمره ترتیبی باشد و کلیه معاملات و عملیات مالی به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوص به آن نوشته شود. هر گونه تراشیدن، حک کردن، جای سفید گذاشتن، پایین خطوط نوشتن و امثال آن در این دفاتر ممنوع است.

تبصره ۱: ضوابط مربوط به تنظیم ، نگهداری و قابلیت استناد دفاتر الکترونیکی، به ترتیبی که در تبصره ماده ۴ این قانون پیش بینی شده، تنظیم خواهد شد.

تبصره ۲: تاجر باید دفاتر هر سال مالی اعم از کاغذی و الکترونیکی را حداقل ۱۰ سال پس از پایان آن سال مالی نگهداری کند.

ماده ۱۰: دفاتر موضوع ماده ۴ این قانون و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود به کار می‌برد در صورتی که مطابق مقررات این قانون تنظیم شود بین تاجر در امور تجاری اعتبار دارد و در هر صورت در برابر صاحب آن قابل استناد است

تبصره: هرگاه دفاتر تجاری بصورت الکترونیکی تنظیم شده باشد، در صورتی قابل استناد است که سندیت آن طبق قانون تجارت الکترونیکی پذیرفته شود.

ماده ۱۱: تخلف از ماده ۴ و ۸ مستلزم ده تا سی میلیون ریال جزای نقدی است. و قطع نظر از تقاضای مدعی خصوصی یا مقامات قضایی، دادگاه تجاری میتواند راساً حکم بدهد. این مجازات مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته ای که دفتر مرتب ندارد، نیست.

فصل دوم: دفاتر تجاری

ماده ۱۲: گروه اقتصادی با منافع مشترک و تاجر به استثناء کسبه جزء باید نام خود را، طبق

آیین نامه ای که به پیشنهاد وزارت دادگستری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید، در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند. متخلف از این حکم به جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۳۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد. ثبت نام در دفتر ثبت تجاری اماره تاجر بودن ثبت کننده است.

وزارت دادگستری موظف است ظرف ۳ ماه از تصویب این قانون آیین نامه این ماده را تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند.

تبصره ۱: اسم و مشخصات تاجری که طبق آیین نامه مربوطه در دفتر ثبت تجاری ثبت نام می‌کند، باید در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی و یک روزنامه کثیرالانتشار برای اطلاع عموم

آگهی شود و اشخاص می توانند با مراجعه به دفتر ثبت، اطلاعات راجع به تاجر را مطالبه کنند و از آنها رونوشت بگیرند.

تبصره ۲: مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجاری را وزارت دادگستری با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب آیین نامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۳: هر تاجر، به استثناء کسبه جزء، باید در کلیه اسناد، اوراق، صورتحساب ها، آگهی ها، تابلوها و سایر مکتوبات خطی یا چاپی یا الکترونیکی خود تصریح کند که با چه شماره ای به ثبت رسیده است و الا به جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۳۰ میلیون ریال محکوم می شود.

ماده ۱۴: کسبه جزء و ضوابط مرتبط با فعالیت آنها مطابق آیین نامه ای که، ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد وزارت بازرگانی تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد، معین می شود.

فصل سوم: نام تجاری

ماده ۱۵: نام تجاری، اسم یا عنوانی است که نمایانگر یا مشخص کننده تاجر باشد.

ماده ۱۶: فعالیت تحت یک نام تجاری در صورتی مجاز است که نام تجاری ثبت شده باشد.

ماده ۱۷: نام تجاری نباید طوری انتخاب شود که موجب اشتباه گردد. مثلاً تاجری که دارای شریک نیست نمی تواند برای بنگاه تجاری خود اسمی انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد. یا اسمی انتخاب کند که به نام تاجر دیگری مشتبه شود، همچنین هر اسمی که استفاده از آن بر خلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، ممنوع است.

ماده ۱۸: پس از ثبت نام تجاری، برای دارنده آن حق انحصاری ایجاد می شود هیچ تاجری نمی تواند نام تجاری ثبت شده دیگران را برای فعالیت تجاری خود انتخاب کند، خواه به صورت اسم یا علامت تجاری باشد. همچنین استفاده از اسم یا علامت تجاری مشابه که باعث گمراهی عموم شود ممنوع است، هرچند که نام خانوادگی تاجر باشد.

ماده ۱۹ : نام تجارتي تنها به همراه مایه تجارتي قابل انتقال است.

ماده ۲۰ : وزارت دادگستري و بازرگانی مکلف است ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه مربوط به شرایط و ضوابط ثبت نام تجارتي را تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند.

لایحه اصلاح قانون تجارت

۴۱

باب سوم:

قراردادهای تجارتي

فصل اول: دلالی

ماده ۲۱ : دلال شخصی است که در مقابل اجرت، واسطه انجام معاملات می شود یا برای شخصی که مایل به انجام دادن معامله ای است، طرف معامله پیدا میکند.

جز در موارد مصرح در این قانون، قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.

ماده ۲۲ : دلال می تواند در انواع فعالیتهای تجارتي مربوط به خدمات و کالا، اعم از معاملات منقول و غیرمنقول و عملیات بیمه و حمل و نقل و غیره، به عنوان واسطه دخالت کند.

ماده ۲۳ : دلال می تواند به فعالیت تجارتي به سود خود نیز پردازد، اما به هیچ عنوان نمی تواند در موضوع دلالی به حساب خود اقدام کند.

تبصره : چنانچه دلال به هر عنوان به حساب خود به معاملاتی پردازد که در آن موضوع اقدام به دلالی م یکنند معامله او باطل است و به جبران خسارت زیان دیده از این اقدام محکوم می شود.

ماده ۲۴ : دلال باید با صداقت دو طرف معامله را از جزییات قرارداد آگاه سازد و در مقابل هر یک از آن دو، مسئول تقلب و تقصیر خویش است هرچند دلالی را فقط برای یکی انجام داده باشد.

ماده ۲۵ : هیات عالی نظارت موضوع ماده ۱۱ قانون نظام صنفی مکلف است، با رعایت قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ و اصلاحات آن، فعالیت واحدهای صنفی را که به دلالتی اشتغال دارند در چارچوب اتحادیه های صنفی انتظام بخشد و بر تدوین موازین و ضوابط حرفه ای لازم توسط تشکل های صنفی مزبور نظارت کند، به گون های که هر تشکل تا پایان یکسال پس از لازم الاجرا شدن این قانون دارای ضوابط و مقررات لازم شود. دلالتی در رشته هایی که دارای مقررات خاص هستند از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۲۶ : دلال نمی تواند از سوی یکی از دوطرف معامله دریافت وجه یا تادیه دین کند یا تعهدات آنها را به موقع اجرا گذارد، مگر اینکه چنین اجاز های را داشته باشد.

ماده ۲۷ : دلال مسئول اشیاء و اسنادی است که در جریان معامله به او داده شده، مگر اینکه ثابت کند ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور ناشی از علتی است که به شخص یا خدمه و کارکنان او نبوده است.

۴۲

ماده ۲۸ : در موردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه کالا را تا پایان اجرای تعهدهای دو طرف یا زمانی که در قرارداد قید شده است نگاه دارد، مگر اینکه به تراضی دو طرف از این قید معاف شده باشد.

در مورد افشاء هرگونه اسرار و اطلاعات دو طرف معامله، که دلال به «۲۳» ماده ۲۹ : حکم ماده اقتضای شغل خود از آن آگاه شده است نیز جاری است. اطلاعاتی که برای انجام صحیح وظایف باید به اطلاع دوطرف معامله برسد، مشمول این حکم نیست. همچنین است «۲۴» دلالتی، مطابق ماده اطلاعاتی که عرف حرف های انتقال آن را به دیگران مباح می داند، و زیانی به بار نم یآورد.

ماده ۳۰ : دلال می تواند در یک زمان برای چند امر دلالتی کند ، در این صورت، باید آمران را از این

ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رای آنها شود، آگاه سازد.

ماده ۳۱ : هرگاه اسناد معامله انجام شده توسط دلال بین دو طرف رد و بدل شود، در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که توسط او معامله کرد هاند، دلال ضامن اصالت امضای آن اسناد است.

ماده ۳۲ : دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالتی می کند و اجرای معاملاتی که توسط او انجام می شود نیست.

ماده ۳۳ : دلال مسئول ارزش و کیفیت و جنس موضوع مورد معامله نیست، مگر این که ثابت شود تقصیر از جانب او بوده است.

ماده ۳۴ : هرگاه معامله کننده به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کند، دلال ضامن اعتبار معامله و اجرای تعهدهای ناشی از آن در برابر او است.

ماده ۳۵ : در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته رانمی داند اطلاع دهد وگرنه مسئول خسارات وارده می باشد.

ماده ۳۶ : در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد با امر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد است.

ماده ۳۷ : دلال نمی تواند اجرت دلالتی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده ۳۸ : دلال حق ندارد، برخلاف تعهد خود در برابر کسی که به او ماموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام کند یا برخلاف عرف تجارتهی محل از آن طرف وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند در این صورت مستحق دریافت اجرت و مخارجی که کرده است نخواهد بود.

تبصره: هرگاه اتمام معامله منوط به حصول شرطی باشد، دلال پس از تحقق شرط ، مستحق اجرت است.

باب سوم : قراردادهای تجارتهی

ماده ۳۹: مخارجی را که دلال با اذن یا اجازه آمر می کند، حتی در فرض انجام نشدن معامله نیز، قابل مطالبه است. همچنین است در موردی که عرف تجارتي محل به پرداخت هزینه ای حکم کند

ماده ۴۰: در صورتی که معامله اقاله یا به استناد یکی از خيارات فسخ بشود حق دلالي از بين نمی رود، مشروط بر این که انحلال معامله منتسب به دلال نباشد.

ماده ۴۱: دلالي معامله ممنوع اجرت ندارد.

ماده ۴۲: دلال باید، علاوه بر دفاتر موضوع ماده ۴ این قانون، در دفتر ویژه ای کلیه معاملاتی را که به دلالي او انجام گرفت هاند با ذکر مشخصات معامله و طرفهای معامله ثبت کند.

نحوه تنظیم این دفتر و چگونگی ثبت معاملات را آیین نامه ای که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی و دادگستری می رسد، معین خواهد کرد.

فصل دوم: حق العمل کاری

ماده ۴۳: حق العمل کاری قراردادی است که به موجب آن شخصی که حق العمل کار نامیده می شود بنا به درخواست دیگر که آمر می باشد، معامله یا معاملات مشخصی را در ازای کارمزدی معین، به نام خود و به حساب آمر انجام م ی دهد.

ماده ۴۴: در مواردی که در این قانون سکوت شده است، مقررات راجع به وکالت در حق العمل کاری جاری خواهد بود.

ماده ۴۵: حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام دادن معامله، بیدرنگ مراتب را با ذکر مشخصات و زمان معامله به آمر اطلاع دهد.

ماده ۴۶: حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموال موضوع معامله نیست، مگر در مواردی که به حکم قانون و یا دستور آمر بیمه اجباری باشد.

ماده ۴۷: اگر کالایی که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال شده است، معیوب باشد.

حق العمل کار باید، برای محفوظ داشتن حق رجوع به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت، به نحو مقتضی برای محافظت کالا، اقدامات لازم را به عمل آورد و آمر را از اقدامات خود آگاه کند، وگرنه مسئول خسارت ناشی از این غفلت است.

ماده ۴۸: اگر بیم فساد سریع کالایی رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده است، در صورتی که منافع آمر ایجاب کند، حق العمل کار مکلف است کالا را با اطلاع دادستان یا نماینده او به فروش برساند.

ماده ۴۹: اگر حق العمل کار کالا یا خدمات را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بفروشد یا به

۴۴

قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است، بخرد در برابر آمر مسئول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق العمل کار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتری به آمر بوده و تحصیل اجازه آمر به هنگام، مقدور نبوده است.

ماده ۵۰: اگر حقالعمل کار تقصیر کرده باشد، مسئول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر او ناشی شده است.

ماده ۵۱: اگر حق العمل کار، کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است، بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است، بفروشد، حق استفاده از تفاوت قیمت را ندارد و باید آن را به حساب آمر محسوب کند.

ماده ۵۲: اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا برای خرید پیش پرداخت دهد، ضررهای ناشی از آن بر عهده خود او است. با وجود این، در صورتی که عرف تجارتي فروش نسیه یا پیش پرداخت را ایجاب کند، حق العمل کار ماذون به آن محسوب می شود، مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده ۵۳ : حق العمل کار در مقابل آمر مسئول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر این که مجاز به معامله اعتباری نباشد یا ضمانت طرف معامله را کرده باشد یا عرف تجارتي او را مسئول شناسد.

ماده ۵۴ : هزینه های لازم برای انعقاد معامله و اجرای تعهدات ناشی از آن، مانند انبارداری و حمل و نقل و بیمه، به عهده آمر است و اگر ح قالعمل کار پرداخته باشد، میتواند آن را مطالبه کند. همچنین است هر پرداخت دیگری که در جریان معامله به سود آمر انجام شده است.

ماده ۵۵ : وقتی حق العمل کار مستحق کارمزد می شود که معامله انجام شده باشد. نسبت به مواردی که عدم انجام آن مستند به فعل آمر یا سبب دیگری بوده است، حق العمل کار مستحق اجرتی است که عرف برای اقدام او معین می کند.

ماده ۵۶ : اگر حق العمل کار رعایت امانت را نکند و به عنوان مثال، بهایی بیش از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش به حساب آمر منظور دارد، مستحق کارمزد نیست. و آمر می تواند خود طرف معامله با خریدار یا فروشنده قرار گیرد. این امر مانع از اجرای مجازات خیانت در امانت نخواهد بود.

ماده ۵۷ : حق العمل کار در مقام وصول مطالبات خود از آمر نسبت به اموال موضوع معامله و قیمتی که اخذ کرده است حق حبس دارد.

باب سوم : قراردادهای تجارتي

۴۵

ماده ۵۸ : اگر فروش کالا ممکن نشود و یا آمر از اجازه فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد، ح قالعمل کار می تواند آن را با نظارت دادستان یا نماینده او از طریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد، فروش بدون حضور او یا نماینده او به عمل خواهد آمد. در هر حال قبلا باید به نحو مضبوطی به او اطلاع داده باشد، مگر این که کالا ضایع شدنی یا سری عالفساد باشد.

ماده ۵۹: اگر حق العمل کار مامور به خرید یا فروش کالا یا اسناد تجاری یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد، م‌یتواند خود طرف معامله قرارگیرد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد. در این صورت طرف معامله بودن حق العمل کار مانع از مطالبه هزین‌های قراردادی یا متعارف حق العمل کار نیست.

ماده ۶۰: در موردی که حق العمل کار می‌تواند طرف معامله قرارگیرد، اگر انجام معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد، خود طرف معامله محسوب می‌شود.

ماده ۶۱: اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق العمل کار قبل از ارسال خبر معامله، از این رجوع مطلع گردد دیگر نمی‌تواند معامله‌ای را انجام دهد.

ماده ۶۲: معاملاتی که حق العمل کار انجام م‌ی‌دهد برای آمر محسوب می‌شود، مگر اینکه خلاف آن را در معامله تصریح کند یا بعد خلاف آن ثابت شود. ولی، اگر موضوع معامله مال معین و متعلق به آمر باشد، آن معامله برای آمر محسوب می‌شود. فصل سوم: حمل و نقل

ماده ۶۳: تعاریف:

۱- قرارداد حمل و نقل: پیمانی است که به موجب آن شخصی که متصدی حمل و نقل نامیده می‌شود در برابر دیگری تعهد می‌کند که در مقابل اجرت، اشخاص یا کالاها را با شرایط معین و با وسیله معینی از محلی به محل دیگر حمل کند.

۲- متصدی حمل و نقل: شخصی است که در مقابل اجرت، تصدی به حمل کالاها یا اشخاص را برعهده می‌گیرد.

۳- حمل و نقل کننده فرعی: شخصی است که اجرای قرار داد حمل و نقل یا اجرای بخشی از آن توسط متصدی حمل و نقل به او واگذار م‌یشود. این تعریف شامل هر شخص دیگری هست که اجرای تمام یا بخشی از قرارداد به وی واگذار شده است.

۴- فرستنده: شخصی است که به نام یا به حساب وی با متصدی حمل و نقل قرارداد بسته شده یا کالا به نام یا به حساب وی به متصدی حمل و نقل تحویل داده شده است.

۵-گیرنده: شخصی است که مجاز به دریافت کالا در مقصد می باشد.

۴۶

۶-کالا: کالا شامل هر گونه مال اعم از اموال و اشیاء جامد یا مایع یا گاز و حیوانات می گردد. در موردی که کالا در داخل کانتینر، جعبه، قفس یا پالت یا هر وسیله مشابه دیگری قرارداده شده یا به گون های بسته بندی شده است، کلمه کالا شامل

کانتینر، جعبه، قفس، پالت و وسایل مشابه دیگر نیز می گردد، به شرط آنکه به وسیله فرستنده تهیه شده باشد.

۷-بار نامه: سندی کاغذی یا الکترونیک است که به تقاضای فرستنده و به وسیله متصدی حمل و نقل یا نماینده او صادر و توسط اشخاص یاد شده امضاء گردیده و مشخصات کامل کالا در آن قید شده است و دلیل وجود قرارداد حمل و نقل و رسید تحویل کالا به متصدی حمل و نقل محسوب می شود. عدم صدور بار نامه یا ناقص بودن آن تاثیری بر اعتبار قرارداد حمل و نقل ندارد.

۸-دوره مسئولیت متصدی حمل و نقل کالا: دوره مسئولیت متصدی حمل و نقل کالا از لحظه ای شروع می شود که کالا در مبدا حمل در اختیار و تحت کنترل وی، نماینده یا قائم مقام وی قرار می گیرد تا زمانی که در مقصد در اختیار و تحت کنترل گیرنده، نماینده یا قائم مقام وی قرار داده شود، ادامه دارد.

۹-دوره مسئولیت متصدی حمل و نقل مسافر شامل مدتی است که مسافر در سالن یاسکوی مخصوص سوار شدن و در حال سوار شدن، داخل وسیله نقلیه و در حال پیاده شدن از آن است.

ماده ۶۴: قرارداد حمل و نقل، تابع این قانون است مگر آنکه قانون دیگر مقررات خاصی برای آن وضع کرده باشد. در موارد سکوت، قرارداد حمل و نقل تابع قواعد عمومی وکالت است.

ماده ۶۵: فرستنده باید این اطلاعات را به متصدی حمل و نقل ابلاغ کند:

(۱)نشانی صحیح گیرنده، (۲) محل تحویل کالا

۳) نوع کالا و مشخصات آن، اعم از تعداد، مقدار و وزن. چنانچه کالا در طول مدت حمل نیاز به مراقبت مخصوص داشته باشد، مانند کالاهای گرانبها، حیوانات، کالاهای خطرناک و آتش زاء، تبخیر شونده، فاسدشدنی و خورنده، باید اطلاعات مربوط به آن نیز به وضوح ارائه شود. چنانچه فرستنده اطلاعات یاد شده را ارائه نکند یا به غلط ارائه دهد خسارت های ناشی از آن بر عهده وی خواهد بود.

ماده ۶۶: فرستنده باید کالا را به طرز مناسب بسته بندی کند و عهده دار خسارت ناشی از عیوب بسته بندی است. ولی، خسارات ناشی از بارگیری و بارچینی نادرست بر عهده متصدی حمل و نقل است.

باب سوم: قراردادهای تجاری

۴۷

ماده ۶۷: اگر بسته بندی عیب ظاهری داشته و متصدی حمل و نقل کالا را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول خسارات خواهد بود.

ماده ۶۸: فرستنده می تواند مادام که کالا در اختیار متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت - مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل شده پس بگیرد، مگر در موارد ذیل:

۱- در صورتی که بارنامه به گیرنده کالا تسلیم شده باشد

۲- در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به فرستنده داده و فرستنده نتواند آن را پس دهد.

۳- در صورتی که متصدی حمل و نقل به گیرنده اعلام کرده باشد که کالا به مقصد رسیده و باید آنرا تحویل گیرد

۴- در صورتی که پس از وصول کالا به مقصد گیرنده تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل و نقل باید

مطابق دستور گیرنده عمل کند. معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به فرستنده داده مادام که بار به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور گیرنده نخواهد بود مگر اینکه رسید به گیرنده تسلیم شده باشد.

۵- فرستنده نمی تواند دستوری بدهد که موجب تقسیم شدن کالا به دو یا چند قسمت شود.

ماده ۶۹: اگر گیرنده کالا را قبول نکند یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت کالا تادیه نشود یا به گیرنده دسترسی نباشد، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع فرستنده برساند و کالا را نزد خود به امانت نگاه دارد یا نزد دیگری به امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج ناشی از این امر به عهده فرستنده خواهد بود. اگر فرستنده یا گیرنده در مدت مناسبی

تکلیف بار را معین نکند، متصدی حمل و نقل می تواند مطابق ماده ۴۸ آن را به فروش رساند. منتها، باید فرستنده و گیرنده را از اینکه بار به فروش خواهد رسید، از قبل آگاه کند، مگر اینکه مقدور نباشد.

ماده ۷۰: اگر کالا در معرض تضییع سریع باشد یا قیمتی که م یوان برای آن فرض کرد مخارجی را که برای آن میشود، تامین نکند، متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع دادستان محل یا نماینده او برساند و با نظارت او مال را به فروش برساند.

منتها، باید فرستنده و گیرنده را از اینکه ما لالتجاره به فروش خواهد رسید، در صورتی که ممکن باشد، از قبل آگاه کند.

ماده ۷۱: اگر کالا تلف، ناقص یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود کالا یا مستند به تقصیر فرستنده یا گیرنده یا ناشی از دستورها و اطلاعاتی بوده است که یکی از آنها داده اند یا به حادثی مربوط می شود که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری کند.

دو طرف می توانند در قرارداد برای میزان خسارت مبلغی زیادتر از قیمت کامل کالا معین کنند.

اما شرط خسارت به کمتر از قیمت کالا باطل است.

ماده ۷۲: متصدی حمل و نقل مسئول جبران هرگونه خسارت جانی، مادی و معنوی مسافران است مگر آنکه ثابت کند خسارت در نتیجه تقصیر خود مسافر حادث شده یا ناشی از قوه قاهره یا علت خارجی بوده است که هیچ متصدی مواظبی نم ی‌توانسته از آن جلوگیری کند.

ماده ۷۳: در مورد خسارت های ناشی از تاخیر تسلیم یا نقص یا سایر خسارات کالا نیز متصدی

۴۸ حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود. خسارات مزبور نمی تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام کالا حکم به آن شود تجاوز کند، مگر اینکه دوطرف در قرارداد به نحو دیگری توافق کرده باشند.

تبصره ۱: تاخیر در تحویل هنگامی رخ می دهد که کالا در مدت یا زمان مورد توافق و در صورت فقدان چنین توافقی، در مدت معقولی که با توجه به اوضاع و احوال از متصدی مواظب انتظار می رود، به گیرنده تسلیم نشده باشد.

تبصره ۲: اگر ۶۰ روز تمام پس از گذشتن موعد تحویل مطابق تبصره ۱ این ماده، کالا به گیرنده تحویل نشده باشد، مدعی خسارت می تواند آن را تلف یا گم شده فرض کند.

ماده ۷۴: متصدی حمل و نقل مسئول خسارات است که در دوره حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده فرعی را مامور کرده باشد.

بدیهی است که در صورت اخیر رجوع او به حمل و نقل کننده فرعی که از جانب او مامور شده محفوظ است

ماده ۷۵: متصدی حمل و نقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را آگاه کند.

ماده ۷۶: اگر گیرنده هزینه های حمل و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بر اساس توافق دو طرف، مقررات عرف تجارتي ادعا دارد، قبول نکند حق تقاضای تحویل را نخواهد داشت، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا پایان دعوا در صندوق دادگستری به ودیعه گذارد.

ماده ۷۷: اگر گیرنده کالا را بی هیچ قیدی قبول و کرایه آن را پرداخت کند، دعوای او از این بابت مسموع نیست. مگر در مورد تدلیس یا تقصیر سنگین متصدی. بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول خسارت غیرظاهر نیز خواهد بود در صورتی که گیرنده آن خسارت را مشاهده و حداکثر ظرف ۳۰ روز تقویمی بعد از تحویل کالا به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد.

ماده ۷۸: در هر مورد که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلاف باشد، دادگاه تجارتي صالح می تواند به تقاضای یکی از دوطرف دستور دهد کالا تا پایان دعوا نزد ثالثی امانت بماند یا در صورت ضرورت فروخته شود. فروش کالا باید پس از تنظیم صورت مجلسی که حاکی از وضع کالا و ضرورت فروش باشد به عمل آید. با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بر اساس توافق دوطرف و مقررات ادعا می شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می توان از فروش کالا جلوگیری کرد.

ماده ۷۹: نسبت به دعوی خسارت برعلیه متصدی حمل و نقل یا حمل و نقل کننده فرعی مدت

باب سوم: قراردادهای تجارتي

۴۹مرور زمان یک سال است. مبداء این مدت در صورت تلف، ناقص یا

گم شدن کالا و یا تاخیر در تحویل، روزی است که تحویل بایستی در آن روز بعمل آمده باشد و در مورد خسارات روزی است که کالا به گیرنده تحویل شده است.

ماده ۸۰: حمل و نقل بوسیله پست و همچنین قراردادهای اجاره وسائط نقلیه زمینی، هوایی، یا دریایی تابع مقررات این باب نیست. قراردادهای حمل و نقل، هرچند به صورت قرارداد اجاره تنظیم شود مشمول این قانون است.

فصل چهارم: قائم مقامی و نمایندگی تجارتي

ماده ۸۱ : قائم مقام تجارتي شخصي است که تاجر، براي انجام فعاليت هاي تجارتي خود به او نيابت مي دهد و امضاي او براي تاجر الزام آور است. اين سمت ممکن است کتبي داده شود يا در عمل و به طور ضمنی. ولی، در هر حال مراتب بايد در دفتر ثبت تجارتي قيد گردد، وگرنه در حقوق اشخاص ثالث بی اثر است.

ماده ۸۲ : تحديد اختيار قائم مقام تجارتي بايد در دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسد. در هر صورت تحديد اختيار قائم مقام در برابر اشخاصي که از آن آگاه نشده اند قابل استناد نيست

ماده ۸۳ : قائم مقامی تجارتي ممکن است به اجتماع داده شود، با قيد اينکه تا همه امضاء نکنند تاجر ملزم نباشد. ولی، اين قيد در مقابل اشخاص ثالثی که از آن آگاه نشده اند در صورتی قابل استناد است که در دفتر ثبت تجارتي به ثبت رسیده و در روزنامه رسمي و یکی از نشریات کثیرالانتشار اعلام شده باشد.

ماده ۸۴ : قائم مقام تجارتي بدون اذن تاجر نمی تواند کسی را به طور عام در فعاليت هاي تجارتي نایب خود قرار دهد.

ماده ۸۵ : عزل قائم مقام تجارتي که به شرح مواد فوق نيابت او به ثبت رسیده و اعلان شده بايد مطابق مقررات به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده نيابت باقی محسوب می شود. در صورتی که پس از عزل قائم مقام تجارتي و ثبت اعمال آن، وی همچنان عملاً به عمليات تجارتي موضوع قائم مقامی اشتغال داشته باشد در مقابل اشخاص ثالث قائم مقام تجارتي محسوب می شود.

ماده ۸۶ : با فوت يا حجر تاجر يا انحلال شرکت و موسسه تجارتي، سمت قائم مقام تجارتي پايان می يابد، ليکن تا تعيين جانشين مسئوليت اداره و نگهداری اموال و دارائی ها را بر عهده خواهد داشت.

ماده ۸۷ : غير از آنچه در اين قانون تصريح شده قائم مقام تجارتي تابع قواعد عمومي وکالت است.

ماده ۸۸ : نماینده تجارتي شخص مستقلى است كه بدون قرارداد اجاره خدمات، در برابر تاجر اعطا كننده نمايندگى، تعهد مى كند كه در ازاء دريافت اجرت نسبت به بازاریابی، مذاكره مقدماتى يا انعقاد قرارداد خريد، فروش يا اجاره كالاها يا خدمات برای مدت محدود يا نامحدود بنام و به حساب او اقدام كند. اعطای نمايندگى ممكن است كتبی و صريح باشد يا ضمنی و عملی.

تبصره: نمايندگى در امور تجارتي كه داراى قوانين خاصى است تابع قوانين مخصوص به خود قرار مى گيرد.

ماده ۸۹ : نماينده تجارتي مى تواند بدون اجازه اعطا كننده نمايندگى، نمايندگى اشخاص ديگر را نيز قبول كند. اما نمى تواند بدون موافقت وى نمايندگى شخصى را قبول كند كه در همان موضوع با اعطا كننده نمايندگى فعلى رقابت تجارتي دارد.

ماده ۹۰ : قرارداد نمايندگى بر اساس منافع مشترك دوطرف منعقد مى شود. و رابطه آنها مبتنى بر تعهد متقابل به راستى و درستكارى و الزام به اطلاع رسانى به يكديگر است. نماينده تجارتي بايد تمام اطلاعات لازم را در رابطه با موضوع نمايندگى به اعطا كننده نمايندگى ارائه كند و اعطا كننده نمايندگى نيز بايد تمام اطلاعات لازم برای انجام نمايندگى و هرگونه مدارك و اسناد مربوط درخصوص موضوع نمايندگى را در اختيار نماينده تجارتي قرار دهد. همچنين، اگر پيش بينى مى كند كه حجم معاملات به نحو محسوسى تغيير خواهد يافت يا با انتظار طبيعى نماينده تجارتي متفاوت است به طورى كه وى نوعاً" از آن متاثر مى شود، بايد اين امر را در مهلت معقولى به نماينده اطلاع دهد.

ماده ۹۱ : نماينده تجارتي مستحق اجرت طبق مفاد قرارداد نمايندگى مى باشد. در صورت سكوت قرارداد، اجرت بر اساس عرف معمول در محلى كه فعاليت نمايندگى در آن انجام مى شود محاسبه مى شود و در صورت فقدان چنين عرفى، اجرت معقولى است كه بر مبنای شرايط ويژه فعاليت او تعيين مى شود.

ماده ۹۲ : نماینده تجارتي حق دريافت اجرت براي تمام قراردادهای منعقد شده در طول دوره نمایندگی را دارد. مشروط بر آنکه قراردادهای مزبور به مدد مداخله و همکاری وی منعقد شده باشد، یا اگر قرارداد با شخص ثالثی منعقد شده نماینده تجارتي قبلاً" وی را برای همین نوع قرارداد جذب نموده باشد. هنگامی که نماینده تجارتي متعهد شده است که در یک منطقه جغرافیایی یا با اشخاص معینی فعالیت کند، مستحق اجرت برای تمام قراردادهایی است که در مدت نمایندگی با اشخاص متعلق به آن منطقه جغرافیایی یا اشخاص متعلق به آن گروه منعقد شده است.

باب سوم : قراردادهای تجارتي

۵۱

ماده ۹۳ : نماینده تجارتي در موارد زیر مستحق اجرت قراردادهایی است که پس از پایان نمایندگی منعقد شده است.

۱- در صورتی که قرارداد در نتیجه فعالیت های نماینده در طول دوره نمایندگی و در مدت معقولي پس از خاتمه قرارداد نمایندگی منعقد شده باشد.

۲- هنگامی که در شرایط پیش بینی شده در ماده قبل، پیش از پایان نمایندگی سفارش شخص ثالث به نماینده یا اعطا کننده آن فرستاده شده باشد.

ماده ۹۴ : چنانچه طبق ماده ۹۳ نماینده تجارتي سابق استحقاق اجرت معامله ای داشته باشد، نماینده کنونی حقی ندارد مگر اینکه اوضاع و احوال عرفی اجرت را ایجاب کند.

ماده ۹۵ : به محض اینکه اعطا کننده نمایندگی قرارداد را اجرا نمود یا با توجه به قرارداد منعقد شده با شخص ثالث باید اجرا می کرد و همچنین به مجرد اجرای قرارداد از سوی شخص ثالث، نماینده تجارتي مستحق اجرت می باشد. اگر اعطا کننده نمایندگی قسمت مربوط به

خود از قرارداد را اجرا کرده باشد، اجرت حد اکثر زمانی پرداخت می شود که شخص ثالث بخش مربوط به خود از قرارداد را اجرا کرده باشد یا باید اجرا می کرد.

تبصره ۱: اعطا کننده نمایندگی باید ظرف مدت معقول، نماینده را از قبول، رد یا عدم انعقاد قراردادی که نماینده زمینه انعقاد آنرا فراهم کرده، مطلع سازد در غیر اینصورت نماینده مستحق اجرت برای آن قرارداد است.

تبصره ۲: حداکثر ظرف ۳ ماه از تاریخ استحقاق نماینده اعطا کننده نمایندگی باید فهرست اجرت های پرداخت نشده را به نماینده تجارتي تسليم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی که اجرت بر اساس آنها محاسبه می شود، باشد. نماینده تجارتي می تواند، به منظور بررسی مبلغ اجرت های پرداخت نشده از اعطا کننده همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوطه را مطالبه کند.

ماده ۹۶: چنانچه مسلم شود که قرارداد منعقد بین اعطا کننده نمایندگی و ثالث اجرا نمی شود و این امر ناشی از قصور یا تقصیر اعطا کننده نمایندگی نیست، نماینده مستحق اجرت نخواهد بود. و اگر آن را گرفته باشد باید آن را مسترد دارد.

ماده ۹۷: در موردی که قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شده است و دو طرف پس از انقضای مدت، آن را ادامه می دهند چنین فرض می شود که تعهدات قراردادی آنها باقی است مگر آنکه یکی از دو طرف به نحو مضبوطی با اخطار قبلی ۳ ماهه آنرا خاتمه دهد. دوطرف قرارداد نمی توانند به مهلتی کمتر از سه ماه توافق کنند و، اگر به مدت بیشتر توافق نمایند، مهلت پیش بینی شده برای اعطا کننده نمایندگی نباید کوتاه تر از مهلتی باشد که برای نماینده تجارتي پیش بینی شده است. در صورتی که قرارداد بعلت تقصیر سنگین یکی از دوطرف یا قوه قهریه خاتمه یابد مقررات این ماده اعمال نمی شود.

ماده ۹۸: در صورت قطع رابطه نمایندگی به هر دلیل، نماینده تجارتي مستحق دریافت خسارت برای جبران حقوق قراردادی خود می باشد. چنانچه ظرف یکسال از تاریخ قطع رابطه قرارداد، نماینده تجارتي برای استیفای حقوق قراردادی به اعطا کننده نمایندگی اخطار نکند،

حق مطالبه خسارت را از دست خواهد داد. هرگاه توقف رابطه نمایندگی به علت فوت یا عدم اهلیت نماینده باشد، قائم مقام قانونی وی حق مطالبه خسارت جبرانی را ظرف مدت یکسال از تاریخ فوت یا عدم اهلیت، دارد.

ماده ۹۹: قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید مکتوب و محدود به منطقه جغرافیایی و، در صورت مقتضی، مربوط به گروه اشخاصی باشد که فعالیت نماینده تجارتي به آنها مربوط می شود و همچنین باید محدود به نوع کالاها و خدماتی باشد که موضوع قرارداد نمایندگی بوده است. شرط عدم رقابت حداکثر تا ۲ سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

ماده ۱۰۰: وقتی که فعالیت نماینده تجارتي در اجرای قرارداد مکتوبی انجام می شود که اساساً برای موضوع دیگری منعقد شده است، دوطرف قرارداد می توانند کتباً توافق کنند که مقررات این باب از قانون در مورد بخش مربوط به نمایندگی تجارتي آن اعمال نشود. اگر در عمل معلوم شود که فعالیت نماینده تجارتي در قرارداد مزبور در واقع فعالیت اصلی را تشکیل می داده است توافق مزبور باطل و بی اثر می باشد.

فصل پنجم: گروه اقتصادی با منافع مشترک

ماده ۱۰۱: گروه اقتصادی با منافع مشترک: عبارت است از تشکیل دو یا چند شخص که به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجارتي و افزایش نتایج فعالیت‌های اعضای گروه به موجب قرارداد برای دوره محدود تشکیل می شود.

تبصره: عملیات این گروه اقتصادی باید با فعالیت اعضای آن مرتبط بوده و تکمیل کننده آن باشد.

ماده ۱۰۲: گروه اقتصادی با منافع مشترک می تواند بدون سرمایه تشکیل شود. حقوق اعضای گروه نمی تواند به وسیله اسناد قابل انتقال به غیر منتقل شود و هر شرط خلاف این امر باطل است.

ماده ۱۰۳ : گروه اقتصادی با منافع مشترک باید در دفتر ثبت تجاری ثبت شود و از تاریخ ثبت از شخصیت حقوقی برخوردار خواهد شد. لیکن این ثبت نام، اماره تجاری بودن گروه تلقی نمیشود.

تبصره: گروه اقتصادی با منافع مشترک که موضوع آن فعالیت تجاری است می تواند فعالیت های تجاری مربوط را به حساب خود انجام دهد.

باب سوم : قراردادهای تجاری

۵۳

ماده ۱۰۴ : اشخاصی که به نام گروه اقتصادی با منافع مشترک در شرف ثبت که هنوز دارای شخصیت حقوقی نیست اقدام مینمایند، متضامنا و بطور نامحدود مسئول اقدامات خود میباشند.

در صورتی که گروه اقتصادی پس از ثبت و تشکیل قانونی اقدامات مزبور را تنفیذ کند، چنین فرض می شود که تعهدات مربوط از ابتدا به وسیله گروه اقتصادی به عهده گرفته شده است. به هر حال ثبت گروه اقتصادی با منافع مشترک موجب سقوط تعهدات در مقابل دیگران نمیشود.

ماده ۱۰۵ : بطلان قرارداد گروه اقتصادی با منافع مشترک و همچنین عدم اعتبار اقدامات و تصمیمات گروه، فقط در صورت تخلف از قواعد آمره مقید در این باب و یا به دلیل وجود یکی از علل بطلان قراردادها حاصل میشود. چنانچه علت و منشاء بطلان در هر مرحله های از دادرسی از بین برود دعوی بطلان رد خواهد شد.

تبصره: به هر صورت بطلان گروه یا فعالیت ها و تصمیمات گروه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نخواهد بود.

ماده ۱۰۶ : اعضای گروه اقتصادی متضامنا مسئول پرداخت دیون گروه اقتصادی از اموال شخصی خود می باشند، مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد خلاف این امر توافق شده باشد. مع الوصف چنانچه قرارداد بین اعضاء اجازه بدهد عضو جدید می تواند نسبت به دیونی

که قبل از عضویت او ایجاد شده اند معاف باشد. تصمیم به معافیت باید در روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود. طلبکاران گروه اقتصادی در صورتی می توانند برای وصول طلب خود به اعضاء رجوع کنند که اقدامات آنها برای وصول طلب از گروه اقتصادی ب نتیجه مانده باشد.

تبصره: مسئولیت اعضاء گروه در برابر یکدیگر تابع ضوابط قرارداد بین آنها میباشد.

ماده ۱۰۷ : گروه اقتصادی با منافع مشترک می تواند مطابق شرایط عمومی انتشار اوراق مشارکت به وسیله شرکت ها، اینگونه اوراق را صادر کند، به شرط آنکه خود گروه اقتصادی مزبور منحصر از شرکت هایی تشکیل شده باشد که طبق قانون شرایط انتشار اوراق مشارکت را دارند. سررسید اوراق مشارکت نباید فراتر از مدت گروه اقتصادی باشد.

ماده ۱۰۸ : قرارداد تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک، سازماندهی گروه مزبور را ضمن

- رعایت مقررات این باب تعیین می کند. این قرارداد باید کتبی باشد،

به موارد ذیل در آن قید گردد:

۱- نام گروه اقتصادی ۲- اسامی اعضاء و نشانی اقامتگاه آنها ۳- شماره ثبت آنها (در صورت وجود) - ۴- مدت گروه اقتصادی ۵- موضوع فعالیت گروه اقتصادی ۶- نشانی اقامتگاه گروه اقتصادی ۷ نام و مشخصات صاحبان حق امضا اسناد تعهدآور ۸ - نحوه نظارت و حسابرسی حسابهای گروه.

موارد فوق و هرگونه تغییر و اصلاح آن طبق مقررات باید منتشر شود و فقط پس از انتشار برای عموم در مقابل اشخاص ثالث معتبر است .

ماده ۱۰۹ : گروه اقتصادی با منافع مشترک در طول دوره فعالیت خود می تواند با رعایت شرایط قراردادی که براساس آن تشکیل شده عضو جدید بپذیرد و هریک از اعضاء نیز م تواند با رعایت

شرایط قرارداد از گروه خارج شود مشروط بر اینکه تعهدات خود را انجام داده باشد یا با موافقت سایر اعضا به نحو موثری ترتیب انجام آنرا بدهد.

ماده ۱۱۰ : اتخاذ هرگونه تصمیم در مورد تعیین مدیران، نحوه اداره گروه ، انحلال پیش از موعد، افزایش یا کاهش در حقوق و تعهدات اعضا گروه و یا تمدید مدت در صلاحیت اعضا آن میباشد.

شیوه تصمیم گیری و از جمله موارد ذیل باید در قرارداد مشخص شود.

الف- تعداد آرای که به هر یک از اعضا تخصیص داده شود. ب- حد نصاب لازم برای اتخاذ تصمیمات ج - حد نصاب لازم

برای رسمیت یافتن جلسات. در صورت سکوت قرارداد در مورد بند الف هر عضو یک رای دارد و

در مورد بند ب و ج تصمیمات باید باتفاق آراء اتخاذ گردد. جلسات به درخواست یک چهارم اعضای گروه لزوماً باید تشکیل شود.

تبصره: اتخاذ تصمیم در موارد ذیل باید باتفاق آراء انجام شود مگر اینکه در قرارداد اکثریت دیگری پیش بینی شده باشد:

- ۱- انحلال پیش از موعد گروه اقتصادی ۲- افزایش یا کاهش در حقوق یا تعهدات اعضا گروه ۳ تمدید مدت پس از انجام موضوع قرارداد.

ماده ۱۱۱ : گروه اقتصادی با منافع مشترک که به وسیله یک یا چند مدیر اداره می شود، شخص حقوقی نیز می تواند به عنوان مدیر منصوب شود، به شرط آنکه یک شخص حقیقی را به عنوان نماینده دائمی خود معرفی کند. این شخص همان مسئولیت مدنی و کیفری را خواهد داشت که مدیر حقیقی دارد. مسئولیت های نماینده رافع مسئولیت های شخص حقوقی که او را انتخاب کرده است ، نخواهد بود.

ماده ۱۱۲ : مدیر یا مدیران گروه اقتصادی با منافع مشترک و نمایندگان آنان در صورت نقض قوانین و مقررات یا تخلف از مفاد قرارداد حسب مورد به طور انفرادی یا تضامنی در مقابل گروه اقتصادی و اشخاص ثالث مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشند. در صورتی که خسارت حاصله ناشی از عمل دو یا چند مدیر باشد، در رابطه بین مدیران، دادگاه تجارتي سهم هریک را در جبران خسارت تعیین میکند.

ماده ۱۱۳ : هرگونه اقدام مدیر یا مدیران که در حدود موضوع گروه اقتصادی باشد گروه را در مقابل اشخاص ثالث متعهد می سازد و محدود کردن اختیارات مدیران فقط برای اعضاء گروه و بین خود آنها معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

ماده ۱۱۴ : گروه های اقتصادی که به فعالیت های تجاری اشتغال دارند، موظف هستند دفاتر تجاری

موضوع ماده ۴ فصل اول این قانون را نگهداری نمایند و در پایان سال مالی صورتهای مالی گروه را با رعایت استانداردهای حسابداری و مفاد آیین نامه موضوع ماده ۴ این قانون تهیه نمایند.

صورت های مالی مزبور با رعایت قوانین و مقررات مربوطه توسط حسابدار رسمی منتخب اعضاء مورد حسابرسی قرار می گیرد، اتخاذ تصمیم نسبت به صورت های مالی و عملکرد مدیران در ۵۶ اختیار اعضاء م یباشد.

ماده ۱۱۵ : در کلیه اسناد، اوراق و مکاتبات (اعم از کاغذی و الکترونیکی) که به وسیله گروه گروه اقتصادی با منافع « اقتصادی صادر می شود، باید نام گروه اقتصادی که متضمن عبارت باشد درج گردد. در غیر اینصورت گروه اقتصادی به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون « مشترک ریال تا سی میلیون ریال محکوم می شود.

تبصره: تکلیف بازرس یا بازرسان قانونی در ماده ۶۲۹ قانون تجارت و الزام ماده ۶۳۰ قانون تجارت مبنی بر دریافت گزارش بازرس توسط مجمع در خصوص گروه اقتصادی با منافع مشترک صادق خواهد بود.

ماده ۱۱۶: گروه اقتصادی بدون انحلال م تواند به یک شرکت تضامنی تبدیل شود.

ماده ۱۱۷: گروه اقتصادی با منافع مشترک در موارد ذیل منحل می شود: ۱- با انقضای مدت گروه.

۲- با انجام موضوع گروه یا غیرممکن شدن انجام آن. ۳- با تصمیم اعضاء گروه اقتصادی با رعایت شرایط ماده ۱۱۰ این قانون. ۴- به موجب رای قطعی دادگاه تجارتي. ۵- با فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی عضو گروه، مگر اینکه قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۱۱۸: در صورت انحلال گروه اقتصادی تا خاتمه عملیات تصفیه شخصیت حقوقی آن جهت انجام تصفیه باقی است.

ماده ۱۱۹: تصفیه گروه اقتصادی مطابق شرایط قرارداد تشکیل آن انجام می شود. در صورت سکوت قرارداد یک یا چند مدیر تصفیه به وسیله اعضاء گروه اقتصادی تعیین میگردد. چنانچه اعضاء به هر دلیل نتوانند مدیر تصفیه را تعیین کنند، مدیر تصفیه

طبق مقررات ناظر بر انحلال و تصفیه شرکت های تجارتي انتخاب می شود و اقدام به تصفیه خواهد شد. مدیر تصفیه پس از پرداخت دیون، مازاد دارایی را مطابق شرایط مندرج در قرارداد تشکیل گروه بین اعضاء تقسیم می کند. در صورت سکوت قرارداد مازاد دارایی به نسبت مساوی بین اعضاء گروه تقسیم میگردد. فقط بوسیله گروه هایی که مطابق این « گروه اقتصادی با منافع مشترک » ماده ۱۲۰: استفاده از عنوان قانون تشکیل م ی شوند مجاز است. استفاده غیرقانونی از این عنوان یا هر عنوان یا اصطلاح و عبارت دیگر که موجب اشتباه و اختلاط با این عنوان گردد مستوجب مجازات حبس از ۴ ماه تا ۱ سال یا جزای نقدی از بیست میلیون ریال

تا پنجاه میلیون ریال برای مرتکبین م یباشد. در صورت اقتضاء دادگاه تجارتی می تواند حکم به انتشار تصمیم خود در جراید کثیرالانتشار بدهد.

ماده ۱۲۱ : آیین نامه اجرایی این باب به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت دادگستری حداکثر ظرف ۶ ماه پس از تصویب این قانون، تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

باب چهارم : ضمانت

ماده ۱۲۲ : ضمانت ناشی از فعالیت های تجارتی ممکن است عادی یا مستقل باشد. ضمانت تجارتی تابع احکام این باب است، مگر اینکه در قرارداد به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۲۳ : ضمانت تجارتی تضامنی است، بدین معنی که مضمون له می تواند همزمان به ضامن و متعهد اصلی رجوع کند یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم انجام تعهد برای تمام یا بقیه تعهد به دیگری رجوع کند، مگر اینکه در قرارداد شرط دیگری شده باشد.

ماده ۱۲۴ : ضمانت تجارتی عادی قراردادی است که به موجب آن شخصی در برابر دیگری تعهد شخص ثالثی را به عهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون له و ثالث را مضمون عنه یا متعهد اصلی م یگویند.

ماده ۱۲۵ : بقاء ضمانت تجارتی عادی مبتنی بر بقاء تعهد اصلی است لذا اگر تعهد اصلی ساقط شود، ضامن نیز بری م یشود.

ماده ۱۲۶ : در موردی که تعهد قائم به شخص است ضمانت از آن اثری ندارد مگر با رضایت مضمون له.

ماده ۱۲۷ : قبل از رسیدن موعد تعهد اصلی، نمی توان ضامن را ملزم به اجرای تعهد کرد مگر اینکه به واسطه ورشکستگی یا فوت متعهد اصلی تعهد او حال شده باشد. یا در قرارداد تصریح شود.

ماده ۱۲۸ : در ضمان حال مضمون له می تواند انجام فوری تعهد را بخواهد.

ماده ۱۲۹ : اگر انجام تعهد اصلی مشروط به شرطی باشد، این شرط نسبت به ضامن نیز معتبر است.

ماده ۱۳۰ : با حال شدن تعهد و اقدام ضامن به اجرای آن، مضمون له مکلف به پذیرش آن است، و گرنه ضمانت منتفی میشود، هرچند ضمانت موجد باشد.

در این صورت، وثیقه دین حسب مورد فک یا مسترد میشود.

ماده ۱۳۱ : پس از اجرای تعهد ضامن، مضمون له باید تمام اسناد، مدارک و وثائق مربوط به دین را برای رجوع ضامن به مضمون عنه، به او تسلیم کند. اگر تعهد اصلی وثیقه غیرمنقول داشته باشد، مضمون عنه مکلف به انجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.

ماده ۱۳۲ : هرگاه مضمون له از مطالبه تعهد اصلی منصرف شود یا دیگری مجاناً تعهد را انجام دهد، ضامن حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.

ماده ۱۳۳ : ضامنی که بدون اذن مضمون عنه یا به قصد تبرع ضمانت کرده است، حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.

۵۸

ماده ۱۳۴ : ضمانت بخشی از تعهد جایز است، بنابراین هرگاه اشخاص متعدد از یک شخص برای یک تعهد به نحو تسهیم ضمانت کرده باشند، مضمون له به هریک از آنها فقط به قدر سهم او حق رجوع دارد. هرگاه سهم هریک از ضامنان متعدد تعیین نشده باشد، ظاهر در تساوی است، مگر اینکه شرط خلاف آن شده باشد.

ماده ۱۳۵ : ضمانت از ضامن جایز است. اما ضامن ضامن حق رجوع به مدیون اصلی ندارد و فقط می تواند به مضمون عنه خود رجوع کند.

۱- ضمانت مستقل تعهدی است پولی، مستند، لازم و غیر قابل برگشت و مستقل که به

ماده ۱۳۶ موجب آن صادرکننده ضمانت نامه (ضامن) به درخواست متقاضی (مضمون عنه) در برابر ذینفع (مضمون له) و با موافقت او آن را برعهده می گیرد.

تبصره: مقصود از مستند بودن تعهد، مکتوب بودن آن است اعم از اینکه کاغذی باشد یا الکترونیک، به گون های که براساس قوانین قابلیت استناد داشته باشد.

۲- ضمانت متقابل: ضمانتی است که بنا به درخواست ضامن برای تضمین بازپرداخت مبالغی که باید طبق شرایط ضمانتنامه توسط او به مضمون له پرداخت شود، توسط مضمون عنه یا به درخواست وی به نفع ضامن صادر می شود.

۳- ضام: ن شامل ضامن متقابل و همچنین شخص تایید کننده ضمانتنامه نیز می شود.

۴- ضامن متقابل: شخصی است که ضمانتنامه متقابل را صادر می کند.

۵- تایید کنند: ه شخصی است که اجرای مفاد ضمانتنامه توسط ضامن را تایید و تعهد می کند.

ماده ۱۳۷: مقررات این فصل در مورد ضمانتنامه های متقابل که بر اساس ضمانت مستقل صادر شده باشند، نیز اعمال می شود.

ماده ۱۳۸: ضمانتنامه ای مشمول عنوان ضمانت مستقل و تابع این قانون است که دارای یکی از

شرایط زیر باشد:

الف) دو طرف قرارداد آن را تابع مقررات این فصل قرار داده باشند.

ب) دو طرف به طور صریح عنوان ضمانت مستقل را به آن داده باشند.

پ) استنباط عرفی و معقول از متن قرارداد، آن را منطبق با ضمانت مستقل مندرج در این قانون بداند.

تبصره: مفاد قراردادی که با شرایط مذکور در این فصل منعقد شود بر مبنای اهداف ضمانت مستقل و استحکام بخشیدن به آن تفسیر می شود.

ماده ۱۳۹: تعهد ناشی از ضمانت مستقل در مقابل ذینفع، مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادر کننده است. همچنین تعهدات متقابل ذینفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است، مستقل از تعهدات ایجاد شده به وسیله ضمانت مستقل می باشد.

ماده ۱۴۰: صدور ضمانتنامه، صادر کننده را نسبت به مفاد آن متعهد می کند. ایراداتی که ممکن است از جهت مشروعیت موضوع یا جهت معامله و امثال آن به قرارداد اصلی وارد شود اعتبار ضمانتنامه را از بین نمی برد.

تبصره: ایرادات راجع به اهلیت اشخاص حقیقی قابل استناد است. لیکن ایرادات مربوط به صلاحیت یا اختیارات شخص حقوقی موجود شنیده نمی شود.

ماده ۱۴۱: ضمانتنامه مستقل ممکن است به هر شکلی که عموماً "مورد قبول است اعم از کاغذی یا الکترونیکی صادر شود، مشروط بر اینکه مفاد آن به نحو مضبوطی محفوظ بماند. و ممکن است به هر شکلی که صریحاً "مورد توافق صادر کننده و ذینفع باشد صادر شود.

ماده ۱۴۲: مفاد ضمانتنامه و اصلاحیه های آن باید شامل موارد زیر باشد:

الف) مشخصات متقاضی (مضمون عنه).

ب) مشخصات صادر کننده (ضامن).

پ) مشخصات ذینفع (مضمون له).

ت) مشخصات قرارداد اصلی که به موجب آن صدور ضمانتنامه ضروری شده است.

ث) مبلغ معین و سقف مبلغ ضمانتنامه که باید پرداخت شود.

ج) تاریخ انقضاء اعتبار ضمانتنامه یا واقع های که به موجب آن اعتبار ضمانتنامه پایان می یابد.

چ) قید شرایط دقیق مطالبه مبلغ ضمانتنامه و اسنادی که باید ارائه شود.

ح) شرایط کاهش مبلغ ضمانتنامه.

ماده ۱۴۳: هر شرطی که ماهیت ضمانت مستقل را تغییر دهد ب یاثر است.

ماده ۱۴۴: ضمانتنامه مستقل به محض صدور غیر قابل برگشت می باشد و صادر کننده نسبت به مفاد آن متعهد م یشود. مگر خلاف آن در ضمانتنامه تصریح شده باشد.

ماده ۱۴۵: به محض اینکه ضمانتنامه مستقل از کنترل صادر کننده خارج و برای ذینفع ارسال یا به وی تحویل شود، صادر شده محسوب م یشود، مگر آنکه در ضمانتنامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۴۶: به محض صدور ضمانتنامه، ذینفع م یتواند با رعایت شرایط مندرج در آن، مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آنکه در ضمانتنامه زمان یا شرایط خاصی برای مطالبه آن تعیین شده باشد.

ماده ۱۴۷: ضمانتنامه مستقل بر اساس شرایطی که برای اصلاح پیش بینی شده و با رعایت ماده ۵ قابل اصلاح است.

ماده ۱۴۸: چنانچه ذینفع با اصلاحیه موافقت کرده باشد، از لحظه صدور اصلاحیه ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می شود. چنانچه ذینفع قبلاً با اصلاحیه موافقت نکرده باشد از لحظ های که صادرکننده ضمانتنامه، اعلامیه ای مبنی بر پذیرش اصلاحات توسط

ذینفع را دریافت می کند، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می شود، مگر آنکه در متن ضمانتنامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۴۹: اصلاح ضمانتنامه نباید تاثیری به زیان متقاضی در حقوق و تکالیف متقاضی یا تاییدکننده داشته باشد مگر اینکه آنان به نحو مضبوطی با اصلاح موافقت کرده باشند.

ماده ۱۵۰: ضمانتنامه مستقل به موجب قرارداد یا قانون قابل انتقال است، انتقال بخشی از مبلغ ضمانتنامه باطل است.

ماده ۱۵۱ : انتقال قراردادی ضمانتنامه مستقل در صورتی ممکن است که در متن آن صریحاً قابل انتقال بودن قید شده باشد. ولی انتقال ضمانتنامه پیش از تحقق شرایط مطالبه مندرج در ضمانتنامه ممنوع است.

ماده ۱۵۲ : هر گونه انتقال باید به نحو مضبوط به اطلاع صادر کننده برسد. قبل از وصول اطلاع به نحو مزبور به صادر کننده، انتقال گیرنده حقی بر وی ندارد، در غیر این صورت صادر کننده در مقابل انتقال گیرنده تکلیفی ندارد.

ماده ۱۵۳ : وجود امضای ذینفع در ذیل ضمانتنامه با تصریح به انتقال آن، به منزله انتقال است.

ماده ۱۵۴ : هر یک از اطراف ضمانت می تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرفهای ضمانت یا اشخاص ثالث رسماً وکالت دهد. این وکالت نامه ممکن است کاغذی یا به صورت داده پیام مطمئن باشد.

ماده ۱۵۵ : در انتقال قانونی که به طور قهری یا به حکم دادگاه تجارتي انجام م ی شود، قائم مقام های قانونی ذینفع، اعم از وارثان متوفی، مدیر تصفیه شخص ورشکسته، قیم محجورین و امثال آن جانشین وی می شوند.

تبصره: تحقق مفاد این ماده خللی به تکالیف صادر کننده در مقابل ذینفع یا متقاضی یا انتقال گیرنده ضمانتنامه در مقابل صادر کننده ایجاد نمی کند. در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی صادرکننده و عدم تعیین نماینده قانونی، تقاضای پرداخت از دادستان و ارائه اسناد طبق مقررات این فصل برای وصول مبلغ ضمانتنامه کافی است.

ماده ۱۵۶ : در صورتی که صادر کننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانتنامه را پرداخت کند، از سوی ذینفع به نحو مضبوطی اخطاریه ای مبنی بر انتقال غیر قابل برگشت ضمانتنامه به شخص ثالث دریافت کند، و بر اساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانتنامه را به او بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانتنامه بری می شود.

ماده ۱۵۷ : حقوق و تعهدات طرف های ضمانتنامه مستقل تابع شرایط مقرر در ضمانتنامه و مقررات این قانون است.

ماده ۱۵۸ : تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه باید با رعایت حسن نیت و با رعایت شرایط مندرج در

ضمانتنامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه به منزله اقرار ذینفع به موارد ذیل است:

الف) تمامی اسناد ارایه شده منطبق با مقررات بوده و هیچ یک از آنها مجعول نمی باشد.

ب) در باره موضوع و اسناد ارائه شده هیچ پرداختی انجام نشده است.

ماده ۱۵۹ : تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه و اسناد مندرج در آن باید قبل از انقضای مدت و حداکثر تا روزانقضای مدت اعتبار آن، در محل صدور آن به صادر کننده یا نماینده او ارائه شود، مگر این که در ضمانتنامه طور دیگری مقرر شده باشد.

تبصره: انقضای اعتبار ممکن است به تاریخ مشخص باشد یا به تحقق شرایط یا واقعه معینی موکول شود.

ماده ۱۶۰ : تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانتنامه و همچنین تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آنکه این امر در ضمانتنامه پیش بینی شده باشد.

ماده ۱۶۱ : صادر کننده باید با حسن نیت و با دقت معقول و متعارف تقاضای ذینفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف و از نظر ظاهر، مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه (یا نوع رایج آن اسناد در معاملات تجاری) را حداکثر یک هفته در روابط داخلی و حداکثر یک ماه در روابط بین المللی احراز و تعهد خود را ایفا کند.

تبصره: تعهد صادر کننده عبارت از تادیه مبلغی است که ممکن است به طور نقدی پرداخت شود یا از طریق صدور حواله به دستور ذینفع، قبول و پرداخت برات و امثال آن ایفا شود.

ماده ۱۶۲ : مغایرت اسناد ارائه شده با شرایط قرارداد یا اسناد نمونه متداول، در روابط داخلی و در روابط بین المللی ظرف ۲ روز باید به اطلاع ذینفع یا نماینده او برسد. همچنین صادر کننده موظف است به سریع ترین وسیله و به نحو مضبوطی اصل اسناد را به ذینفع مسترد کند و دلیل رد آنها را به وی اطلاع دهد.

ماده ۱۶۳ : قبول هیچ یک از اسناد توسط صادر کننده نباید منوط به امضا یا تایید متقاضی صدور ضمانتنامه یا امضای شخص ثالث شود.

۶۲

ماده ۱۶۴ : در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول بوده یا وقوع جرمی بر روی آنها محرز باشد، اسناد باید به مراجع ذیصلاح قانونی تسلیم شوند.

ماده ۱۶۵ : در صورتی که صادر کننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذینفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران تمامی خسارات وارده به ذینفع و متقاضی می باشد.

ماده ۱۶۶ : در صورتی که صادر کننده مبلغ ضمانتنامه را مطابق مقررات و شرایط ضمانتنامه پرداخت کند، متقاضی صدور ضمانتنامه ملزم به باز پرداخت مبلغ مزبور و سایر هزینه ها به صادرکننده می باشد.

مبالغی که باید بازپرداخت شود عبارتند از:

۱- مبلغ مندرج در ضمانتنامه تا سقفی که به ذینفع پرداخت شده است.

۲- درصدی از مبلغ ضمانت که ممکن است به عنوان کارمزد تعیین شده

باشد.

۳- هزینه های ناشی از پرداخت به ذینفع و وصول آن از متقاضی.

۴- سایر هزینه ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی

از ضمانتنامه متحمل شده است.

تبصره: مفاد بند ۴ راجع به مطالبه خسارات، مانع از اجرای توافق دو طرف مبنی بر تعیین خسارت مقطوع نمی باشد.

ماده ۱۶۷: در صورت فقدان، سرقت یا از بین رفتن ضمانتنامه، صادر کننده ملزم به صدور نسخه جایگزین (المثنی) ضمانتنامه می باشد.

تبصره ۱: عبارت نسخه جایگزین باید در متن ضمانتنامه اخیر درج شود.

تبصره ۲: در صورتی که یکی از موارد فوق پس از تحقق شرایط مطالبه مبلغ ضمانتنامه و قبل از تقاضای پرداخت آن حادث شود، صادر کننده می تواند صدور نسخه جایگزین ضمانتنامه را موکول به سپردن تامین متناسب تا انقضای اعتبار ضمانتنامه از جانب متقاضی صدور نسخه جایگزین کند.

ماده ۱۶۸: هرکس از ضمانتنامه سوءاستفاده کند، متناسب با عمل ارتكابی، به جزای نقدی حداکثر تا مبلغ ضمانتنامه و جبران خسارت زیان دیده که از دو برابر مبلغ ضمانتنامه بیشتر نخواهد بود، محکوم می شود

ماده ۱۶۹: در صورت توقیف یا تامین مبلغ ضمانتنامه توسط مراجع ذیصلاح قضائی، صادر کننده موظف است پس از تحقق شرایط پرداخت و ارائه اسناد مورد نیاز با رعایت مقررات این قانون، طبق دستور مرجع مذکور عمل کند.

ماده ۱۷۰: ذینفع در موارد زیر حق تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه را ندارد:

الف) چنانچه قبلاً" به نحو مضبوطی صادر کننده را از پرداخت معاف کرده باشد.

ب) چنانچه ذینفع و صادر کننده به نحو مضبوطی ضمانت را فسخ نموده باشند.

ج) مبلغ ضمانتنامه پرداخت شده باشد.

د) دوره اعتبار ضمانتنامه طبق ماده ۱۷۱ منقضی شده باشد.

تبصره: وجود ضمانتنامه نزد صادرکننده به منزله براءت وی م یباشد، مگر اینکه اثبات شود اسناد به منظور مطالبه و وصول وجه آن در اختیار صادرکننده قرار گرفته است.

ماده ۱۷۱: مدت اعتبار ضمانتنامه مستقل در موارد ذیل منقضی میشود:

الف) با انقضای تاریخ تعیین شده در ضمانتنامه یا آخرین روز مهلت مندرج در آن.

چنانچه تاریخ انقضای مدت ضمانتنامه مصادف با تعطیل رسمی در محل پرداخت آن باشد، مدت اعتبار ضمانتنامه با پایان اولین روز کاری پس از تاریخ مزبور، منقضی می شود.

ب) در صورتی که انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه به تحقق شرایط یا واقعه معینی موقوف شده باشد، پس از وصول گواهی یا اسناد مربوط به تحقق آن به صادر کننده، مدت اعتبار ضمانتنامه منقضی می شود.

ج) چنانچه در مورد انقضای مدت در ضمانتنامه سکوت اختیار شده باشد، پنج سال پس از تاریخ صدور ضمانتنامه اعتبار آن منقضی می شود

باب پنج: اسناد تجاری

فصل اول: چک

ماده ۱۷۲: چک سندی است که به موجب آن صادرکننده مبلغی را از محل حساب بانکی خود دریافت یا به دیگری واگذار می کند.

ماده ۱۷۳: چک علاوه بر امضا یا مهر و امضاء باید دارای شرایط زیر باشد:

۱) قید کلمه چک.

۲) دستور بدون قید و شرط پرداخت مبلغی معین با حروف و عدد.

۳) نام بانک محل علیه.

۴) نام صاحب حساب.

۵ نشانی محل پرداخت.

۶ تاریخ صدور.

۷ محل صدور،

۸ شماره حساب صادرکننده چک.

ماده ۱۷۴: در صورتی که چک متضمن یکی از شرایط مقرر در ماده ۱۷۳ نباشد جز در موارد زیر مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود:

۱ در صورت قید نشدن محل پرداخت، مکانی که کنار نام بانک محال علیه نوشته شده است، محل پرداخت خواهد بود در غیر این صورت نیز مرکز اصلی بانک محال علیه محل پرداخت محسوب خواهد شد.

۲ چنانچه محل صدور چک ذکر نشده باشد محل تادیه، محل صدور محسوب خواهد شد.

ماده ۱۷۵: چنانچه تاریخ مندرج در چک به عنوان تاریخ صدور، موخر بر تاریخ واقعی صدور باشد اعتبار چک را دارد. با این حال، مسئولین سند از حیث رعایت مهلت ارایه و اقامه دعوا حق استناد به تاریخ واقعی را ندارند.

ماده ۱۷۶: انواع چک عبارتست از:

١#-؛ چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بان کها به حساب جاری خود صادر می کنند.

٢#-؛ چک تایید شده، چکی است که اشخاص عهده بانک ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تعهد شده است.

٣#-؛ تعهد صادره از سوی بانک می تواند قبل و یا بعد از صدور و همچنین شامل کل مبلغ یا جزیی از آن باشد.

۱۶۳۶#؛ چک پول، چکی است که به تقاضای اشخاص توسط بانک در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد و وجه آن در هریک از شعب آن بانک یا توسط کارگزاران آن پرداخت می‌شود از قبیل چک مسافرتی، ...

تبصره: هریک از انواع چک‌های مذکور می‌تواند بصورت الکترونیکی باشد که براساس قوانین مربوط صادر می‌شود.

ماده ۱۷۷: هرگاه در متن چک، پرداخت آن منوط به تحقق شرطی شده باشد، مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود. با این حال، بانک مکلف است وجه آنرا پرداخت کند.

ماده ۱۷۸: صدور چک در صورت بسته بودن حساب بانکی موجب سلب اعتبار سند به عنوان چک نمی‌شود.

ماده ۱۷۹: چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا حواله کرد شخص معین باشد. چک فاقد نام ذینفع، در وجه حامل تلقی می‌شود. نیز قید شده باشد، چک در وجه حامل « حامل » چنانچه در چک صادره در وجه شخص معین کلمه تلقی می‌شود.

« واریز به حساب » ماده

۱۸۰: بانک گشاینده حساب جاری یا صادرکننده چک می‌تواند با درج عبارت یا عبارت مشابه در متن چک پرداخت نقدی آن را منع کند، در این صورت وجه چنین چکی فقط قابل واریز به یک حساب بانکی خواهد بود.

چنانچه چک در وجه شخص معین، صادرکننده به حساب معینی در متن چک تصریح کند وجه چک فقط قابل واریز به همان حساب است.

ماده ۱۸۱: اگر مبلغ چک بیش از یک بار به حروف نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است.

ماده ۱۸۲ : در صورتی که چک به نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، امضاکننده یا امضاکنندگان و صاحب حساب متضامنا مسئول عدم پرداخت هستند مگر اینکه:

۱- نماینده ثابت کند در حدود قانون و اختیارات مبادرت به امضا یا مهر و امضای چک کرده و عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا نماینده بعدی او است و در متن چک سمت امضاکننده آشکار باشد. در این صورت فقط صاحب حساب و نماینده بعدی دارای مسئولیت تضامنی خواهند بود.

۲- صاحب حساب ثابت کند که چک بدون اختیار یا فراتر از حدود اختیار امضا یا مهر و امضا شده است و اعماد به اختیار امضاکننده یا امضاکنندگان دارای مسئولیت تضامنی خواهند بود.

۳- ماده ۱۷۳ باشد، ۳، ۴، ماده ۱۸۳ : اگر چک هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در بند ۲ و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار چک را خواهد داشت. در این صورت:

الف) صادرکننده نمی تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب) اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهرنویس امضا یا مهر و امضا کرده اند در حدود مفاد چک در برابر دارندگان بعدی مسئولیت دارند.

ماده ۱۸۴ : انتقال چک به حواله هرکس شخص معین به وسیله ظهرنویسی و تسلیم سند به عمل م ی آید.

یا درج عبارت دارای معنی « به حواله کرد » ماده ۱۸۵ : ظهرنویسی چکی که انتقال آن با قلم گرفتگی مشابه منع شده است انتقال عادی محسوب م ی شود و وجه چک صرفا قابل واریز به حساب بانکی دارنده خواهد بود.

ماده ۱۸۶ : انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به موجب آن انتقال دهنده ، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل م یکنند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می تواند در مقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصی اش با شخصی که سند را به او منتقل کرده است استناد کند.

ماده ۱۸۷ : ظهرنویسی چک با امضا یا مهر و امضای دارنده در پشت چک محقق می شود. ممکن است در ظهرنویسی نام شخصی که چک به نام او منتقل میشود، همچنین تاریخ انتقال قید شود. در غیر این صورت دارنده چک مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

ماده ۱۸۸ : چک در وجه حامل، می تواند بدون ظهرنویسی و صرفاً با قبض و اقباض به غیر انتقال یابد.

چک متضمن ظهرنویسی سفید (فاقد نام انتقال گیرنده) نیز بدون ظهرنویسی قابل نقل و انتقال است.

ماده ۱۸۹ : در موردی که چک در وجه حامل با ظهرنویسی در وجه شخص معین انتقال می یابد همچنان چک در وجه حامل محسوب می شود اما ظهرنویس برابر مقررات این قانون دارای مسئولیت است.

ماده ۱۹۰ : ظهرنویس می تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب شده و مشمول حکم مقرر در ماده ۱۸۵ می شود.

ماده ۱۹۱ : هرگاه در ظهر نویسی عامداً تاریخ مقدمی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به ظهرنویس های ما قبل خود و دارنده چک ، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ چک محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹۲ : ظهرنویسی حاکی از انتقال چک است مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال چک واقع نمی شود اما وکیل اختیار وصول، واخواست کردن و مطالبه گواهینامه عدم پرداخت را دارد.

ماده ۱۹۳ : وکالت در وصول چک شرح ماده ۱۹۲ با فوت یا حجر ظهرنویس یا موکل منتفی نمی شود.

ماده ۱۹۴ : چنانچه ظهرنویسی توام با شرط باشد این شرط برای بانک بلااثر و ظهرنویسی معتبر است ظهرنویسی جزئی از مبلغ چک باطل است.

تبصره: شرط فوق برای محاکم قابل استماع است.

ماده ۱۹۵ : ظهرنویسی چک پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست نامه انتقال عادی محسوب می شود و مشمول حکم مقرر در ماده ۱۸۵ است.

ماده ۱۹۶ : ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ چک ضمانت شود.

ماده ۱۹۷ : ضمانت با درج نام و نشانی اقامتگاه و امضا یا مهر و امضای ضامن توام با درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می شود.

صرف درج نام، نشانی و امضا یا مهر و امضاء پشت چک. ظهرنویسی سبب انتقال محسوب می شود مگر اینکه ذینفع خلاف آن را ثابت کند.

ماده ۱۹۸ : ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسئولیت

تضامنی دارد. به هر حال مسئولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده چک می تواند به هریک منفرداً یا مجتمعاً

مراجعه کند.

ماده ۱۹۹ : مسئولیت ضامن جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

ماده ۲۰۰ : ضامن، در صورت پرداخت مبلغ چک، از کلیه حقوق ناشی از سند در مقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که در برابر او مسئولیت دارند، برخوردار است.

ماده ۲۰۱ : وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود، هرچند تاریخ موخری به عنوان تاریخ صدور در آن درج شده باشد.

ماده ۲۰۲ : چنانچه دارنده چک ظرف دو ماه از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه نکند، دعوای او بر ظهرنویسان مسموع نیست. و اگر وجه چک به سببی که مربوط به بانک است از بین برود دعوای دارنده چک بر صادرکننده نیز مسموع نیست. تسلیم چک به بانک بهعنوان وکیل در وصول به منزله ارایه آن جهت مطالبه است.

ماده ۲۰۳ : اگر آخرین روز مهلت، تعطیل باشد اولین روز پس از تعطیل به مهلت مذکور در ماده ۲۰۲ افزوده می شود.

ماده ۲۰۴ : چنانچه صادرکننده چک فوت کند یا محجور شود این امر موثر در اعتبار چک های صادرشده نیست. بانک، در صورت آگاهی از صدور حکم ورشکستگی صادرکننده یا بازداشت حساب از سوی مراجع قضایی ، ممنوع از پرداخت و مکلف به صدور گواهینامه عدم پرداخت با ذکر علت است.

ماده ۲۰۵ : بانک پرداخت کننده چک، مکلف است در حد عرف بانکداری امضا یا مهر و امضای آن را با نمونه امضا یا مهر و امضای صادرکننده تطبیق دهد.

ماده ۲۰۶ : انقضای مواعد مندرج در این قانون، مانع پرداخت وجه چک (در صورت وجود موجودی) یا صدور گواهی عدم پرداخت توسط بانک نیست.

ماده ۲۰۷ : هرگاه وجه چک پرداخت نشود بانک مکلف است گواهینامه های با محتویات زیر صادر و به دارنده تسلیم کند:

۱- مشخصات کامل چک.

۲- هویت و نشانی کامل صادرکننده.

۳- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت یا تصریح به کفایت موجودی.

۴- تاریخ ارایه چک به بانک.

۵ گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضا یا مهر و امضای صادرکننده با

نمونه امضا یا مهر و امضای موجود در بانک.

۶ نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک.

۷ علت یا علل عدم پرداخت.

در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد بانک مکلف استبه تقاضای دارنده مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت چک پرداخت کند و گواهینامه را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر کند. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود.

تبصره: هر جا که در قوانین و مقررات دیگر واخواست اسناد تجاری پیش بینی شده است گواهینامه عدم پرداخت چک به منزله واخواست نامه تلقی میشود.

ماده ۲۰۸: بانک ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه و عدم پرداخت یا صدور نادرست یا نقص آن است.

ماده ۲۰۹: بانک مکلف است رونوشت گواهینامه مذکور در ماده ۲۰۷ را فوراً برای صاحب حساب ارسال کند.

ماده ۲۱۰: در صورت خودداری بانک از صدور گواهینامه مذکور در

ماده ۲۰۷، دارنده چک میتواند از طریق مرجع قضایی مبادرت به واخواست کند. واخواست نامه باید متضمن مشخصات کامل

پشت و روی چک و مشخصات دارنده چک باشد. مامور ابلاغ با مراجعه به بانک، علل عدم پرداخت وجه چک و همچنین علل امتناع از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا امتناع از امضا یا مهر و امضای واخواست نامه توسط بانک رادر واخواست نامه قید و امضا یا مهر و امضا میکند.

ماده ۲۱۱: صادرکننده یا صادرکنندگان، ظهرنویس ها و بانک تایید کننده یا تضمین کننده در مقابل دارنده چک مسئولیت تضامنی دارند.

دارنده چک در صورت عدم تادیه م میتواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفردا یا مجتمعا رجوع کند.

همین حق را هریک از ظهرنویس ها نسبت به صادرکننده و ظهرنویس های ما قبل خود دارد. اقامه دعوا بر یک یا چند تن از مسئولان موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولان چک نیست.

اقامه کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۲۱۲: در اجرای ماده ۲۱۱، جز در موارد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که چک را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمیشود.

ماده ۲۱۳: ظهرنویس می تواند، با تصریح به عدم مسئولیت در ضمن ظهرنویسی، خود را از قید مسئولیت های مقرر در ماده ۲۱۱ معاف دارد.

ماده ۲۱۴: دارنده چکی که منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست نامه شده باشد باید مراتب را ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ وصول گواهینامه یا واخواست نامه به طریق مضبوطی به شخصی که چک را به او واگذار نموده ابلاغ کند.

هریک از ظهرنویس ها نیز باید ظرف ده روز از تاریخ فوق به طریق مضبوطی به ید ما قبل خود ابلاغ کند در غیر این صورت مسئول جبران خسارات ناشی از عدم ابلاغ خواهد بود.

تبصره: عدم اطلاع صادرکننده و یا ظهرنویسان از عدم پرداخت وجه چک رافع مسئولیت های موضوع ماده ۲۱۱ در برابر دارنده نیست.

ماده ۲۱۵ : دارنده چک، علاوه بر مبلغ تادیه نشده چک، میتواند ارقام زیر را از مسئولین سند مطالبه

کند:

۱ خسارت تاخیر تادیه از تاریخ مطالبه چک تا روز پرداخت نسبت به مبلغ تادیه نشده. چنانچه موجودی صادرکننده در بانک کافی نباشد، خسارت تاخیر تادیه فقط به کسری موجودی تعلق می گیرد حتی اگر دارنده موجودی را مطالبه نکرده باشد.

۲ هزینه و اخوانست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق الوکاله و هزینه دادرسی یا هزینه اجرای ثبت.

تبصره: خسارت تاخیر تادیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود و تعیین م یگردد. به هر حال خسارت تاخیر نباید کمتر از ۶ درصد در سال باشد.

ماده ۲۱۶ : هریک از مسئولین تادیه چک می تواند، پرداخت را به تسلیم چک و اخوانست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و صورتحساب خسارت تاخیر تادیه و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کند.

ماده ۲۱۷ : اگر مبلغ چک به حکم قانون نزد بانک محال علیه توقیف شده باشد در این صورت نباید وجه آن را بپردازد و در صورت پرداخت مسئول خواهد بود.

ماده ۲۱۸ : در صورت اقامه دعوا، دادگاه تجارتي مکلف است، با تقاضای دارنده چکی که به علت اخوانست یا صدور گواهی عدم پرداخت، تادیه نشده است معادل وجه چک را از اموال خوانده یا خواندگان تامین کند.

ماده ۲۱۹ : دادگاه تجارتي نمی تواند بدون رضایت صاحب چک برای تادیه وجه آن مهلت دهد.

ماده ۲۲۰ : اگر دارنده چک بخواهد از حقی که ماده ۲۱۱ برای او مقرر داشته است استفاده کند باید ظرف یکسال از تاریخ واخواست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت اقامه دعوا کند.

هریک از ظهرنویس ها که بخواهد از حقی که در ماده ۲۱۱ به او داده شده است استفاده کند، باید ظرف همین مدت اقامه دعوا کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه دادگاه تجارتي محسوب است و اگر وجه چک را بدون اینکه علیه او اقامه دعوی شده باشد تادیه کند از فردای روز تادیه محسوب می شود.

ماده ۲۲۱ : پس از انقضای مواعد مقرر در ماده فوق، دعوای دارنده چک بر ظهرنویس ها و همچنین دعوای هریک از ظهرنویس ها بر ظهرنویس سابق خود مسموع نیست.

ماده ۲۲۲ : دعوای راجع به چک، پس از انقضای سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست یا آخرین تعقیب قضایی، به عنوان سند تجارتي در محاکم مسموع نخواهد بود.

تبصره: مواعد مذکور در ماده ۲۲۰ از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۲۲۳ : مالک چک مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده ۲۰۷ باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

ماده ۲۲۴ : مالک چک مفقود در صورت عدم توافق با صادرکننده میتواند با اثبات مالکیت خویش بر چک و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت ۳ سال به تشخیص دادگاه تجارتي، الزام صادر کننده را به پرداخت وجه آن بخواهد. چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد صادرکننده ملزم به تودیع مبلغ چک به صندوق دادگستری است. دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ چک ، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد. دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ چک ، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

ماده ۲۲۵ : مسئولین چک ملزم به ارایه اطلاعات و مدارکی هستند که در خصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند. در غیر این صورت، ضامن خسارت وارده اند.

ماده ۲۲۶ : مبدا محاسبه خسارت تادیه برای دارنده چک مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

ماده ۲۲۷ : در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسئولان چک صادر شود، دارنده چک می تواند در هیات طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ چک، خسارت تاخیر تادیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای مبلغی که به دارنده چک پرداخت می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده چک تخصیص

مییابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت، مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته اند، جزء دارایی ورشکستگان یمحسوب م ی شود که به سایر ورشکست ها حق رجوع دارند.

تبصره ۱: در هر حال، دارنده چک نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

تبصره ۲: مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی دارند رعایت م ی شود.

ماده ۲۲۸ : دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن، می تواند طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه چک را به همراه خسارات تادیه از صادرکننده وصول کند، برای صدور اجراییه، دارنده چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در ماده ۲۰۷ را به اجرای ثبت اسناد محل تادیه وجه چک یا محل اقامت صادرکننده تسلیم کند. در صورت دریافت جزئی از مبلغ چک از بانک، رایه گواهینامه عدم پرداخت کافی است. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضا یا مهر و امضای چک با نمونه امضا یا مهر و امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

۲۲۹ : در صورت مطالبه وجه چک از طریق اجراء ثبت، اجرائیه فقط علیه صاحب حساب صادر خواهد شد.

ماده ۲۳۰ : صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محل علیه محل داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید به عمد چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به دلیل عدم مطابقت امضا یا مهر و امضاء ، قلم خوردگی در متن چک و اختلاف در مندرجات چک ، از پرداخت وجه چک خودداری کند.

ماده ۲۳۱ : مجازات متخلف از هر یک از احکام ماده ۲۳۰ به قرار زیر است:

الف چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد به حبس تا شش ماه و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ب چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) باشد به حبس از سه ماه و یک روز تا یکسال و بر حسب مورد به (پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه یا یک چهارم کسری موجودی و ممنوعیت از داشتن چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ج چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه یا یک چهارم کسری موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته چک متناسب با دوره حبس محکوم میشود.

تبصره ۱ : در صورتی که صادر کننده چک اقدام به صدور چک های بلامحل نموده باشد. مجموع مبالغ مندرج چک ها ملاک عمل است.

تبصره ۲: دادگاه تجارتي م میتواند در صورت وجود جهات مخففه مطابق مقررات مجازات اسلامي تخفيف قائل شود.

ماده ۲۳۲ : هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود، مبادرت به صدور چک کند، به حداکثر #۱۶۳۹£۶#;

مجازات مندرج در بندهای ماده ۲۳۱ حسب مورد محکوم خواهد شد.

ماده ۲۳۳ : در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند یا با موافقت شاکی خصوصی، ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم کند قابل تعقیب کیفری نیست.

در مورد اخیر بانک مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود کند و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد.

ماده ۲۳۴ : هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا متهم وجه چک و خسارات تاخیر تادیه را به دارنده آن پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور را فراهم آورد یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع کند قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.

صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه، رسیدگی و حکم صادر کند.

محکوم علیه، ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک چهارم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

ماده ۲۳۵ : هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا محکوم علیه به ترتیب مذکور در

ماده ۲۳۴ موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تاخیر و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم سازد، اجرای حکم موقوف می شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل

یک دوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

تبصره: دارنده چک می تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت تمامی خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف برای وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تجارتي تقاضا کند، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند،

باید درخواست خود را به همان دادگاه تجارتي صادرکننده حکم تقدیم کند.

ماده ۲۳۶ : جرایم مذکور در ماده ۲۳۱ بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست، در صورتی که دارنده چک تا ۹۰ روز از تاریخ مندرج چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه (۱۸۰ روز) از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکند دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است.

برای تشخیص اینکه چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است، بانکها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید کنند.

ماده ۲۳۷ : شخصی که پس از صدور گواهی عدم پرداخت چک به وی منتقل گردیده است حق شکایت کیفری ندارد مگر آنکه انتقال قهری باشد. هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو دیگری واگذار کند تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و

نشانی خود را، با تصریح به نمایندگی آن شخص، در ظهر چک قید کند. در این صورت، بانک گواهینامه عدم پرداخت مذکور در ماده ۲۰۷ را به نام صاحب چک صادر میکند و حق شکایت کیفری او محفوظ می ماند.

ماده ۲۳۸: در موارد زیر صادر کننده چک از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نیست:

۱ هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

۲ هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

۳ هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

۴ در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده است.

ماده ۲۳۹: صادر کننده چک یا دارنده یا قائم مقام قانونی آنها، با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده است می تواند کتبا دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد.

بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارایه چک به بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر میکند.

دارنده چک می تواند علیه شخصی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت نشود، در صورت اثبات سوء نیت دستور دهنده به مجازات مقرر در ماده ۲۳۱ این قانون محکوم خواهد شد.

تبصره ۱: دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک، حداکثر ظرف مدت یک هفته برای اخذ دستور موقت به مرجع قضایی مراجعه و گواهی آن را به بانک ارایه کند در غیر این صورت

پس از انقضاء مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می‌کند. در مورد چک مفقودی لازم است مراتب به اطلاع مراجع انتظامی برسد.

٧٦

تبصره ۲: در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر میشود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری کند.

تبصره ۳: پرداخت چک هایی را که بانک ها عهده خود صادر می کنند، به استثناء چک هایی که بانک ها در وجه شخص معین، عهده خود صادر کرده اند و مفقود شده است، نمی توان متوقف کرد، مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعایی جعل کند، در هر حال دادگاه تجارتي می تواند دستور توقف را صادر کند..

تبصره ۴: جز در موارد مقرر در این ماده یا امر دادگاه تجارتي، بانک به دستور عدم پرداخت ترتیب اثر نمی دهد.

ماده ۲۴۰: وجود چک در دست صادرکننده اماره پرداخت وجه آن است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۲۴۱: در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت کند عدم پرداخت، مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.

ماده ۲۴۲: در صورتی که به متهم دسترسی نباشد، ابلاغ به آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه به عمل می آید. هرگاه متهم در این نشانی شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد، گواهی مامور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می شود و رسیدگی بدون احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.

ماده ۲۴۳ : بانک مکلف است نسبت به صحت هویت صاحب حساب، صحت نشانی یا نشانی های صاحب حساب و شغل صاحب حساب دقت متعارف را اعمال کند در غیر این صورت ضامن خسارات وارد به دارنده چک خواهد بود.

ماده ۲۴۴ : بانک مکلف است در قرارداد افتتاح حساب جاری با مشتریان، تمهیدات لازم را برای حصول اطمینان از استرداد اوراق دسته چک داده شده به مشتری، پس از بسته شدن حساب وی پیش بینی کند.

ماده ۲۴۵ : بانک ها مکلفند کلیه حساب های جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده اند و تعقیب آنها منتهی به محکومیت قطعی شده است، مسدود سازند و تا ۳ سال به نام آنان حساب جاری دیگری باز نکنند.

ماده ۲۴۶ : بانک ضامن زیانهای ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به چک، در برابر دارنده چک است.

ماده ۲۴۷ : بانک ها مکلف فاند ضمن انتشار فهرست شماره های حساب های جاری مسدود شده، امکان دسترسی اشخاص به فهرست را فراهم کنند.

ماده ۲۴۸ : بانک ها مکلف اند هنگام صدور گواهی نامه عدم پرداخت مذکور در ماده ۲۰۷ این قانون، نسخه ای از آن را برای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال کنند.

ماده ۲۴۹ : بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بی محل کرده اند و منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت یا واخواست شده است، به صورت روزآمد، مرتب و منظم، ضبط و نگهداری کنند و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانک های کشور قرار دهد.

ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص مذکور از افتتاح حساب جاری و نحوه دسترسی اشخاص ذینفع به اطلاعات در این خصوص و پاسخ به استعلام از بانک ها به موجب آیین نامه ای که به پیشنهاد بانک مرکزی و تایید شورای پول و اعتبار به تصویب هیات وزیران می رسد، تعیین می شود.

ماده ۲۵۰ : چنانچه بانک ها به تکلیف مقرر در مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تکلیف ماده ۲۴۹ عمل نکنند، علاوه بر اعمال ضمانت اجرای مقرر در قانون پولی و بانکی، حسب مورد مسئول جبران خسارات وارده نیز خواهند بود.

فصل دوم: سفته

ماده ۲۵۱ : سفته سندی است که به موجب آن شخصی بدون قید و شرط تعهد می کند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل، شخص معین و یا به حواله کرد او پرداخت کند.

ماده ۲۵۲ : سفته علاوه بر نام و امضا یا مهر و امضای متعهد باید متضمن موارد زیر باشد:

۱ « سفته » قید کلمه

۲ تاریخ و محل صدور

۳ مبلغی که باید تادیه شود با حروف

۴ گیرنده وجه

۵ تاریخ پرداخت

۶-نشانی کامل محل پرداخت

ماده ۲۵۳ : در صورتی که سفته متضمن یکی از مشخصات مقرر در مواد ۲۵۱ و ۲۵۲ نباشد مشمول مقررات راجع به سفته نخواهد بود، مگر در موارد زیر:

۱ اگر گیرنده وجه قید نگردد، سفته در وجه حامل محسوب است.

۲ اگر سررسید درج نشود، سفته عندالمطالبه محسوب است.

۳ اگر محل صدور درج نگردد، محل تادیه، محل صدور محسوب است.

ماده ۲۵۴ : چنانچه به موجب قرارداد میان بانک و مشتری، وجه سفته از محل حساب جاری یا حساب پ سانداز یا هر نوع حساب دیگری پرداخت می شود، باید نشانی شعبه بانک و شماره حساب به عنوان محل تادیه در سفته درج شود.

ماده ۲۵۵ : اگر مبلغ سفته بیش از یک بار به حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

ماده ۲۵۶ : سفته ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود، در این صورت اگر امضا کننده سمت خویش را در متن سفته قید نکند با دستور دهنده مسئولیت تضامنی دارد و اگر فراتر از حدود اختیار یا بدون اختیار عمل کند، شخصاً مسئول است.

۵، و ۶ ماده ۲۵۲ باشد و ۴، ماده ۲۵۷ : اگر سفته هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در بندهای ۳ سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار سفته، را خواهد داشت. در این صورت:

الف) صادرکننده نمی تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب) اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهرنویس امضا یا مهر و امضا کرد هاند در « حدود مفاد سفته در

برابر دارندگان بعدی مسئولیت دارند

ماده ۲۵۸ : سفته ممکن است عندالمطالبه باشد یا به وعده از مطالبه یا به وعده از تاریخ صدور پرداخت سفته ممکن است به روز معینی موکول شود.

ماده ۲۵۹ : موعد پرداخت سفته ای که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از مطالبه وعده دارد به وسیله امضا یا مهر و امضای مجدد صادرکننده در روی سفته توأم با درج تاریخ مطالبه معین

میشود. در صورت استتکاف صادرکننده از امضا یا مهر و امضای مجدد، رعایت تشریفات مقرر در ماده ۳۰۲ به منزله مطالبه خواهد بود.

ماده ۲۶۰: اگر موعد پرداخت سفته با تعطیل رسمی تصادف کند، باید روز بعد از تعطیل تادیه شود.

ماده ۲۶۱: در سفته ای که وعده آن یک یا چند ماه پس از صدور یا مطالبه تعیین شده است، هر ماه سی روز محاسبه میشود.

ماده ۲۶۲: انتقال سفته به حواله کرد شخص معین به وسیله ظهرنویسی و تسلیم سند به عمل می آید.

ماده ۲۶۳: ظهرنویسی سفته با امضا یا مهر و امضای دارنده در پشت سفته محقق میشود. ممکن است در ظهرنویسی نام شخصی که سفته به نام او منتقل می شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود.

در غیر این صورت دارنده سفته مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

یا درج عبارت دارای « به حواله کرد » ماده ۲۶۴: ظهرنویسی سفته ای که انتقال آن با قلم گرفتگی معنی مشابه منع شده، انتقال عادی محسوب می شود. در موردی که بانک به عنوان محل تادیه معین شده است وجه سفته فقط قابل واریز به حساب بانکی دارنده است.

ماده ۲۶۵: انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به موجب آن انتقال دهنده، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می تواند در مقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصی اش با شخصی که سند را به او منتقل کرده است استناد کند.

ماده ۲۶۶: سفته در وجه حامل، بدون ظهرنویسی و صرفاً با قبض و اقباض قابل به غیر انتقال یابد.

سفته متضمن ظهرنویسی سفید (فاقد نام انتقال گیرنده) نیز بدون ظهرنویسی قابل نقل و انتقال است. اگر سفته در وجه حامل بنام شخص معین ظهرنویسی شود همچنان سفته در وجه حامل محسوب می شود اما ظهرنویس برابر مقررات این قانون دارای مسئولیت خواهد بود

ماده ۲۶۷: ظهرنویس می تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب می شود و مشمول حکم مقرر در ماده ۲۶۳ است.

ماده ۲۶۸: هرگاه در ظهرنویسی عمداً تاریخ مقدمی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارده به ظهرنویس های ما قبل خود و دارنده سفته، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ سفته محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۹: ظهرنویسی حاکی از انتقال سفته است مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال سفته واقع نمی شود اما وکیل حق واخواست یا مطالبه گواهینامه عدم پرداخت را دارد.

ماده ۲۷۰: وکالت در وصول سفته شرح ماده ۲۶۹ با فوت یا حجر ظهرنویس یا موکل منتفی نمی شود.

ماده ۲۷۱: ظهر نویسی سفته پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست نامه، انتقال عادی محسوب می شود و مشمول حکم مقرر در ماده ۲۶۳ می شود.

ماده ۲۷۲: چنانچه ظهرنویسی توأم با شرط باشد، ظهرنویسی معتبر است و هیچ یک از مسئولین سند نمی تواند با استناد به شرط مزبور از ایفای مسئولیت خویش خودداری کند. لیکن چنین شرطی برای محاکم قابل استماع است. ظهرنویسی جزئی از مبلغ سفته باطل است.

ماده ۲۷۳: ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ سفته ضمانت شود.

ماده ۲۷۴ : ضمانت با درج نام و نشانی اقامتگاه و امضای ضامن و درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می شود. در صورت عدم ذکر نام مضمون عنه، ضمانت به نفع صادرکننده محسوب است.

ماده ۲۷۵ : ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسئولیت تضامنی دارد. به هرحال مسئولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده سفته میتواند به هریک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

ماده ۲۷۶ : مسئولیت ضامن جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

ماده ۲۷۷ : ضامن در صورت پرداخت مبلغ سفته از کلیه حقوق ناشی از سند در مقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که نسبت به شخص اخیر در سفته مسئولیت دارند، برخوردار خواهد بود.

ماده ۲۷۸ : سفته به وعده از مطالبه یا صدور باید روز آخر وعده پرداخت شود.

ماده ۲۷۹ : روز رویت در سفته ای که به وعده از مطالبه است و روز صدور سفته در سفته هایی که به وعده از تاریخ صدور است، حساب نمیشود.

ماده ۲۸۰ : شخصی که وجه سفته را قبل از موعد می پردازد در مقابل اشخاصی که نسبت به سفته حقی دارند مسئول است.

ماده ۲۸۱ : دارنده سفته را نمی توان به دریافت پیش از موعد مبلغ سفته اجبار کرد.

ماده ۲۸۲ : چنانچه وجه سفته قانوناً نزد صادر کننده توقیف شده باشد، صادر کننده نباید وجه سفته را بپردازد و در صورت پرداخت مسئول خواهد بود.

ماده ۲۸۳ : اگر جزیی از مبلغ سفته پرداخت شود به همان اندازه صادرکننده و ظهرنویس ها بری می شوند و دارنده فقط نسبت به بقیه وجه سفته م میتواند به مسئولان سند رجوع کند. در صورت پرداخت جزیی از مبلغ سفته پرداخت کننده م میتواند پرداخت را موکول به درج آن در

پشت سفته با امضا یا مهر و امضا دریافت کننده، ارائه رسید، تصویر مصدق پشت و روی سفته کند.

ماده ۲۸۴ : دادگاه تجارتي نمی تواند بدون رضایت صاحب سفته برای تادیه وجه آن مهلت دهد.

ماده ۲۸۵ : صادرکننده یا صادرکنندگان و ظهرنویس ها در مقابل دارنده سفته مسئولیت تضامنی دارند. دارنده سفته در صورت عدم تادیه می تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفردا یا مجتمعا رجوع کند. همین حق را هریک از ظهرنوی سها نسبت به صادرکننده و ظهرنوی سهای ماقبل خود دارد.

طرح دعوا بر یک یا چند تن از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایرین نیست. دارنده ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۲۸۶ : در اجرای ماده ۲۸۵ ، جز در موارد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که سفته را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمی شود.

ماده ۲۸۷ : ظهرنویس می تواند با تصریح به عدم مسئولیت مقرر در ماده ۲۸۵ ضمن ظهرنویسی، خود را از این قید معاف دارد.

ماده ۲۸۸ : دارنده سفته علاوه بر مبلغ تادیه نشده سفته می تواند ارقام زیر را نیز از مسئولین سند مطالبه کند:

۱- خسارت تاخیر تادیه از تاریخ مطالبه سفته تا روز پرداخت نسبت به مبلغ تادیه نشده.

۲- هزینه و اخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق الوکاله و هزینه دادرسی یا هزینه اجرای ثبت.

تبصره: خسارت تاخیر تادیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود. به هر حال خسارت تاخیر تادیه نباید کمتر از ۶ درصد در سال باشد.

ماده ۲۸۹: هریک از مسئولین تادیه سفته می‌تواند پرداخت را به تسلیم سفته و درخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و صورتحساب خسارت تاخیر تادیه و مخارج قانونی که باید بپردازد، موکول کند.

ماده ۲۹۰: مالک سفته مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهار نامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده ۳۰۳ باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

ماده ۲۹۱: مالک سفته مفقود، در صورت عدم توافق با صادرکننده، می‌تواند با اثبات مالکیت خویش بر سفته و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتي الزام صادر کننده را به پرداخت وجه آن بخواهد.

چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد صادرکننده ملزم به تودیع مبلغ سفته به صندوق دادگستری است.

دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ سفته، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

ماده ۲۹۲: مسئولین سفته ملزم به ارایه اطلاعات و مدارکی هستند که در خصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند. در غیر این صورت ضامن خسارت وارده خواهند بود.

ماده ۲۹۳: مبدا محاسبه خسارت تادیه دارنده سند مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

ماده ۲۹۴: نسبت به سفته هایی که وجه آن باید به رویت یا به وعده از رویت تادیه شود دارنده سفته مکلف است پرداخت یا مطالبه آن را ظرف یک سال از تاریخ صدور سفته تقاضا کند و الا حق رجوع به ظهرنویسان را نخواهد داشت.

ماده ۲۹۵: دارنده سفته باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ سررسید وجه آن را مطالبه کند، در غیراین صورت، دعوی او بر ظهرنویسان مسموع نیست.

ماده ۲۹۶: اگر روز پانزدهم تعطیل باشد اولین روز پس از تعطیل به مهلت مذکور در ماده قبل افزوده می شود.

ماده ۲۹۷: در مورد مواد ۲۹۴ و ۲۹۵ تاریخ تقاضای واخواست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت رعایت مهلت های مذکور را ثابت میکند.

ماده ۲۹۸: در صورتی که به دلیل وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش بینی که رفع آن از حیطة اختیار دارنده خارج است، ارایه سفته برای پرداخت یا اعتراض عدم پرداخت میسر نشود، مهلت مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان ممنوعیت قانونی یا حوادث غیرقابل پی شبنی افزایش می یابد. دارنده مکلف است بلافاصله پس از رفع موانع یا پایان حوادث مزبور نسبت به ارائه سفته برای قبولی یا پرداخت و در صورت لزوم اعتراض عدم پرداخت اقدام کند.

ماده ۲۹۹: در خصوص ماده ۲۹۸ دارنده مکلف است در اولین فرصت ممکن، وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیرقابل پی شبنی را به طریق مضبوطی به ظهرنویس ماقبل خود اطلاع دهد وگرنه حق مراجعه به ظهرنویسان ماقبل خود و صادرکننده را نخواهد داشت.

ماده ۳۰۰: دارنده سفته ای که منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا واخواست نامه شده باشد باید مراتب را ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول گواهینامه یا واخواست نامه به طریق مضبوطی به شخصی که سفته را به او واگذار نموده ابلاغ کند.

هریک از ظهرنویسان نیز باید ظرف ده روز از تاریخ فوق مراتب را به طریق مضبوطی به ید ما قبل خود ابلاغ کند در غیر این صورت مسئول خسارات ناشی از عدم ابلاغ خواهد بود.

بخش سوم

ماده ۳۰۱: در صورت اقامه دعوی دادگاه تجارتي مکلف است به مجرد تقاضای دارنده سفته ای که به علت وخواست یا صدور گواهی عدم پرداخت، تادیه نشده باشد معادل وجه سفته را از امول خوانده یا خواندگان به عنوان تامین توقیف کند.

ماده ۳۰۲: ارایه سفته و عدم تادیه وجه آن از طریق وخواست یا گواهینامه عدم پرداخت ثابت می شود. در صورت فوت و ورشکستگی صادرکننده، دارنده از تکلیف فوق معاف خواهد بود. همین حکم در موردی نیز که صادرکننده سفته قبل از موعد سفته ورشکسته شود جاری خواهد بود.

ماده ۳۰۳: وخواست نامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور و دفاتر دادگاه های تجارتي طبق مقررات به محل پرداخت سفته ابلاغ می شود و باید مراتب ذیل را دارا باشد:

۱ رونوشت کامل سفته با تمام مندرجات سفته اعم از مشخصات ضامن، ظهرونیس و غیره و یا تصویر آن.

۲ تقاضای تادیه وجه سفته.

ماده ۳۰۴: چنانچه بانک محل تادیه سفته باشد بانک مکلف است در صورت عدم پرداخت، گواهینامه ای با محتویات زیر صادر نموده و به دارنده سفته تسلیم کند:

۱ مشخصات کامل سفته

۲ هویت و نشانی کامل صادرکننده.

۳ میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت و یا تصریح به کفایت موجودی.

۴ تاریخ ارائه سفته به بانک.

۵ گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضا یا مهر و امضای صادرکننده با نمونه امضا یا مهر و امضا موجود در بانک.

۶ نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده سفته.

۷ علت یا علل عدم پرداخت در صورتی که موجودی حساب صادرکننده سفته نزد بانک کمتر از مبلغ سفته باشد. بانک مکلف

است به تقاضای دارنده مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت سفته پرداخت کند و گواهی نامه را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر نماید. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده سفته جانشین اصل سفته خواهد بود.

ماده ۳۰۵ : بانک، ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا صدور نادرست و ناقص آن است.

ماده ۳۰۶ : بانک مکلف است گواهینامه عدم پرداخت را فوراً برای صاحب حساب ارسال کند.

ماده ۳۰۷ : اگر دارنده سفته بخواهد از حقی که ماده ۲۸۵ برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید ظرف یکسال از تاریخ وخواست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت اقامه دعوا کند.

هریک از ظهرنویس ها که بخواهد از حقی که در ماده ۲۸۵ به او داده شده استفاده کند، باید ظرف همین مدت اقامه دعوی کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه دادگاه تجارتي محسوب است و اگر وجه سفته را بدون اینکه علیه او اقامه دعوا شده باشد تادیه کند از فردای روز تادیه محسوب است.

ماده ۳۰۸ : پس از انقضای مواعد مقرر در ماده فوق دعوی دارنده سفته علیه ظهرنویس ها و همچنین دعوی هریک از ظهرنویس ها بر ظهرنویس سابق خود مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۰۹ : دعاوی راجع به سفته، پس از انقضای سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت یا وخواست یا آخرین تعقیب قضایی، به عنوان سند تجاری در محاکم مسموع نخواهد بود.

تبصره: مواعد مذکور در ماده ۳۰۷ از شمول این ماده مستثنی است. یا هر اصطلاح « بدون اعتراض » ماده ۳۱۰ : صادرکننده و ظهرنویس ها و ضامن می توانند با قید شرط معادل دیگری

که در سفته نوشته، امضا یا مهر و امضا می شود، دارنده را از اعتراض عدم پرداخت به منظور اعمال حق رجوع، معاف کنند. این شرط دارنده را از وظیفه ارایه سفته ظرف مهلت مقرر معاف نمی کند ولی اثبات عدم رعایت این مهلت به عهده شخصی است که در مقابل دارنده به این ایراد استناد می کند.

اگر این شرط توسط صادرکننده نوشته شده باشد، آثار آن متوجه کلیه مسئولان سفته میشود. در صورتی که این شرط توسط یکی از ظهرنویس ها یا ضامن درج شده باشد، آثار آن فقط در مورد همان ظهرنویس یا ضامن مجری است.

اگر علیرغم درج شرط در سفته به وسیله صادرکننده، دارنده سفته اعتراض به عمل آورد، باید هزینه های مربوط را نیز متحمل شود. در صورتی که این شرط از جانب ظهرنویس یا ضامن قید شود مخارج اعتراض اگر انجام شده باشد از تمام مسئولان سفته قابل مطالبه است. مفاد این ماده در صورتی که محل پرداخت سفته بانک صادرکننده باشد اعمال نمیشود.

ماده ۳۱۱: در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسئولان سفته صادر شود، دارنده سفته می تواند در هیات طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ سفته، خسارت تاخیر تادیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمیتواند برای مبلغی که به دارنده سفته پرداخت می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده سفته تخصیص مییابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت، مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته اند، جزء دارایی ورشکستگان یمحسوب میشود که به سایر ورشکست ها حق رجوع دارند.

تبصره ۱: در هر حال، دارنده سفته نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

تبصره ۲: مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی دارند رعایت میشود.

ماده ۳۱۲ : دارنده سفته ای که محل تادیه آن بانک است در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن می تواند طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه سفته را به همراه خسارت تاخیر در تادیه از صادرکننده وصول کند برای صدور اجراییه دارنده سفته باید عین سفته و گواهینامه مذکور در ماده ۳۰۴ را به اجرای ثبت اسناد محل تادیه سفته یا محل اقامت صادر کننده تسلیم کند.

در صورتی که بخشی از وجه پرداخته شده باشد گواهینامه مزبور جانشین سفته هم هست.

اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضا یا مهر و امضای سفته با نمونه امضا یا مهر و امضای صادرکننده توسط بانک گواهی شده باشد.

ماده ۳۱۳ : در صورتی که صادرکننده سفته، شخص حقوقی باشد و امضا کننده یا امضا کنندگان پرداخت وجه آن از طرف شخص حقوقی ضمانت کرده باشند اجراییه به نحو تضامن علیه شخص حقوقی و امضا کننده یا امضاکنندگان صادر م یگردد.

ماده ۳۱۴ : با تقاضای دارنده سفته، اجرای ثبت مکلف است معادل مبلغ سفته، خسارت تاخیر تادیه و هزینه اجرا را از اموال ثبت شده صادر کننده و همچنین ضامن مذکور در ماده ۳۰۵ راسا شناسایی و بازداشت کند، در خصوص اموال ثبت نشده توقیف توسط اجرای ثبت مطابق مقررات موجود انجام خواهد شد.

ماده ۳۱۵ : اجرای ثبت مکلف است به تقاضای دارنده و با معرفی مشخصات صادرکننده و شعبه بانک یا موسسه اعتباری و مالی که وی احتمال وجود حساب مفتوح صادرکننده را م یدهد، شماره حساب بانکی صادرکننده و کفایت موجودی را استعلام و در حدود طلب بازداشت کند.

ماده ۳۱۶ : تقاضای اجرا باید حداکثر ظرف یک سال از صدور گواهینامه عدم پرداخت به عمل آید.

ماده ۳۱۷ : در مورد سفته هایی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین کشور صدور است.

در هر قسمت از سایر تعهدات ناشی از سفته (تعهدات ناشی از ظهرنویسی، ضمانت و غیره) نیز که در خارج از کشور به وجود آمده است، تابع قوانین کشوری است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است. با وجود این، اگر شرایط اساسی سفته یا تعهدات ناشی از آن مطابق قانون ایران جمع باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرد هاند حق استناد به این را ندارند که شرایط اساسی سفته یا تعهدات ناشی از سفته مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۳۱۸: اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از سفته و استفاده از آن در خارج از کشور باید به عمل آید، تابع قوانین کشور محل اقدام است.

فصل سوم: برات

ماده ۳۱۹: برات سندی است که به موجب آن شخصی به شخص دیگری دستور بی قید و شرط می دهد تا در موعد معین یا به رویت مبلغی را به شخص ثالث یا دستور دهنده یا به حواله کرد آنها پرداخت کند. به شخصی که دستور را دریافت، « برات دهنده » یا « صادرکننده » یا « براتکش » به دستور دهنده می گویند. « دارنده برات »، و به شخص ثالث « براتگیر » می کند

ماده ۳۲۰: برات علاوه بر امضا یا مهر و امضای برات دهنده باید متضمن موارد زیر باشد:

۱- « برات » - قید کلمه

۲- نام و محل اقامتگاه صادرکننده برات.

۳- تاریخ صدور به روز و ماه و سال.

۴- محل صدور.

۵- مبلغ برات.

۶- موعد پرداخت مبلغ برات.

۷- نشانی کامل محل پرداخت برات.

۸- نام و محل اقامتگاه (براتگیر).

۹- نام شخصی که برات باید در وجه یا حواله کرد او پرداخت شود.

۱۰- در صورتی که برات در بیش از یک نسخه صادر شود

قید این که نسخه اول، دوم، سوم یا الی آخر است.

ماده ۳۲۱ : در صورتی که برات مطابق ماده دو تنظیم نشده باشد، مشمول مقررات برات نخواهد بود مگر در موارد زیر:

۱۱- براتی که در آن موعد پرداخت مشخص نشده باشد، به رویت تلقی م ی شود.

۱۲- در صورتی که مکان پرداخت مبلغ برات مشخص نباشد. اقامتگاه براتگیر مکان پرداخت تلقی می شود.

۱- در صورتی که محل صدور برات ذکر نشود، اقامتگاه برات دهنده محل صدور برات تلقی می شود.

ماده ۳۲۲ : اگر برات هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده ۳۲۰ باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار برات را خواهد داشت. در این صورت:

الف) صادرکننده نمی تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب) اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهرنویس امضا یا مهر و امضا کرده اند در حدود مفاد برات در برابر دارندگان بعدی مسئولیت دارند.

ماده ۳۲۳ : چنانچه به موجب قرارداد میان بانک و مشتری، وجه برات از محل حساب جاری یا حساب پس انداز یا هر نوع حساب دیگری قابل پرداخت باشد، باید نشانی شعبه بانک و شماره حساب به عنوان محل پرداخت در برات قید شود.

ماده ۳۲۴: اگر مبلغ برات بیش از یک بار به حروف نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

ماده ۳۲۵: برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود، در این صورت، امضا کننده باید سمت خویش را در برات ذکر کند، وگرنه، با دستور دهنده مسئولیت تضامنی خواهد داشت و چنانچه فراتر از حدود اختیار، یا بدون داشتن اختیار عمل کند، شخصا مسئول است.

ماده ۳۲۶: موعد پرداخت ممکن است برات به رویت به وعده از رویت یا به وعده از تاریخ صدور یا به روز معین باشد.

ماده ۳۲۷: هرگاه برات گیر یا شخص ثالث، برات به رویت را قبول کند باید فوراً آن را پرداخت کند.

ماده ۳۲۸: سررسید براتی که به وعده از رویت صادر شده، به وسیله تاریخ قبولی و در صورت خودداری براتگیر از قبول، به وسیله تاریخ وخواست نامه نکول معین م ی شود.

ماده ۳۲۹: اگر سررسید برات مصادف با تعطیل رسمی باشد باید روز بعد از تعطیل پرداخت شود.

ماده ۳۳۰: برات باید به محض ارائه یا حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه، قبول یا نکول شود.

ماده ۳۳۱: براتگیر تا زمانی که برات را قبول نکرده است نسبت به آن مسئول نیست، ولی اگر قبول کند، حق نکول ندارد.

ماده ۳۳۲ : قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده، امضا یا مهر و امضا میشود. اگر در برات قابل پرداخت به وعده از رویت، قبولی بدون تاریخ نوشته شود، تاریخ صدور برات تاریخ رویت تلقی می شود.

ماده ۳۳۳ : هر عبارتی که براتگیر در برات بنویسد و امضاء یا مهر و امضاء کند قبولی محسوب است، مگر این که صراحت بر عدم قبول داشته باشد. در صورتی که عبارت، حاکی از عدم قبول جزئی از مبلغ برات باشد، برات نسبت به بقیه مبلغ آن قبول شده محسوب میشود. در صورتی که براتگیر بدون درج عبارتی، برات را امضاء یا مهر و امضاء کند برات قبول شده تلقی میشود

ماده ۳۳۴ : قبول برات نباید مشروط به تحقق شرطی شود، در صورت قبولی مشروط، برات نکول شده محسوب می شود. با این حال براتگیر در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.

ماده ۳۳۵ : قبولی برات ممکن است منحصر به جزیی از مبلغ برات باشد، در این صورت دارنده می تواند برای بقیه مبلغ آن اعتراض کند

ماده ۳۳۶ : براتگیر نمی تواند تقاضا کند که برای نوشتن قبولی عین برات نزد او باقی بماند. هرگاه برات در نسخه های متعدد نوشته شده باشد، فقط نسخ های که مخصوص براتگیر است نزد او باقی خواهد ماند.

ماده ۳۳۷ : اعتراض به نکول برات باید با «واخواست نامه عدم قبول» تحقق یابد.

ماده ۳۳۸ : براتگیر می تواند هنگام قبول برات، حسب مورد، محل دیگری را غیر از محل پرداخت یا اقامتگاه خود برای پرداخت مبلغ برات تعیین کند. در این صورت، برات در محل اخیر قابل پرداخت است.

تبصره: محل ثالثی که توسط براتگیر تعیین م ی شود نمی تواند خارج از محدوده استان محل اقامتگاه او یا دارنده برات باشد.

ماده ۳۳۹ : با ارسال وخواست نامه عدم قبول، ظهرنویس ها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامن معتبری برای تادیه و مبلغ آن در موعد معرفی کنند یا مبلغ برات را به اضافه مخارج وخواست نامه فوری پرداخت کنند.

ماده ۳۴۰ : اگر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی مبلغ آن را نپرداخته است، وخواست نامه عدم پرداخت صادر شود، دارنده برات دیگری که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است، می تواند از قبول کننده تقاضا کند که برای پرداخت مبلغ آن ضامن معتبر معرفی کند یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

ماده ۳۴۱ : انتقال برات، حتی در مواردی که با صراحت به حوال هکرد صادر نشده باشد، از طریق ظهرنویسی به عمل می آید. یا درج عبارت دارای معنی « به حواله کرد »

ماده ۳۴۲ : ظهرنویسی براتی که انتقال آن با قلم گرفتگی مشابه منع شده، انتقال عادی محسوب می شود. در موردی که بانک

به عنوان محل تادیه معین شده است وجه برات فقط قابل واریز به حساب بانکی دارنده است.

ماده ۳۴۳ : انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به موجب آن انتقال دهنده، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می تواند در مقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوص یاش با شخصی که وی سند را به او منتقل کرده است، استناد کند.

ماده ۳۴۴ : ظهرنویسی برات با امضا یا مهر و امضای دارنده در پشت برات محقق می شود. ممکن است در ظهرنویسی نام شخصی که برات به نام او منتقل می شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود.

در غیر این صورت دارنده برات مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

از طریق قبض و «در وجه حامل» ماده ۳۴۵: برات متضمن ظهرنویسی فاقد نام انتقال گیرنده یا اقباض قابل انتقال به غیر است.

ماده ۳۴۶: ظهرنویس برات می تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب می شود و مشمول حکم مقرر در ماده ۳۴۲ است.

ماده ۳۴۷: هرگاه در ظهرنویسی عامداً تاریخ مقدمی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به ظهرنویس های ما قبل خود و دارنده برات، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ برات محکوم خواهد شد.

ماده ۳۴۸: چنانچه ظهرنویسی توام با شرط باشد، ظهرنویسی معتبر است و هیچ یک از مسئولین سند نمی تواند با استناد به شرط مزبور از ایفای مسئولیت خویش خودداری کند. لیکن چنین شرطی برای محاکم قابل استماع است. ظهرنویسی جزئی از مبلغ برات باطل است.

ماده ۳۴۹: ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر این که ظهرنویس وکالت در وصول را قید کرده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نمی شود ولی وکیل حسب مورد حق اعتراض عدم قبول و یا اعتراض عدم پرداخت را از طریق واخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت خواهد داشت.

ماده ۳۵۰: وکالت در وصول برات به شرح ماده ۳۴۹ با فوت یا حجر ظهرنویس (موکل) منتفی نمی شود.

ماده ۳۵۱: برات دهنده، کسی که برات را قبول کرده و ظهرنوی سها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.

در صورت عدم پرداخت مبلغ برات، دارنده آن م ی تواند پس از اعتراض عدم پرداخت به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر به انفراد یا اجتماع رجوع کند. همین حق را هر یک از ظهرنویس ها نسبت به برا تدهنده و ظهرنوی سهای ماقبل خود دارد.

اقامه دعوا بر یک یا چند نفر از مسئولان برات موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولان برات نیست. اقامه کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرونیسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۳۵۲: در اجرای ماده ۳۵۱، جز در موارد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که برات را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمیشود.

ماده ۳۵۳: ظهرونیسی می تواند با تصریح به عدم مسئولیت مقرر

در ماده ۳۵۱ ضمن ظهرونیسی، خود را از این قید معاف دارد.

ماده ۳۵۴: دارنده برات، علاوه بر مبلغ پرداخت نشده برات، میتواند ارقام زیر را نیز از مسئولان برات مطالبه کند.

١#- خسارت تاخیر تادیه از تاریخ واخواس تنامه عدم پرداخت یا گواهینامه عدم پرداخت تا روز پرداخت نسبت به مبلغ پرداخت نشده.

٢#-

هزینه واخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق الوکاله و هزینه دادرسی و هزینه اجرای ثبت.

تبصره: خسارت تاخیر تادیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود، تعیین می گردد. به هر حال خسارت تاخیر تادیه نباید از ۶ درصد در سال کمتر باشد.

ماده ۳۵۵: هر یک از مسئولان پرداخت برات، م میتواند پرداخت مبلغ آن را به تسلیم برات، واخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حسب مورد صورتحساب خسارت تاخیر تادیه و مخارج قانونی که باید بپردازد، موکول کند.

ماده ۳۵۶: در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسئولان برات صادر شود، دارنده برات می تواند در هیات طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ برات،

خسارت تاخیر تادیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای مبلغی که به دارنده برات پرداخت م ی شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده برات تخصیص می یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت، مزاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخت هاند، جزء دارایی ورشکستگان محسوب می شود که به سایر ورشکسته ها حق رجوع دارند.

تبصره ۱: در هر حال، دارنده برات نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

تبصره ۲: مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی دارند رعایت می شود.

ماده ۳۵۷: پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می آید. با این حال در مواردی که برات به پول خارجی است و پرداخت آن به دلیل موانع قانونی متعذر شده و همچنین در صورت توافق طرفین، مبلغ برات ممکن است معادل ارزش روز سررسید و اگر برات با تاخیر پرداخت می شود، معادل ارزش روز سررسید یا روز پرداخت، به انتخاب دارنده برات، به ریال پرداخت شود.

ماده ۳۵۸: دارنده برات را نمی توان به دریافت پیش از موعد مبلغ برات اجبار کرد.

ماده ۳۵۹: برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود. شخصی که وجه برات را قبل از موعد پرداخت می کند در مقابل اشخاصی که نسبت به مبلغ برات حقی دارند مسئول است.

ماده ۳۶۰: در براتی که به وعده از رویت است، روز مطالبه، و در براتی که به وعده از تاریخ صدور است، روز صدور محاسبه نمی شود.

ماده ۳۶۱: در براتی که وعده آن یک یا چند ماه پس از صدور یا رویت تعیین شده است، هر ماه سی روز محاسبه م ی شود.

ماده ۳۶۲: اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد، حق مراجعه به ظهرونیس های قبل از خود و برات دهنده ای که به مهلت رضایت نداده اند، ندارد.

ماده ۳۶۳: پرداخت مبلغ برات در وعده سبب براءت است، مگر این که مبلغ برات به حکم قانون نزد پرداخت کننده توقیف شده باشد در این صورت نباید وجه آن را بپردازد و در صورت پرداخت مسئول خواهد بود.

ماده ۳۶۴: اگر جزیی از مبلغ برات پرداخت شود به همان اندازه صادرکننده و ظهرونی سها بری می شوند و دارنده فقط نسبت به بقیه وجه برات م تواند به مسئولان سند رجوع کند. در صورت پرداخت جزیی از مبلغ برات پرداخت کننده م تواند پرداخت را موکول به درج آن در پشت برات با امضا یا مهر و امضا دریافت کننده، ارائه رسید، تصویر مصدق پشت و روی برات کند.

ماده ۳۶۵: پرداخت مبلغ برات ممکن است به موجب نسخه دوم، سوم و چهارم و به بعد، به عمل آید، مشروط بر این که در روی نسخ های که برات بر اساس آن پرداخت می شود ذکر شود که پس از پرداخت مبلغ برات به موجب این نسخه، نسخه های دیگر از اعتبار ساقط هستند.

ماده ۳۶۶: شخصی که مبلغ برات را براساس نسخ های بپردازد که قبولی در روی آن نوشته نشده است، در مقابل شخصی که نسخه قبول شده برات را در اختیار دارد، مسئول پرداخت مبلغ آن است.

ماده ۳۶۷: در صورت مفقود شدن نسخ های از براتی که در چند نسخه صادر شده و هنوز قبول نشده است، دارنده آن م تواند قبولی و وصول آن را براساس نسخه های دوم یا سوم یا چهارم و بعد از آن تقاضا کند.

ماده ۳۶۸: اگر نسخه متضمن قبولی، مفقود شده باشد، ذینفع می تواند با مراجعه به دادگاه تجارتي، با اثبات اخذ قبولی و دادن تضمین مناسب، وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۳۶۹: در صورت مفقود شدن براتی که فقط در یک نسخه صادر شده است، اعم از این که قبولی در روی آن نوشته شده یا نشده باشد، ذینفع آن م‌یتواند به ترتیبی که در ماده ۳۷۰ پیش بینی شده، نسخه جایگزین برات را تحصیل کند. چنانچه تحصیل نسخه جایگزین برات ممکن نشود و برانگیر یا صادرکننده نیز به پرداخت مبلغ برات رضایت ندهند، ذینفع می‌تواند با اثبات مالکیت خویش نسبت به برات و اثبات اخذ قبولی (در صورتی که ذینفع مدعی اخذ قبولی برات مفقود شده باشد) و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتي، حسب مورد الزام قبول کننده یا صادرکننده یا سایر مسئولان برات را به پرداخت مبلغ برات بطور تضامنی تقاضا کند.

چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد، قبول کننده یا صادرکننده حسب مورد ملزم به ایداع مبلغ برات در صندوق دادگستری هستند.

دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ برات، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

ماده ۳۷۰: صاحب برات مفقود، برای تحصیل نسخه جایگزین باید به ظهرنویس پیش از خود، رجوع کند. ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات، اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود را بدهد و او را راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویس باید اختیار رجوع به ظهر نویس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود است.

ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار، مسئول تادیه وجه برات و خساراتی است که برصاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۳۷۱: دادگاه های تجارتي نم‌یتوانند بدون رضایت دارنده برات، برای پرداخت مبلغ آن مهلتی بدهند.

ماده ۳۷۲: مالک برات مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده ۳۶۵ باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد

ماده ۳۷۳ : مسئولین برات ملزم به ارایه اطلاعات و مدارکی هستند که در خصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند. وگرنه ضامن خسارت وارده می شوند.

ماده ۳۷۴ : مبدا محاسبه خسارت تادیه دارنده برات مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

ماده ۳۷۵ : هر شخص ثالثی م ی تواند از طرف برا تدهنده، یکی از ظهرنویس ها یا یکی از ضامن ها مبلغ برات اعتراض شده را پرداخت کند. دخالت شخص ثالث و پرداخت مبلغ باید در واخواستنامه عدم پرداخت ذکر شود..

ماده ۳۷۶ : پرداخت توسط شخص ثالث باید شامل تمام مبلغی باشد که مدیون اصلی مکلف به پرداخت آن است. این پرداخت باید تا پایان مهلت مقرر در واخواستنامه عدم پرداخت صورت گیرد. در صورت پرداخت، اصل برات و واخواست نامه عدم تادیه باید به شخص ثالث مسترد شود.

ماده ۳۷۷ : دارنده ای که پرداخت مبلغ برات توسط شخص ثالث را رد می کند، حق رجوع خود را نسبت به مسئولانی که با این پرداخت بر ی می شوند از دست م یدهد.

ماده ۳۷۸ : شخص ثالثی که مبلغ برات را پرداخت م ی کند باید ذکر کند پرداخت از طرف کدام یک از مسئولان برات انجام م یگیرد. در صورت عدم ذکر، پرداخت از طرف برات دهنده فرض م یشود.

ماده ۳۷۹ : شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است. با این حال، پرداخت کننده نمی تواند برات را دوباره ظهرنویسی کند.

ماده ۳۸۰ : اگر مبلغ برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت کند، تمام ظهرنویس ها و ضامن ها بر ی می شوند و اگر پرداخت مبلغ از طرف یکی از ظهرنویسها یا ضامن ها باشد، ظهرنویس های بعد از او و ضامنان آنها بر ی می شوند.

ماده ۳۸۱: اگر چند شخص به اتفاق برای پرداخت مبلغ برات از سوی یکی از مسئولان برات اعلام آمادگی کنند، پیشنهاد شخصی پذیرفته می شود که پرداخت مبلغ از سوی او تعداد بیشتری از مسئولان را بری می کند. اگر خود براتگیر پس از اعتراض، برای پرداخت مبلغ برات حاضر شود، بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد. هر شخصی که با آگاهی از موضوع، خلاف این قاعده عمل کند، حق رجوع خود را نسبت به آنهایی که برات م بیافتند از دست می دهد.

ماده ۳۸۲: ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ برات ضمانت شود.

ماده ۳۸۳: ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسئولیت تضامنی دارد. به هر حال مسئولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده برات می تواند به هریک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

ماده ۳۸۴: ضمانت با درج نام، نشانی و امضا یا مهر و امضای توأم با درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می شود. با وجود این، صرف درج نام، نشانی و امضا یا مهر و امضای روی برات، ضمانت از صادرکننده محسوب می شود.

صرف درج نام و امضا یا مهر و امضا پشت برات به عنوان ضمانت تلقی نمی شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۳۸۵: ضامن در صورت پرداخت مبلغ برات، از کلیه حقوق ناشی از برات در مقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که در برابر او مسئولیت دارند، برخوردار است.

ماده ۳۸۶: مسئولیت ضامن، جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

ماده ۳۸۷: نسبت به براتهایی که مبلغ آنها باید در ایران عندالمطالبه یا به وعده از رویت پرداخت شود، اعم از اینکه برات در ایران یا در کشور دیگر صادر شده باشد، دارنده برات مکلف است قبولی یا پرداخت آن را ظرف یک سال از تاریخ صدور برات مطالبه کند، و گرنه حق

رجوع به ظهرنویس ها و همچنین به برا تدهنده ای که مبلغ برات را به براتگیر پرداخته است، ندارد.

ماده ۳۸۸: اگر در برات، اعم از اینکه در ایران یا در کشور دیگر صادر شده باشد، برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد، دارنده برات باید در همان مدت، قبولی برات را تقاضا کند، وگرنه حق رجوع به ظهرنوی سها و همچنین برا تدهنده ای که مبلغ برات را به براتگیر پرداخته است ندارد.

ماده ۳۸۹: اگر ظهرنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد، دارنده برات باید در همان مدت تقاضای قبولی کند، و گرنه در مقابل آن ظهرنویس نم ی تواند از مقررات راجع به برات استفاده کند.

ماده ۳۹۰: هر گاه دارنده برات عندالمطالبه یا به وعده از رویت که در ایران صادر شده است و باید در یک کشور دیگر پرداخت شود، در مواعد مقرر در مواد قبل، قبولی یا پرداخت مبلغ برات را تقاضا نکرده باشد، مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد، مگر اینکه بین دارنده برات و برات دهنده و ظهرنویس ها به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۳۹۱: دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۳۹۲: اعتراض به امتناع از پرداخت مبلغ برات باید ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله واخواست نامه عدم پرداخت، معین شود.

تبصره: در مواردی که بانک براتگیر به عنوان محل پرداخت مبلغ برات تعیین شده است گواهینامه عدم پرداخت که ظرف ده روز از تاریخ وعده به تقاضای دارنده از سوی بانک براتگیر صادر می شود، جایگزین واخواست نامه عدم پرداخت محسوب می شود.

ماده ۳۹۳: اگر روز دهم تعطیل باشد، واخواست نامه باید در اولین روز غیر تعطیل بعد از آن ارسال شود. در صورتی که محل پرداخت برات بانک باشد صدور گواهینامه عدم پرداخت نیز باید روز بعد از تعطیل تقاضا شود.

ماده ۳۹۴ : در صورت فوت یا ورشکستگی براتگیر، دارنده برات از اعتراض عدم قبولی یا نکول یا اعتراض پرداخت معاف است. همین حکم در موردی نیز که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود، جاری خواهد بود.

ماده ۳۹۵ : در صورتی که به دلیل وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش بینی که رفع آن از حیطه اختیار دارنده خارج است، ارایه برات برای قبولی یا پرداخت یا اعتراض عدم پرداخت میسر نشود، مهلت مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان ممنوعیت قانونی یا حوادث غیر قابل پیش بینی افزایش می یابد. دارنده مکلف است بلافاصله پس از رفع موانع یا پایان حوادث مزبور نسبت به ارائه برات برای قبولی یا پرداخت و در صورت لزوم اعتراض عدم پرداخت اقدام کند.

ماده ۳۹۶ : در خصوص ماده ۳۹۵ دارنده مکلف است در اولین فرصت ممکن، وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش بینی را به طریق مضبوطی به ظهرنویس ماقبل خود اطلاع دهد و گر نه حق مراجعه به ظهرنویسان ماقبل خود و برا تدهنده را نخواهد داشت.

ماده ۳۹۷ : در مورد براتی که به علت عدم پرداخت اعتراض شده است، دارنده برات باید ظرف ده روز از تاریخ اعتراض، مراتب عدم پرداخت مبلغ برات را به طریق مضبوطی به کسی که برات را به او واگذار کرده اطلاع دهد. همین تکلیف را هر یک از ظهرنوی سها نسبت به ظهرنویس ماقبل خود دارد.

در غیر این صورت دارنده برات و هریک از ظهرنویس ها، مسئول خساراتی خواهد بود که در نتیجه عدم اطلاع به ظهرنویس قبلی خود وارد شده است.

ماده ۳۹۸ : اگر دارنده براتی که باید در ایران پرداخت شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۳۵۱ برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید ظرف شش ماه از تاریخ اعتراض اقامه دعوا کند. این مدت برای برات هایی که باید در کشور دیگر پرداخت شود ، یک سال خواهد بود.

تبصره: در مورد برات هایی که مطابق ماده ۴۰۹ متضمن شرط "بدون اعتراض" است. دعوا باید به ترتیب ظرف شش ماه و یک سال از تاریخ عدم پرداخت اقامه شود.

ماده ۳۹۹: هر یک از ظهرنویس ها که بخواهد از حقی که ماده ۳۵۱ برای او مقرر داشته است، استفاده کند، باید در مهلت های مذکور در ماده ۳۹۸ اقامه دعوا کند و نسبت به او مهلت تهای اقامه دعوا از فردای روز ابلاغ اخطاریه دادگاه تجارتي محاسبه میشود و اگر مبلغ برات را بدون اینکه بر او اقامه دعوا شود، پرداخت کرده باشد، این مهلت تنها از فردای روز پرداخت محاسبه خواهد شد.

ماده ۴۰۰: پس از انقضای مهلت های مذکور در مواد ۳۹۸ و ۳۹۹، دعوی دارنده برات علیه ظهرنویس ها و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویس ها علیه ید سابق خود برای استفاده از حقوق

ماده ۳۵۳ در دادگاه تجارتي پذیرفته نمی شود.

ماده ۴۰۱: پس از انقضای مواعد مذکور در مواد ۳۹۸ و ۳۹۹، دعوی دارنده و ظهرنویس های برات

علیه برات دهنده نیز پذیرفته نمی شود مشروط بر این که برات دهنده ثابت کند در سر وعده مبلغ برات را به براتگیر پرداخت کرده است. در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به براتگیر را خواهد داشت.

ماده ۴۰۲: اگر پس از انقضای موعدی که برای اعتراض یا برای اقامه دعوا مقرر است، برات دهنده یا هر یک از ظهرنویس ها از طریق تهاتر یا عنوان دیگر مبلغی را که به منظور پرداخت برات به براتگیر رسانیده بود مسترد کند، دارنده برات حق خواهد داشت علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوا کند

ماده ۴۰۳: پس از اقامه دعوا، دادگاه تجارتي مکلف است صرف تقاضای دارنده براتی که به علت عدم پرداخت اعتراض شده یا دارنده براتی که پرداخت نشده ولی در مورد آن مطابق ماده

۴۰۵ اعتراض عدم پرداخت ضرورت نداشته است، دستور توقیف معادل مبلغ برات را از اموال خوانده به عنوان تامین خواسته صادر کند.

ماده ۴۰۴ :

۱- اعتراض در موارد زیر به عمل م یآید:

۲- امتناع از قبول یا نکول

۳- عدم پرداخت مبلغ برات

۴- اعتراض عدم قبول یا نکول از طریق واخواست نامه و اعتراض عدم پرداخت توسط

واخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت حسب مورد صادر میشود.

ماده ۴۰۵ : واخواست نامه توسط دادگاههای تجارتي طبق مقررات به محل اقامت براتگیر ، اشخاصی که برای پرداخت برات معین شده اند یا شخص ثالثی که برات را قبول کرده است ابلاغ می شود و باید منضم به رونوشت کامل برات شامل مشخصات برات دهنده ، براتگیر، ظهر نویس (ها)، ضامن (ها) یا تصویر پشت و روی برات و متضمن تقاضای پرداخت مبلغ برات باشد.

ماده ۴۰۶ : چنانچه بانک محل پرداخت برات باشد، بانک مکلف است در صورت عدم پرداخت، گواهینامه ای با محتویات زیر صادر کرده به دارنده برات تسلیم کند:

۱- مشخصات کامل برات؛

۲- هویت و نشانی کامل برات دهنده؛

۳- هویت و نشانی کامل براتگیر (صاحب حساب)؛

۴- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت و یا تصریح به کفایت موجودی؛

۵- تاریخ ارایه برات به بانک؛

۶- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضا یا مهر و امضای براتگیر با نمونه امضا یا مهر و امضای موجود در بانک؛

۷- نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده برات؛

۸- علت یا علل عدم پرداخت؛

تبصره: در صورتی که موجودی حساب براتگیر نزد بانک کمتر از مبلغ برات باشد، بانک مکلف است به تقاضای دارنده برات مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت برات پرداخت کند و گواهینامه عدم پرداخت را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر کنند. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده برات جانشین اصل برات خواهد بود.

ماده ۴۰۷: بانک، ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا صدور نادرست و ناقص آن است.

ماده ۴۰۸: بانک مکلف است نسخه ثانی گواهینامه عدم پرداخت را فوراً برای صاحب حساب (براتگیر) ارسال کند. یا هر « بدون اعتراض » ماده ۴۰۹: برات دهنده و ظهرنویس ها و ضامن م میتوانند با قید شرط اصطلاح معادل دیگری که در برات نوشته، امضا یا مهر و امضا می شود، دارنده را از اعتراض عدم قبول یا نکول یا عدم پرداخت به منظور اعمال حق رجوع، معاف کنند. این شرط دارنده را از وظیفه ارایه برات ظرف مهلت مقرر معاف نم میکند ولی اثبات عدم رعایت این مهلت به عهده شخصی است که در مقابل دارنده به این ایراد استناد می کند. اگر این شرط توسط برات دهنده نوشته شده باشد، آثار آن متوجه کلیه مسئولان برات می شود. در صورتی که این شرط توسط یکی از ظهرنویس ها یا ضامن درج شده باشد، آثار آن فقط در مورد همان ظهرنویس یا ضامن مجری است.

اگر علیرغم درج شرط در برات به وسیله برات دهنده، دارنده برات اعتراض به عمل آورد، باید هزینه های مربوط را نیز متحمل شود. در صورتی که این شرط از جانب ظهرنویس یا ضامن قید شود مخارج اعتراض اگر انجام شده باشد از تمام مسئولان برات قابل مطالبه است. مفاد این ماده در صورتی که محل پرداخت برات بانک براتگیر باشد اعمال نمی شود.

ماده ۴۱۰ : در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین کشور صدور است.

در هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی ضمانت قبولی و غیره) نیز که در خارج از کشور به وجود آمده است، تابع قوانین کشوری است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است با وجود این، اگر شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مطابق قانون ایران جمع باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این را ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۴۱۱ : اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در خارج از کشور باید به عمل آید، تابع قوانین کشور محل اقدام است.

فصل چهارم: اسناد تجارتي الكترونيكي

ماده ۴۱۲ : اسناد تجارتي الكترونيكي شامل برات، سفته، چك، قبض رسمي انبار، سهام، اوراق مشاركت و ساير اسنادي تجاري است كه با رعايت شرايط تعيين شده در قانون به صورت الكترونيكي اعلام و مبادله مي شوند.

ماده ۴۱۳ : سند تجارتي الكترونيكي به دو روش سند جايجزين يا سند اصيل الكترونيكي به وجود مي آيد.

ماده ۴۱۴ : سند جايجزين، خارج نويسي شده الكترونيكي اصل سند تجارتي (كاغذي) يا تصوير آن به نحوي است كه اطلاعات قابل پردازش و انتقال باشد سند جايجزين بايد شرايط زير را دارا باشد.

۱- تصوير يا مندرجات رو و پشت اصل سند.

۲- برخورداري از ساختار مناسب مبتني بر امنيت روز براي اتوماسيون.

۳- ثبت تركيب امنيتي به كار رفته در سند.

۴- رعايت ضوابط فني و ايمني ف ناوري بكار رفته.

تبصره: ضوابط فنی و ایمنی مذکور در بند ۴، باید به تایید مرکز موضوع ماده ۸۰ قانون تجارت ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی برسد یا توسط آن مرکز ابلاغ شود. /۱۰/ الکترونیکی مصوب ۱۷

ماده ۴۱۵: در صورتی که سندی متضمن یکی از شرایط مقرر در ماده ۴۱۴ نباشد به عنوان سند جایگزین الکترونیکی تلقی نمی شود

ماده ۴۱۶: اسناد اصیل الکترونیکی، بدون بدیل کاغذی و با استفاده از فناوریهای امضای ۱۳۸۲ مجلس /۱۰/ الکترونیکی مطمئن، به نحو مذکور در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۷ شورای اسلامی به وجود م یآیند

ماده ۴۱۷: سند جایگزین الکترونیکی از هر حیث در حکم اصل آن سند است و در صورت وجود مغایرت بین سند جایگزین و اصل سند تجاری، اصل سند ملاک است.

ماده ۴۱۸: در تنظیم شک لالکترونیکی اسناد تجاری، باید شرایط مقرر در مورد صورت آن اسناد در قوانین ذیربط رعایت شوند.

ماده ۴۱۹: شکل وخواست یا گواهی عدم پرداخت، نحوه ابلاغ و طرز نگهداری اسناد تجاری الکترونیکی به موجب آیی نامه ای است که توسط وزارت بازرگانی با همکاری وزارت دادگستری تهیه می شود و به تصویب هیات وزیران می رسد.

ماده ۴۲۰: نسبت به سند الکترونیکی م میتوان ادعای جعل نمود

ماده ۴۲۱: مدعی جعل اسناد تجاری الکترونیکی یا مدعی وجود مغایرت اسناد جایگزین با سند کاغذی، م میتواند حسب مورد با تکمیل فرم های مخصوصی که متضمن علت مغایرت، ایجاد ضرر و ضرورت اعاده اصل (کاغذی) سند جایگزین و یا جعل اسناد تجاری الکترونیکی است، حقوق خود را نسبت به اسناد مذکور محفوظ بدارد. نحوه آن به موجب آیی نامه ای است که توسط وزارت بازرگانی با همکاری وزارت دادگستری و بانک مرکزی تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد.

ماده ۴۲۲: جاعل سند تجارتي الكترونيكي علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات حبس از يك تا سه سال و مجازات نقدي معادل دو برابر وجه سند تجاري الكترونيكي محكوم م يشود.

تبصره ۱: هر كس سند تجاري الكترونيكي مجعول را با علم به جعل و تزوير مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارات وارده به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و جزاي نقدي معادل وجه سند محكوم م يشود. در صورتی كه جعل سند و استفاده از آن توسط يك شخص انجام شود، متخلف، به هر دو مجازات محكوم خواهد شد.

تبصره ۲: مجازات شروع به جعل اسناد تجاري الكترونيكي، حداقل مجازات در اين ماده خواهد بود.

تبصره ۳: در صورت ارتكاب جرايم مندرج در اين ماده توسط اشخاص حقيقي مجازاتهاي پيش بيني شده در مورد اشخاص حقيقي مرتكب جرم اعمال ميشود و شخص حقيقي متضامنا با اشخاص حقيقي مسئول جبران خسارات وارده به ذينفع خواهد بود.

ماده ۴۲۳: مرجع ايجاد كننده سند جايجزين مكلف است در صورت تقاضاي آخرين ذينفعي كه سند جايجزين به او منتقل شده است پس از احراز هويت او، در حدود متعارف اصل سند را بطور كامل و به همراه عمليات مربوط به سند به وي مسترد كند.

ماده ۴۲۴: مرجع ايجاد كننده سند جايجزين، مسئول و متعهد جبران خسارت ناشي از عمليات وي در زمينه اسناد تجاري الكترونيكي در مقابل اشخاص ذينفع م يباشد.

ماده ۴۲۵: وزارت بازرگاني مكلف است در مواردی كه اجرائي مقررات اين بخش از قانون نياز به تدوين آيين نامه وجود دارد، آيين نامه مذكور را تهيه و به تصويب هيات وزيران برساند.

ماده ۴۲۶: به جز مقرراتی كه به موجب اين قانون و آيين نامه های آن كه خاص اسناد تجاري الكترونيكي است، مقررات سند تجاري كاغذي، در خصوص سند تجاري الكترونيكي ذيربط حاكم خواهد بود.

باب ششم:

اشخاص حقوقی و شرکت های تجاری

فصل اول: اشخاص حقوقی

ماده ۴۲۷: شرکت های تجاری مذکور در این قانون دارای شخصیت حقوقی میباشند.

ماده ۴۲۸: کلیه اشخاص حقوقی به جز آنها که به موجب قانون خاص تشکیل م یگردند، باید به ثبت برسند و استناد به تشکیل آنها پیش از ثبت و آگهی مطابق مقررات مربوطه در روزنامه رسمی در مقابل اشخاص ثالث پذیرفته نیست.

ماده ۴۲۹: تاسیس، اداره و انحلال اشخاص حقوقی که با اهداف غیرتجاری تشکیل می گردند جز در مواردی که تابع قوانین خاص هستند، مطابق آبی نامه مصوب هیات وزیران می باشد.

ماده ۴۳۰: تشکیل و ثبت شخص حقوقی که هدف آن مخالف با قانون باشد ممنوع است.

ماده ۴۳۱: تشکیل و ثبت موسسات غیرتجاری با موضوعات تجاری مقرر

در ماده ۴۲۸ این قانون و نیز اشتغال اینگونه موسسات به امور تجاری ممنوع است. در صورت مبادرت موسسه غیرتجاری

به فعالیت تجاری حسب مورد، به مجازات نقدی از ۵۰ تا ۷۰ درصد ارزش معامله محکوم خواهد شد.

ماده ۴۳۲: اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی هستند که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است مگر حقوق و تکالیفی که تنها انسان، بنا به طبیع تاش می تواند دارای آنها باشد.

ماده ۴۳۳: اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز اصلی آنها می باشد. مرکز اصلی، محلی است که امور مربوط به اداره شخص حقوقی در آنجا انجام می گیرد و باید در اساسنامه قید گردد، مگر در مورد اقامتگاه قراردادی که صرفاً نسبت به طرفین قرارداد معتبر است.

ماده ۴۳۴: اشخاص حقوقی تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاه آنها در آنجاست

ماده ۴۳۵ : اشخاص حقوقی ایرانی نمی توانند اقامتگاه خود را در خارج از کشور قرار دهند.

ماده ۴۳۶ : اقامتگاه اشخاص حقوقی غیرایرانی که مطابق مقررات مربوطه مبادرت به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران می نمایند، محل شعبه می باشد. حکم این ماده مانع از حق مراجعه اشخاص ثالث به مرکز اصلی شخص حقوقی نمی باشد.

ماده ۴۳۷ : هیچ یک از ارکان شخص حقوقی ایرانی نمی توانند تابعیت آن را تغییر دهد.

فصل دوم: شرکت های تجاری

ماده ۴۳۸ : شرکت های تجاری بر چهار نوع م یباشند:

۱. شرکت سهامی(عام و خاص)

۲. شرکت با مسئولیت محدود

۳. شرکت تضامنی

۴. شرکت تعاونی.

ماده ۴۳۹ : شرکت های تجاری مذکور در ماده ۴۳۸ صرفنظر از موضوع فعالیت آنها، تجاری محسوب شده و مشمول این قانون و قواعد حاکم بر حقوق تجارت می باشند.

• مبحث اول: کلیات

روزنامه کثیرالانتشار (کاغذی یا الکترونیکی) سراسری « روزنامه شرکت » ماده ۴۴۰ : منظور از است که آگهی هایی که به موجب قانون یا اساسنامه نشر آنها ضروری است، در آن منتشر میشود. هنگام تاسیس شرکت، تعیین روزنامه شرکت حسب مورد توسط موسسین یا مجمع عمومی موسس انجام می شود. پس از تشکیل شرکت و نیز در دوره تصفیه، تغییر و یا تعیین روزنامه حسب مورد با مجمع عمومی عادی یا شرکاء شرکت است.

ماده ۴۴۱ : در کلیه موارد ، دعوت از صاحبان سهام یا شرکاء باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به عمل آید. معذک، رعایت مقررات مربوط به نشر آگهی و تشریفات دعوت در

زمانی که کلیه صاحبان سهام یا شرکاء حاضر باشند، الزامی نیست. در صورت توقف انتشار روزنامه شرکت و استمرار بیش از یک ماه آن به هر علت، هیات مدیره در شرکت های دارای هیات مدیره، و مدیر عامل در سایر شرکت ها موظفند ظرف ۲۰ روز از مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده یا شرکاء جهت تعیین روزنامه جایگزین از طریق آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار دعوت به عمل آورند. در صورت خودداری هیات مدیره یا مدیر عامل از انجام تکلیف فوق، بازرس شرکت ظرف مدت ۲۰ روز مبادرت به دعوت به طریق مزبور خواهد

نمود. در غیر این صورت هر ذینفع م میتواند از مرجع ثبت شرکت ها دعوت از مجمع مزبور را درخواست نماید. ثبت شرکت ها مکلف است ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ درخواست به هزینه ذینفع مجمع مذکور را دعوت نماید.

در این قانون، کسانی هستند که به موجب تصمیم موسسین، یا مجمع « مدیران » ماده ۴۴۲ : منظور از عمومی یا شرکاء و یا صاحب سرمایه در شرکت یکنفره حسب مورد به عنوان عضو هیات مدیره، مدیر و یا مدیر عامل انتخاب شد هاند. مدیر یا مدیران تصفیه شرکت های در حال تصفیه نیز از نظر مقررات این قانون مدیر تلقی م میشوند.

تبصره ۱ : عنوان مزبور شامل شخصی که از سوی هیات مدیره یا مدیران به عنوان مدیرعامل برگزیده شده اند، نیز خواهد شد.

تبصره ۲ : موضوع این ماده شامل شخص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیات مدیره یا مدیر معرفی شده باشد نیز خواهد شد.

ماده ۴۴۳ : منظور از سرمایه شرکت در این قانون، سرمایه ثبت شده میباشد.

عبارتست از گزارش وضعیت مالی، نتایج عملیات، جریانهای نقدی و « صورت های مالی » : ماده ۴۴۴ سایر اطلاعات مالی که بر مبنای استانداردهای حسابداری تهیه و ارائه می شود.

ماده ۴۴۵ : شرکت مادام که به ثبت نرسیده فاقد شخصیت حقوقی است و انجام هر گونه عمل حقوقی جز در راستای تشکیل شرکت مجاز نمی باشد. در غیر اینصورت و نیز در صورتی که

اشخاصی به نام شرکت تجاری و در شکلی به جز اشکال پذیرفته شده در این قانون به فعالیت بپردازند، در مقابل اشخاص ثالث، دارای مسئولیت نامحدود و تضامنی خواهند بود.

ماده ۴۴۶: هرکس به منظور تاسیس شرکت به عمد مدارک خلاف واقع به مرجع ثبت شرکت ها ارائه کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به مبلغ پنجاه میلیون تا یکصد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۴۴۷: نماینده یا نمایندگان انتخابی از سوی مجمع موسس یا موسسین، مکلف به تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکت ها ظرف ۱۵ روز پس از تنظیم صورتجلسه نهایی مجمع عمومی موسس در مورد شرکت سهامی عام و صورتجلسه موسسین در مورد سایر شرکت ها می باشند. همچنین رفع نقص یا ایرادات وارد به مدارک یاد شده که مطابق مقررات این قانون و سایر قوانین برای ثبت شرکت تجاری بر حسب نوع آن بر عهده نماینده یا نمایندگان مزبور می باشد. به هر حال در صورتی که عدم ثبت شرکت ناشی از قصور یا تقصیر نماینده یا نمایندگان یاد شده باشد، آنان متضامناً ملزم به جبران کلیه خسارات وارده به موسسین و پذیره نویسان می باشند.

قصور یا تقصیر نماینده یا نمایندگان رافع مسئولیت موسس یا موسسین در قبال اشخاص ثالث نخواهد بود.

ماده ۴۴۸: چنانچه تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه تاسیس به مرجع ثبت شرکت ها، شرکت به ثبت نرسد، هریک از موسسین و پذیرهنویسان، می تواند با مراجعه به مرجع ثبت شرکت ها درخواست صدورگواهی عدم ثبت شرکت را بنماید. با وصول گواهی مذکور، بانک کارگزار بنا به درخواست هر یک از موسسین و پذیره نویسان، وجوه پرداختی را به آنان مسترد خواهد کرد.

ماده ۴۴۹: در صورتی که شرکت به ثبت نرسد، کلیه هزینه هایی که برای تاسیس شرکت پرداخت یا تعهد گردیده، بر عهده موسس یا موسسین خواهد بود. چنانچه عدم تاسیس شرکت را بتوان به عمل موسس یا موسسین منتسب نمود، اشخاص ذینفع و از جمله پذیره نویسان

شرکت های سهامی عام می توانند علاوه بر استرداد اصل وجوه مندرج در ماده ۴۴۷ ، جبران کاهش ارزش وجوه پرداختی خود را در فاصله زمانی پذیره نویسی تا استرداد، براساس نرخ رشد شاخص بهای مصرف کننده (شهری) اعلام شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مطالبه کنند.

ماده ۴۵۰ : موسسین شرکت های تجاری نسبت به تصمیمات و اقداماتی که به منظور تاسیس و ثبت شرکت اتخاذ نموده و انجام میدهند، مسئولیت تضامنی دارند.

* /بخش چهارم

موسسینی که در تصمیم گیری یا انجام عمل مورد نظر دخالت نداشته یا مخالفت خود را به نحو مضبوطی با آن اعلام داشت هاند، مشمول حکم این ماده نمی باشند.

ماده ۴۵۱ : هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هریک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد، رعایت نشود، حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع، بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه تجارتي اعلام می شود. لیکن ، موسسین یا شرکاء و مدیران و بازرس شرکت نم ی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۴۵۲ : در صورتی که قبل از صدور حکم قطعی بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات موضوع دعوی، موجبات بطلان مرتفع شده باشد، دادگاه تجارتي قرار سقوط دعوی بطلان را صادرخواهد کرد.

ماده ۴۵۳ : در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات هریک از ارکان شرکت، اشخاصی که بطلان منتسب به آنهاست، متضامناً مسؤل خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به شرکت، شرکا، و اشخاص ثالث وارد شده است.

ماده ۴۵۴ : در مواردی که حکم بطلان یا انحلال شرکت توسط دادگاه تجارتي صادر می شود دادگاه تجارتي باید ضمن صدور حکم، مدیر یا مدیران تصفیه را بنا به معرفی سازمان تصفیه

امور ورشکستگی انتخاب کند. حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه مطابق مقررات مربوطه تعیین خواهد شد.

ماده ۴۵۵ : شرکت تجاری می تواند به عنوان شرکت وابسته یا شرکت تابعه تحت کنترل شرکت دیگری که شرکت مادر نامیده میشود قرار گیرد. شرکت تابعه شرکتی است که بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن مستقیم یا غیرمستقیم به شرکت مادر تعلق داشته باشد.

شرکت وابسته شرکتی است که علیرغم تعلق مالکیت کمتر از ۵۰ درصد سرمایه آن به شرکت مادر از طریق سهام ممتاز یا سایر طرق پیش بینی شده در اساسنامه یا با کسب اکثریت اعضای هیات مدیره در کنترل شرکت مادر باشد.

ماده ۴۵۶ : سمت مدیریت در شرکت قائم به شخص بوده و غیرقابل واگذاری به دیگران می باشد. لیکن، مدیر یا مدیران شرکت در چارچوب مقررات قانونی و اساسنامه مجاز به تفویض بخشی از وظایف و اختیارات خود به دیگری میباشند.

ماده ۴۵۷ : مدیران شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث، نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا تصمیمات مجمع عمومی یا شرکا برحسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می باشند و دادگاه تجارتي حدود مسئولیت هریک را برای جبران خسارت تعیین می کند.

ماده ۴۵۸ : در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست، دادگاه تجارتي صلاحیتدار می تواند به تقاضای هر ذینفع، مدیر یا مدیرانی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحو یا انحاء معلول تخلفات آنها بوده است، منفرداً یا متضامناً به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید. این حکم مانع از آن نیست که سایر اشخاص ذیربط نیز به سبب قصور یا تقصیر خود با مدیران شرکت دارای مسئولیت تضامنی باشند.

ماده ۴۵۹ : اشخاص زیر از مدیریت شرکت ممنوع می باشند:

الف محجورین و یا کسانی که به دلیل ارتکاب یکی از جرایم ماده ۱۰۰۵ به بعد (بخش ورشکستگی) به موجب حکم قطعی دادگاه تجارتي از حقوق اجتماعي کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در طول مدت محرومیت.

ب- کسانی که به علت ارتکاب خیانت در امانت، کلاهبرداری و یا جرایمی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری است، سرقت، اختلاس، جعل، استفاده از سند مجعول، ارتشاء، تدلیس و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی به موجب حکم قطعی دادگاه تجارتي محکوم شد هاند.

پ کسانی که به حکم قطعی دادگاه تجارتي از مدیریت شرکت منع شده اند تا پایان دوره ممنوعیت.

ماده ۴۶۰ : علاوه بر اشخاصی که به موجب قوانین خاص از مدیریت شرکت منع شده اند اشخاص زیر نیز از مدیریت شرکت ممنوع هستند:

۱ اشخاص مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی،

۲ مشاورین رئیس جمهور.

۳ رئیس قوه قضائیه، معاونین، مشاورین، قضات و کارکنان قوه قضائیه، سردفتران و دفتر یاران اسناد رسمی.

۴ نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی .

۵ اعضا و کارکنان شورای نگهبان.

۶ اعضا و هیات ریسه مجلس خبرگان رهبری.

۷ اعضا و کارکنان شورای امنیت ملی.

۸ اعضا و کارکنان مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر مجمع و معاونین وی.

۹ مشاورین معاونین رئیس جمهور.

۱۰ رئیس دفتر مقام معظم رهبری، معاونین و مشاورین رئیس دفتر رهبری و روسای نهادهای وابسته و مدیران کل حوزه دفتر مقام معظم رهبری.

۱۱ روسای دفاتر سران سه قوه.

۱۲ سرپرستان وزارتخان هها.

۱۳ معاونین و مشاورین وزرا.

۱۴ مدیران کل و سرپرستان ادارات کل وزارتخان هها و مدیران کل حوزه وزارتی و روسای دفاتر وزرا.

۱۵ رئیس دیوان عالی کشور و معاونین و مشاورین وی.

۱۶ دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین وی.

۱۷ رئیس و دادستانها و معاونین و مشاورین و مستشاران دیوان محاسبات.

۱۸ رئیس دیوان عدالت اداری و معاونین و مشاورین وی

۱۹ رئیس سازمان بازرسی کل کشور و معاونین و مشاورین وی

۲۰ رئیس کل بانک مرکزی ایران، معاونین و مشاورین وی

۲۱ روسا و سرپرستان سازمانها و ادارات کل و ادارات عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و جانشینان و معاونین آنان در سراسر کشور.

۲۲ رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی.

۲۳ رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی.

۲۴ ائمه جمعه سراسر کشور و روسای دفاتر ائمه جمعه.

۲۵ نمایندگان ولی فقیه در دستگاهها و نهادها.

۲۶ روسای دانشگاهها و موسسات آموزش عالی اعم از دولتی و غیردولتی.

۲۷ استانداران، معاونین و مشاورین استانداران.

۲۸ فرمانداران و بخشداران در استان مربوطه.

۲۹ شهرداران و روسای مناطق شهرداری و کارکنان شهرداری

۳۰ اعضای شورای شهر.

۳۱ اعضای هیات مدیره و مدیران عامل بان کها.

۳۲ روسا و سرپرستان سازمانهای دولتی.

۳۳ اعضای هیات مدیره و مدیران عامل شرکت های دولتی و وابسته به دولت.

ماده ۴۶۱: شخص یا اشخاصی که بر خلاف مواد فوق به مدیریت شرکت انتخاب یا پس از انتخاب شدن مشمول مواد فوق شده باشند باید از پذیرش مدیریت امتناع و یا استعفا کنند در غیر این صورت هر ذینفع می تواند از هیات مدیره بخواهد از مجمع عمومی جهت برکناری چنین مدیری دعوت کند. در صورت خودداری هیات مدیره از انجام این وظیفه ظرف بیست روز یا شمول وضعیت مذکور در صدر مواد نسبت به اکثریت اعضای هیات مدیره، ذینفع مزبور می تواند تقاضای بالا را به بازرس قانونی شرکت ارایه کند بازرس قانونی شرکت مکلف است ظرف ده روز مجمع عمومی را برای این منظور دعوت کند چنانچه بازرس به تکلیف بالا عمل نکند و یا شرکت دارای هیات مدیره و یا بازرس قانونی نباشد، و یا مجمع عمومی تشکیل نگردد و یا نتواند نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم کند، دادگاه تجارتي صلاحیتدار به تقاضای ذینفع نسبت به برکناری چنین مدیری اقدام خواهد کرد.

در شرکت هایی که مجمع عمومی وجود ندارد شرکا و در شرکت هایی که هیات مدیره وجود ندارد مدیر یا مدیریت باقیمانده شرکت، مکلف به انجام تکلیف بالا میباشند.

ماده ۴۶۲ : هیچ کس نم ی تواند هم زمان مدیر عامل بیش از یک شرکت باشد. در غیر این صورت، مرجع منصوب کننده نسبت به برکناری چنین مدیرعاملی مبادرت خواهد نمود. در غیر این صورت، دادگاه تجارتي صلاحیتدار به تقاضای هر ذینفع و یا بازرس قانونی شرکت حکم به برکناری چنین مدیری از شرکت یا شرکت هایی که مدیر مزبور موقتاً در آنها قبول سمت نموده است، صادر می کند. حکم صادره قطعی م یباشد.

ماده ۴۶۳ : در صورت صدور حکم دادگاه تجارتي به برکناری شخصی از سمت مدیریت شرکت، مرجع ثبت شرکت ها مکلف است با اعلام اجرای احکام، مراتب را جهت اطلاع عمومی در روزنامه رسمی آگهی کند.

ماده ۴۶۴ : در صورتی که مدیرعامل شرکت هنگام انتخاب شدن مشمول ممنوعیت های مذکور در ۴۶۰ و ۴۶۲ باشد یا پس از انتخاب مشمول چنین ممنوعی تهایی شود، بایستی از قبول ، مواد ۴۵۹ سمت خودداری و یا از مدیریت شرکت کنار هگیری کند. در غیر این صورت هیات مدیره و در شرکت هایی که هیات مدیره ندارند شرکاء پس از آگاهی، مکلف به برکناری مدیر عامل انتخاب شده و تعیین جانشین وی می باشند. در صورتی که حسب مورد هیات مدیره و یا شرکاء به تکلیف خود عمل نکنند، دادگاه تجارتي با درخواست هر ذینفع حکم عزل چنین مدیرعاملی را صادر می کند. اعضای هیات مدیر های که به حکم دادگاه تجارتي متخلف شناخته شوند از یک تا سه سال از مدیریت شرکت های تجاری محروم م یشوند.

۴۶۰ و ۴۶۲ انتخاب شده است ، ماده ۴۶۵ : تصمیمات و اقدامات مدیری که بر خلاف مفاد مواد ۴۵۹ در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر بوده و مسئولیت های ناشی از مدیریت شامل او خواهد شد.

ماده ۴۶۶ : چنانچه هریک از مدیران شرکت مطابق مواد ۴۶۱ و ۴۶۴ از مدیریت شرکت مستعفی یا برکنار گردند، از تاریخ استعفاء یا برکناری بلاسنت محسوب می شوند ، مرجع ذیصلاح شرکت مکلف است بلافاصله نسبت به تعیین مدیر یا مدیرانی که سمت آنها بلا تصدی مانده است، اقدام کند.

ماده ۴۶۷ : اگر کسی به رغم ممنوعیت های مذکور در ماده ۴۵۹ و ۴۶۰ مدیریت شرکتی را بپذیرد، به تقاضای هر ذینفع به محرومیت از تصدی مدیریت شرکت های تجاری، از یک تا سه سال، محکوم می شود.

ماده ۴۶۸ : چنانچه مدیری به رغم حکم دادگاه تجارتي مبني بر محرومیت یا عزل وی از تصدی مدیریت شرکت های تجاری، آگاهانه چنین حکمی را نقض نماید، به تقاضای هر ذینفع ، دادگاه تجارتي مدیر متخلف را به حبس برابر با مدت محرومیت موضوع نقض محکوم می کند. این مجازات قابل تبدیل به جزای نقدی نیست.

ماده ۴۶۹ : در صورتی که مدیری مرتکب جرایم خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل اسناد، استفاده از سند مجعول، اختلاس و ارتشاء در رابطه با شرکت گردد، دادگاه تجارتي رسیدگی کننده علاوه بر مجازات مقرر قانونی، مکلف به صدور حکم به محرومیت وی از مدیریت شرکت های تجاری از دو تا پنج سال م یباشد.

ماده ۴۷۰ : مدیران باید صورت های مالی میان دوره ای شش ماهه شرکت را تا پایان ماه هفتم سال مالی، تنظیم و به بازرس (در صورتی که در شرکت بازرس وجود داشته باشد) تسلیم کنند.

ماده ۴۷۱ : مدیران شرکت ها مکلف هستند ظرف یک ماه هرگونه تغییر در نام میزان سرمایه و اقامتگاه شرکت را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کنند. در غیر این صورت هر یک از مدیران متخلف به پرداخت ده تا بیست میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۴۷۲ : علاوه بر مواردی که دادگاه تجارتي مکلف به صدور حکم محرومیت مدیر متخلف از تصدی سمت مدیریت شرکت می باشد، دادگاه تجارتي می تواند مدیری را که به حکم مقررات این قانون و یا سایر قوانین، به علت نقض مقررات قانونی، مفاد اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی یا شرکا، از جهت کیفری محکوم م یگردد از یک تا سه سال به محرومیت مزبور محکوم کند.

ماده ۴۷۳ : چنانچه معلوم شود شخصی بر خلاف آنچه که راجع به صلاحیت و سوابق علمی و تجربی خود در هنگام انتخاب به عنوان مدیر شرکت اظهار نموده، فاقد شرایط مزبور است، به درخواست شرکت و به شرط احراز سوء نیت او، به ۲ تا ۳ سال محرومیت از مدیریت شرکت های تجاری محکوم می شود.

ماده ۴۷۴ : شخص یا اشخاصی که مجموع سهام و یا سه مالشرکه آنها دست کم یک پنجم سرمایه شرکت باشد، می توانند در صورت تخلف یا تقصیر هریک از مدیران و یا بازرسان شرکت به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه آنها اقامه دعوی نموده و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها بخواهند. در صورت محکومیت خواندگان، حکم به نفع شرکت اجرا می شود و اقامه کنندگان دعوی صرفاً مستحق هزینه هها و خسارات دادرسی می باشند.

ماده ۴۷۵ : مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی و یا شرکاء به هیچ عنوان نمی تواند حق سهامداران و یا شرکاء، را در مورد طرح دعوی کیفری یا مدنی علیه مدیران شرکت محدود کند.

ماده ۴۷۶ : شرکت مادر باید علاوه بر صورت های مالی خود، صورت های مالی تلفیقی را مطابق استانداردهای حسابداری تهیه و به مجمع ارائه کنند.

۱ معامله بین شرکت مادر و شرکت تابعه و یا شرکت وابسته آن و همچنین تضمین : ماده ۴۷۷ تعهدات یکدیگر توسط آنها، باید با تصویب مجمع عمومی صاحبان سرمایه و رعایت حقوق سهامداران اقلیت انجام شود.

۲ در مواردی که شواهد و قراین ثابت کند که تعهدات و دیون ایجاد شده برای شرکت تابعه و یا شرکت وابسته ناشی از دستورات و یا سیاستهای ابلاغی شرکت مادر باشد، شرکت مادر نیز در قبال تعهدات و دیون مزبور مسئول می باشد. حدود مسئولیت هریک را دادگاه تجارتنی معین می کند.

۳ در صورتی که شرکت تابعه یا وابسته ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی آن برای تادیه دیونش کافی نیست، دادگاه تجارتنی به تقاضای هر ذینفع مبنی بر اینکه امر

فوق، ناشی از تصمیم و اقدام شرکت مادر بوده، رسیدگی کرده و شرکت مادر را به پرداخت آن بخش از دیونی که در اثر تصمیم یا اقدام آن ایجاد شده، محکوم م یکنند.

۴ خرید سهام یا سه مالشرکه شرکت های مادر، توسط شرک تهای تابعه و وابسته ممنوع است.

تبصره: تمامی شرکت های تابعه و وابسته موجود که دارای سهام شرکت مادر هستند، باید ظرف مدت یکسال نسبت به واگذاری سهام مزبور به غیر اقدام کنند.

ماده ۴۷۸: مجامع یا هیج اکثریتی نم ی توانند بر تعهدات شرکاء بیفزایند.

• مبحث دوم: شرکت سهامی

ماده ۴۷۹: شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنهاست.

ماده ۴۸۰: شرکت سهامی به دو نوع عام و خاص تقسیم م یشود: در شرکت سهامی عام، حداقل ۳۰٪ از سرمایه شرکت از طریق عرضه سهام به عموم تامین می شود. در شرکت سهامی خاص، سرمایه شرکت منحصراً توسط موسسین تامین می گردد.

سهامی « و در شرکت سهامی خاص عبارت « سهامی عام » ماده ۴۸۱: در شرکت سهامی عام عبارت باید قبل یا بعد از نام شرکت بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق، اطلاعی هها و « خاص آگهی های شرکت به طور روشن و خوانا قید شود.

ماده ۴۸۲: تعداد سهامداران در شرکت های سهامی عام از ده نفر و در شرکت های سهامی خاص از سه نفر نباید کمتر باشد.

ماده ۴۸۳: در موقع تاسیس، سرمایه شرکت های سهامی عام از مبلغ پنج میلیارد ریال و سرمایه شرکت های سهامی خاص از مبلغ پانصد میلیون ریال نباید کمتر باشد.

تبصره: در صورتی که تصدی به موضوع تجاری خاصی مستلزم سرمایه گذاری بالاتری باشد، با تصویب هیات وزیران حداقل سرمایه لازم تعیین خواهد شد.

ماده ۴۸۴ : چنانچه پس از تاسیس، سرمایه [ثبت شده] شرکت از حداقل مذکور در ماده قبل کمتر گردد، هیات مدیره مکلف است مجمع عمومی فوق العاده را برای اتخاذ تصمیم در مورد شیوه های جبران کسری سرمایه و یا تبدیل شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری دعوت کند. در صورت خودداری هیات مدیره از انجام تکلیف بالا، بازرسی شرکت مکلف است مجمع عمومی مزبور را فراخواند. اگر ظرف ۶ ماه از تاریخ کم شدن سرمایه، هیات مدیره یا بازرسی شرکت به تکلیف بالا عمل ننمایند

و یا ظرف شش ماه از تاریخ دعوت مجمع عمومی مزبور تشکیل نگردد و یا نتواند نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم نماید، هر ذینفع می تواند از دادگاه تجارتي صلاحیتدار انحلال شرکت را درخواست نماید.

تبصره: هرگاه پیش از قطعی شدن رای، موجبات درخواست انحلال مرتفع گردد، دادگاه تجارت حکم رد دعوی را صادر خواهد کرد.

• مبحث سوم: نحوه تشکیل شرکت سهامی عام

ماده ۴۸۵ : برای تاسیس شرکت سهامی عام، موسسین باید دست کم بیست درصد کل سرمایه را نزد یکی از بانک هایی که به منظور امر کارگزاری « شرکت در شرف تاسیس » نقدا در حسابی به نام پذیره نویسی تعیین شده است، واریز نموده و گواهی دریافت دارند.

ماده ۴۸۶ : موسسین باید به انضمام گواهی مذکور در ماده بالا اظهارنامه های همراه با پیش نویس اساسنامه و طرح اعلامی هپذیره نویسی را که به امضاء همه موسسین رسیده باشد به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم و رسید دریافت دارند.

تبصره: چنانچه انجام موضوع شرکت مستلزم دریافت مجوز خاصی باشد، مجوز مزبور نیز باید به پیوست مدارک فوق به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم گردد.

ماده ۴۸۷ : اظهارنامه تاسیس شرکت باید با قید تاریخ به امضای کلیه موسسین رسیده و موارد زیر در آن ذکر شود:

۱ نام شرکت.

۲ هویت کامل و اقامتگاه موسسین.

۳ موضوع شرکت.

۴ مبلغ کل سرمایه.

۵ تعداد سهام و ارزش اسمی هر سهم و نیز تعیین تعداد سهام بی نام در صورت وجود چنین سهامی.

۶ تعداد سهام ممتاز و تعیین دقیق ویژگی ها و امتیازات این گونه سهام، چنانچه این گونه سهام مدنظر باشد.

۷ میزان آورده هریک از موسسین، نام بانک و شماره حسابی که وجوه به آن واریز شده است.

۸ مرکز اصلی شرکت.

۹ مدت شرکت.

ماده ۴۸۸ : طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء موسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

۱ نام شرکت.

۲ موضوع شرکت به طور صریح و منجز.

۳ مدت شرکت.

۴ مرکز اصلی شرکت.

۵ مبلغ سرمایه شرکت.

۶ تعداد سهام بی نام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد، تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام.

۷ نحوه انتقال سهام با نام.

۸ شرایط و ترتیبات مربوط به انتشار اوراق مشارکت و تبدیل آن به سهام.

۹ شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.

۱۰ مواقع و ترتیب دعوت مجمع عمومی.

۱۱ مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.

۱۲ طریقه شور و اخذ رای و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی.

۱۳ تعداد اعضاء اصلی و عل یالبدل هیات مدیره و مدت ماموریت آنها و نحوه جایگزینی اعضاء اصلی بوسیله اعضاء عل یالبدل.

۱۴ نحوه انتخاب اعضاء هیات مدیره و تعیین وظایف و حدود اختیارات آنها.

۱۵ تعیین میزان تضمینی که مدیران باید بسپارند.

۱۶ چگونگی انتخاب بازرس و مدت ماموریت وی و نحوه جایگزینی وی به وسیله عضو علی البدل.

۱۷ تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم صورتهای مالی و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.

۱۸ نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.

۱۹ نحوه تغییر اساسنامه

۲۰ . نحوه توزیع پاره سهام بین سهامداران ذینفع در حدود ماده ۵۰۹

ماده ۴۸۹ : آگهی پذیره نویسی باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:

- ۱- نام شرکت.
- ۲- موضوع شرکت.
- ۳- مرکز اصلی شرکت.
- ۴- مدت شرکت.
- ۵- هویت، اقامتگاه و شغل موسسین.
- ۶- مبلغ سرمایه شرکت.
- ۷- تعداد و نوع سهام از جهت با نام و ب ینام و یا ممتاز بودن.
- ۸- در صورتی که موسسین برای خود سهام ممتاز در نظر گرفته باشند، تعداد این گونه سهام و مزایای آنها.
- ۹- ذکر هزینه هایی که موسسین تا آن زمان به منظور فراهم ساختن مقدمات تشکیل شرکت
- ۱۰- پرداخت نموده و برآورد هزینه های احتمالی تا آغاز به کار شرکت.
- ۱۱- تعیین حداقل سهامی که هر پذیره نویس باید پذیره نویسی نماید.
- ۱۲- تعیین مهلت پذیر هنویسی.
- ۱۳- ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ پذیره نویسی به آن واریز گردد.
- ۱۳- قید اینکه اظهارنامه تاسیس شرکت و طرح اساسنامه برای ملاحظه علاقمندان نزد
- ۱۴- مرجع ثبت شرک آنها موجود است.
- ۱۵- تعیین روزنامه شرکت.
- ۱۶- چگونگی تخصیص سهام به پذیر هنویسان.

ماده ۴۹۰ : مرجع ثبت شرکت ها مکلف است حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در

ماده ۴۸۶ در صورت وجود مغایرت، مراتب را به موسسین اعلام و در صورت مطابقت اسناد و مفاد آنها با مقررات قانونی، اجازه انتشار آگهی پذیره نویسی را صادر نماید.

ماده ۴۹۱ : آگهی پذیره نویسی علاوه بر نشر در حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار دو بار با فاصله ۱۵ روز، باید در پایگاه الکترونیکی بانک کارگزارپذیره نویسی در معرض دید مردم قرار گیرد.

ماده ۴۹۲ : سند پذیره نویسی (اعم از کاغذی و الکترونیکی) علاوه بر امضاء باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:

۱ نام شرکت.

۲ موضوع شرکت.

۳ مرکز اصلی شرکت.

۴ مدت شرکت.

۵ سرمایه شرکت.

۶ مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیره نویسی.

۷ تعداد و مبلغ اسمی حداقل سهام هر پذیره نویس که باید پذیره نویسی شود.

۸ نام و شعبه بانک و شماره حسابی که واریز وجوه به آن انجام میگیرد.

۹ هویت و نشانی پذیره نویس.

۱۰ قید شرایط و زمان استرداد وجوه پرداخت شده بابت پذیره نویسی.

ماده ۴۹۳ : ظرف مهلت مقرر در آگهی پذیره نویسی ، متقاضیان ضمن تکمیل سند پذیره نویسی، مبلغ پذیره نویسی را واریز و رسید دریافت خواهند نمود.

چنانچه سند مزبور را شخصی به نمایندگی از دیگری تکمیل نموده باشد، مشخصات و اقامتگاه وی تصریح و مدرک نمایندگی وی اخذ میشود.

ماده ۴۹۴ : امضاء سند پذیره نویسی به منزله پذیرش مقررات اساسنامه شرکت و مصوبات مجمع عمومی م یباشد.

ماده ۴۹۵ : پرداخت تمام یا بخشی از سرمایه شرکت سهامی عام به صورت غیرنقد مجاز نمی باشد.

ماده ۴۹۶ : پس از پایان مهلت پذیره نویسی، موسسین حداکثر ظرف ۳۰ روز ضمن بررسی امر پذیره نویسی و احراز پذیرهنویسی تمامی سرمایه شرکت، تعداد سه هریک از پذیره نویسان را مشخص و مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند کرد.

ماده ۴۹۷ : مجمع عمومی موسس با رعایت تشریفات مقرر در این قانون تشکیل می گردد. این مجمع پس از رسیدگی و احراز پذیره نویسی تمامی سرمایه شرکت به نحو مقرر در ماده قبل، نسبت به بررسی مفاد طرح اساسنامه، عنداللزوم اصلاح و سپس تصویب آن اقدام و نخستین اعضاء هیات مدیره و بازرس را انتخاب خواهد نمود.

مدیران و بازرس شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند، این قبولی به منزله آگاهی آنان نسبت به تکالیف خود م یباشد.

ماده ۴۹۸ : اساسنامه مصوب همراه با صورتجلسه مجمع عمومی موسس و اعلام کتبی قبول سمت از سوی مدیران و بازرس، به منظور ثبت شرکت و آگهی تشکیل آن جهت اطلاع عموم به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم خواهد شد.

ماده ۴۹۹ : چنانچه در مجمع عمومی موسسین معلوم گردد که لزوماً سرمایه مذکور در اعلامیه پذیره نویسی تامین نشده است، موسسین و پذیره نویسان حاضر با رعایت شرط مقرر در ماده ۴۸۰ (تامین حداقل ۳۵٪ سرمایه از طریق عرضه به عموم) می توانند نسبت به تامین کسری سرمایه اقدام کنند، در غیر اینصورت تشکیل شرکت منتفی تلقی می شود.

ماده ۵۰۰ : مرجع ثبت شرکت ها مکلف است حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ تسلیم مدارک موضوع ماده قبل، مفاد آنها را با مقررات قانونی تطبیق و در صورت مطابقت آن با مقررات قانونی، نسبت به ثبت شرکت اقدام نماید.

ماده ۵۰۱ : در صورتی که سرمایه تامین شده از میزان سرمایه مقرر در اعلامیه پذیره نویسی بیشتر باشد مجمع فوق می تواند سرمایه تاسیس را معادل مبلغ تامین شده منظور کند و یا آنکه مبلغ مازاد را با نسبتی یکسان، معادل نسبت مبلغ مازاد به مبلغ سرمایه تامین شده به ماخذ پرداختی هر پذیره نویس به آنان مسترد کند.

ماده ۵۰۲ : تا هنگامی که شرکت به ثبت نرسیده، بانک کارگزار پذیره نویسی از پرداخت وجوه واریز شده به حساب شرکت در شرف تاسیس به هر کس ممنوع می باشد، مگر آنکه از سوی مرجع ثبت شرکت ها گواهی عدم ثبت شرکت صادر و تسلیم شده باشد.

ماده ۵۰۳ : هر کس آگاهانه و بر خلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق و یا بر خلاف مقررات این قانون آگهی پذیرهنویسی منتشر کند به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال و یا مجازات نقدی از سی میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۴ : برای تشکیل و ثبت شرکت سهامی خاص به پیوست اظهارنامه های که باید به امضاء کلیه موسسین رسیده باشد، مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم خواهد شد:

۱) اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده و متضمن موارد مذکور در ماده ۴۸۸ این قانون باشد.

۲ اظهارنامه حاکی از پرداخت تمام سرمایه شرکت که به امضاء همه موسسین رسیده باشد. چنانچه بخشی از سرمایه شرکت به صورت غیرنقد باشد، کل این گونه سرمایه باید تامین شده و صورت ارزیابی آن به تفکیک، همراه با اسناد مالکیت به پیوست اظهارنامه باشد.

سرمایه غیرنقد نمی تواند بیش از کل سرمایه شرکت باشد و نمیتوان سرمایه غیرنقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس رسمی پذیرفت.

۳ گواهی بانکی مبنی بر اینکه سرمایه نقدی شرکت در حسابی تحت عنوان شرکت در شرف تاسیس نزد آن بانک تامین شده است.

۴ صورتجلسه ای که به امضاء کلیه سهامداران رسیده و در آن ضمن انتخاب نخستین گروه از اعضاء هیات مدیره و بازرس، روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی مربوط به شرکت تا اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر م یگردد، تعیین شده باشد.

۵ قبول کتبی سمت از سوی مدیران و بازرس.

۶ ارایه تصویر مدارک هویت موسس یا موسسین.

تبصره ۱ سرمایه غیرنقد تازمان ثبت شرکت به صورت امانی نزد آورنده این گونه سرمایه، نگاهداری خواهد شد و پس از ثبت شرکت تحویل مدیران آن میشود.

تبصره ۲ رعایت سایر شرایطی که برای تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام مقرر است، در مورد شرکت سهامی خاص ضروری نمیباشد.

ماده ۵۰۵ : شرکت سهامی خاص مجاز به تامین سرمایه از طریق آگهی عمومی به هر شکل و از جمله پذیره نویسی یا توسط بان کها نمی باشد. همچنین نمی توان سهام این نوع شرکت را در بازار بورس اوراق بهادار عرضه نمود.

ماده ۵۰۶ : هر گاه کارشناس یا موسسین عالماً و عامداً در تعیین و یا ارزیابی آورده غیرنقد مبلغی بیشتر از ارزش واقعی آن آورده را اعلام نمایند، به مجازات نقدی معادل دو برابر تفاوت قیمت اعلامی با ارزش واقعی به علاوه پرداخت خسارات وارده به ذینفع محکوم خواهند شد.

ماده ۵۰۷ : تا هنگامی که شرکت سهامی خاص به ثبت نرسیده، برداشت از وجوه موجود در حساب شرکت در شرف تاسیس ممنوع می‌باشد، مگر در مورد موضوع ماده ۴۴۸ این قانون.

• مبحث چهارم: سرمایه و سهام

ماده ۵۰۸ : سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص کننده میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی باشد. گواهی سهم، سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

ماده ۵۰۹ : مبلغ اسمی سهام باید مساوی باشد و صدور پاره سهم مجاز نیست. در صورتی که در اثر انتقال قهری یا کاهش یا افزایش سرمایه و یا به هر دلیل دیگر پاره سهم به سهامداران تعلق گیرد پاره سهم به ترتیبی که در اساسنامه تعیین شده بین سهامداران ذینفع توزیع خواهد شد.

ماده ۵۱۰ : سهام شرکت عادی بوده، مگر آنکه اساسنامه برای آن امتیازاتی قائل شده باشد، که سهام ممتاز نامیده می‌شود.

صدور سهام با هر نام و عنوان دیگری خارج از انواع مذکور و یا اعطای هر نوع اختیاری تحت هر عنوان به جزء در قالب سهام ممتاز مجاز نمی‌باشد. سهام ممتاز باید بصورت با نام باشد.

ماده ۵۱۱ : در شرکت های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از یک میلیون ریال بیشتر باشد.

ماده ۵۱۲ : گواهی سهام بایستی به صورت یکسان و دارای شماره ترتیب بوده و دارای شرایط زیر باشد:

۱ نام و شماره ثبت شرکت.

۲ مبلغ سرمایه شرکت.

۳ تعیین نوع سهم از جهت با نام یاب ینام یا ممتاز بودن.

۴ مبلغ اسمی هر سهم.

۵ تعداد سهامی که هر گواهی سهم نماینده آن است.

۶ امضاء

ماده ۵۱۳ : شرکت باید تا سه ماه پس از تشکیل، گواهی سهام صادر و به سهامداران تسلیم نماید.

ماده ۵۱۴ : تا هنگامی که شرکت در مرجع ثبت شرکت ها به ثبت نرسیده صدور گواهی سهم ممنوع می باشد. در صورت تخلف، امضاء کنندگان مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهند بود.

ماده ۵۱۵ : هرکس پیش از ثبت شرکت و یا در صورتی که شرکت مزورانه به ثبت رسیده باشد، با آگاهی از واقع امر، گواهی سهم صادر نماید، علاوه بر جبران خسارات به سه ماه تا یکسال حبس یا پرداخت معادل مبلغ سهام منتشره محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۶ : هر سهم در مجامع عمومی از یک رای برخوردار می باشد، مگر آنکه سهام از نوع ممتاز بوده و برای اینگونه سهام حق رای بالاتری مقرر شده باشد.

ماده ۵۱۷ : سهم بی نام، سندی است در وجه حامل که ملک دارنده آن شناخته می شود مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد. واگذاری اینگونه سهام با قبض و اقباض انجام میگیرد.

ماده ۵۱۸ : شرکت های سهامی اعم از عام و خاص مجاز به انتشار سهام بی نام بیش از ۳۰ درصد سرمایه نمی باشند.

در آن قید شود. صدور و « با نام » ماده ۵۱۹ : سهام با نام سندی است که نام دارنده و یا عبارت انتقال سهام مزبور به استثنای سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که تابع مقررات بورس خواهند بود، باید با قید مشخصات کامل و اقامتگاه

دارنده یا طرفین در دفتر ثبت سهام شرکت و امضاء انتقال دهنده و یا نماینده قانونی وی انجام شود. هر انتقالی که بدون رعایت

شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۵۲۰ : واگذاری سهام در شرکت های سهامی عام نباید مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهم بشود.

ماده ۵۲۱ : هرگونه تغییر در امتیازات سهام ممتاز باید از طریق اصلاح اساسنامه و پس از جلب موافقت دارندگان حداقل دوسوم سهام مذکور در مجمع عمومی فوق العاده به تصویب برسد.

ماده ۵۲۲ : در صورتی که صدور یا اعطای سهام ممتاز برای برخی از سهامداران مدنظر باشد، سهامداران ذینفع، در جلسه مجمع عمومی فوق العاده ای که به این منظور تشکیل شده حق رای ندارند.

ماده ۵۲۳ : در صورت انتقال سهام ممتاز، امتیازات این سهام نیز منتقل خواهد شد مگر آنکه در اساسنامه خلاف این امر پیش بینی شده باشد .

• مبحث پنجم: تبدیل سهام

ماده ۵۲۴ : تبدیل سهام از بی نام به با نام مطابق مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده به عمل میآید. تبدیل سهام از بانام به بی نام مجاز نمی باشد.

ماده ۵۲۵ : در مورد تبدیل سهام بی نام به سهام با نام باید مراتب در روزنامه شرکت سه نوبت هریک به فاصله پنج روز منتشر گردد و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود به شرکت مراجعه کنند. در آگهی بایستی

تصریح گردد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام ب بینام شرکت باطل شده تلقی خواهد شد.

ماده ۵۲۶: سهام بی نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۵۲۵ برای تبدیل به سهام با نام به شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام با نام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بازار بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بازار بورس، و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت دیگر طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده ۵۲۷: از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۵۲۶ فروخته می شود بدو هزینه های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب پس انداز بانکی خاصی سپرده می شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش، سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و سود مربوط به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می شود. پس از انقضای ده سال، وجوه مزبور در حکم مال بلاصاحب بوده و باید توسط بانک و با اطلاع دادستان محل به خزانه دولت منتقل گردد.

تبصره: در مورد ماده قبل و این ماده، هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می کنند به ترتیب مراجعه اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی نامی که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا این که برابر تعداد سهام ب بینام خود سهام با نام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد.

ماده ۵۲۸: پس از تبدیل کلیه سهام بی نام به سهام با نام، یا گذشتن هریک از مهلت های مذکور در

ماده ۵۲۵، شرکت باید مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها منعکس کند تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۵۲۹: دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام را ندارند.

• مبحث ششم: اوراق مشارکت

ماده ۵۳۰: ورقه مشارکت، سند قابل معامله ای است که به مبلغ اسمی مشخصی برای سررسید معین به صورت با نام یا بی نام منتشر می شود و معرف میزان مشارکت دارنده آن در موضوع مشارکت بوده و علاوه بر سود حاصله از موضوع مشارکت، حقوق دیگری نیز ممکن است برای آن منظور نمود.

ماده ۵۳۱: شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط زیر، اوراق مشارکت منتشر کند:

الف شرکت در زمان انتشار اوراق مشارکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و از فهرست شرکت های موجود در بورس حذف یا معلق نشده باشد.

ب در صورت نیاز مجوز لازم برای اجرای موضوع مشارکت از مرجع ذیصلاح را اخذ نموده باشد و سرمایه در گردش مورد نیاز آن به تایید بازرس رسیده باشد.

پ پیش بینی سود اجرای موضوع مشارکت و یاسود عملکرد تا سررسید اوراق مشارکت، طبق استانداردهای حسابداری مربوط توسط بازرس شرکت رسیدگی و در خصوص آن اظهار نظر شده باشد.

ت شرایط مصوب شورای پول و اعتبار در مورد سقف کلی انتشار اوراق مشارکت، مدت و حداکثر نرخ سود علی الحساب آن رعایت شده باشد.

ث تناسب حجم اوراق مشارکت قابل انتشار توسط شرکت با خالص دارایی های آن (مجموع دارایی ها منهای مجموع بدهی ها) به تایید بازرس رسیده باشد.

ماده ۵۳۲: دارندگان اوراق مشارکت در اداره امور شرکت حق هیچگونه دخالتی ندارند.

ماده ۵۳۳: نقل و انتقال اوراق مشارکت با نام فقط از طریق بورس اوراق بهادار امکان پذیر بوده و از این جهت تابع مقررات حاکم بر بورس می باشد.

ماده ۵۳۴: تصمیم راجع به انتشار و فروش اوراق مشارکت و شرایط آن باید با رعایت مندرجات

ماده ۵۳۱ این قانون و طرح اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت به مرجع ثبت شرکت تها اعلام شود. مرجع ثبت شرکت ها پس از دریافت مندرجات مزبور و همچنین تطبیق مندرجات اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت با این قانون، اجازه نشر اطلاعیه مذکور را صادر خواهد نمود. شرکت با دریافت اجازه مذکور، اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت را با قید شماره و تاریخ مجوز مرجع ثبت شرکت ها، در روزنامه شرکت، آگهی م یکنند.

تبصره: قبل از اخذ مجوز مذکور در این ماده، هرگونه آگهی برای فروش اوراق مشارکت ممنوع است.

ماده ۵۳۵: اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضای مجاز شرکت، امضا شده باشد:

۱ نام شرکت.

۲ موضوع شرکت.

۳ شماره و تاریخ ثبت شرکت.

۴ مرکز اصلی شرکت.

۵ مدت شرکت.

۶ مبلغ سرمایه شرکت.

۱۷ اطلاعات مربوط به اوراق مشارکت تسویه نشده قبلی، شامل: مبلغ، تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت نشده آن.

۱۸ در صورتی که شرکت اوراق مشارکت یا بدهی های اشخاص دیگری را تضمین کرده باشد، مبلغ، مدت و سایر شرایط تضمین مذکور.

۱۹ مبلغ و مدت اوراق مشارکت انتشار یافته، مبلغ اسمی هر ورقه، نرخ و مواعد پرداخت سود علی الحسابی که به اوراق مشارکت تعلق می گیرد، ذکر سایر حقوق و امتیازاتی که احتمالاً برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است، موعد و یا مواعد شرایط

بازپرداخت اصل و پرداخت سود اوراق و در صورتی که اوراق مشارکت قبل از سررسید قابل بازخرید باشد، شرایط و ترتیب بازخرید آن.

۱۰ تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۱ اگر اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، مهلت و سایر شرایط تبدیل.

۱۲ خلاصه صورت های مالی اساسی آخرین سال مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است.

۱۳ موضوع شرکت که به منظور تامین مالی تمام یا قسمتی از آن، اوراق مشارکت منتشر شده است و همچنین شماره مجوزهای صادر شده توسط مراجع ذیصلاح برای اجرای موضوع مشارکت در صورت نیاز.

۱۴ نام بازرس شرکت و اظهار نظر وی در مورد حسابهای شرکت و پیش بینی سود موضوع مشارکت.

۱۵ مهلت خرید اوراق مشارکت

۱۶ نام و نشانی مرجعی که برای فروش اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۷ با نام یا ب ینام بودن اوراق مشارکت.

۱۸ دوره پرداخت سود عل یالحساب

ماده ۵۳۶ : صادرکننده اوراق مشارکت می تواند برای اخذ تضمین نسبت به تامین تمامی اعتبار مورد نیاز، گزارش توجیه اقتصادی طرح مربوطه را به تایید بانک یا موسسه معتبر برساند به نحوی که بانک یا موسسه مزبور تعهد کند که پس از عرضه عمومی اوراق مشارکت ، آن قسمت از اوراق که بفروش نرسیده را ظرف مدت یک هفته یکجا و نقدی خریداری کند. اگر بخشی از اوراق صادره طی مهلت مقرر به فروش نرسد و تضمین خرید باقیمانده اوراق اخذ نشده باشد،

صادرکننده اوراق، موظف است علاوه بر استرداد اصل مبالغ واریزی، خسارتی را معادل سودعلی الحساب اوراق فوق، از تاریخ واریز وجوه بپردازد.

تبصره: خرید اوراق مشارکت، توسط شرکت صادرکننده ممنوع میباشد.

ماده ۵۳۷ : مهلت عرضه اوراق مشارکت حداکثر برای یکبار و به مدت نصف دوره زمانی اولیه اعلام شده برای عرضه اوراق، قابل تمدید است.

ماده ۵۳۸ : ورقه مشارکت باید شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیب مقرر برای اوراق سهام، امضا شود:

۱ نام شرکت.

۲ شماره و تاریخ ثبت شرکت.

۳ مرکز اصلی شرکت.

۴ مبلغ سرمایه شرکت

۵ مدت شرکت.

۶ موضوع شرکت.

۷ مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه مشارکت.

۸ تاریخ و شرایط بازپرداخت اصل اوراق مشارکت و نیز شرایط بازخرید ورقه مشارکت (اگر قبل از سررسید قابل بازخرید باشد).

۹ نرخ و مواعد پرداخت سود عل یا الحسب و نحوه پرداخت سود قطعی اوراق مشارکت.

۱۰ تضمیناتی که احتمالاً برای استرداد وجوه اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۱ سایر حقوق و امتیازاتی که برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۲ اگر اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، مهلت و سایر شرایط تبدیل.

۱۳ قید با نام یا بی نام بودن اوراق مشارکت.

ماده ۵۳۹: قبل از تامین مبلغ مورد نیاز، شرکت حق استفاده از وجوه جم عآوری شده از محل فروش اوراق مشارکت را ندارد و این وجوه به صورت امانت نزد شرکت می ماند.

ماده ۵۴۰: شرکت این اختیار را دارد که صرفاً به اعتبار وضعیت و با پشتوانه دارایی های خود اوراق مشارکت صادر کند. در عین حال شرکت می تواند از طریق بانک ها و موسسات مالی و اعتباری و یا شرکت های دیگر اصل یا اصل و سود اوراق مشارکت صادره را تضمین کند.

ماده ۵۴۱: تصمیم به انحلال و یا تجزیه شرکت، پیش از تصفیه حقوق دارندگان اوراق مشارکت قابلیت ثبت و اجرا ندارد.

ماده ۵۴۲: شرکت می تواند با اعطای امتیازاتی که باید از قبل تعیین شده باشد، اوراق مشارکت خود را قبل از سررسید بازخرید کند، مشروط به آنکه این موضوع در اطلاعیه انتشار اوراق

ماده ۵۴۳: شرکت می تواند با تصویب مجمع عمومی فوق العاده اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر کند.

تبصره ۱: اوراق مشارکت نمیتواند در عین حالی که قبل از سررسید قابل بازخرید، است، قابل تبدیل به سهام باشد.

تبصره ۲: تا زمانی که کلیه تعهدات شرکت بابت اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهامی که قبلاً انتشار یافته، انجام نگردد، انتشار اوراق مشارکت جدید قابل تبدیل به سهام مجاز نمیباشد.

ماده ۵۴۴: تصمیم مجمع عمومی فوق العاده مذکور در ماده ۵۴۳، مبنی بر اجازه انتشار اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام، منوط به اجازه مجمع مزبور مبنی بر افزایش سرمایه تا میزان مبلغ کل اوراق مشارکت منتشره در سررسید این اوراق و همچنین سلب حق تقدم کلیه سهامداران در خرید سهامی که در مقابل تبدیل اوراق مشارکت صادر می شود، است.

ماده ۵۴۵: بهای سهام قابل واگذاری به دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام با توجه به بهای روز سهام شرکت در تابلوی بورس پس از افزایش سرمایه محاسبه می شود، لیکن شرکت می تواند تخفیفاتی را برای دارندگان اوراق مشارکت مذکور، منظور کند مشروط بر آنکه موضوع قبلاً به تصویب مجمع عمومی فوق العاده مندرج در ماده ۵۴۳ رسیده باشد.

ماده ۵۴۶: دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت، در صورت تمایل به تبدیل اوراق مشارکت خود، باید تا دو ماه قبل از سررسید اوراق مذکور، درخواست خود را تسلیم کنند. وگرنه حق آنها به تبدیل اوراق مشارکت خود به سهام ساقط میشود.

تبصره: همراه با تسلیم درخواست تبدیل اوراق مشارکت ب اینام به سهم، اوراق مذکور باید به نحو مقتضی و روشن مهمور گردد.

ماده ۵۴۷: دارنده اوراق مشارکت نمی تواند پس از تسلیم درخواست تبدیل، اعلام انصراف نماید.

ماده ۵۴۸: حداکثر ظرف یک ماه پس از سررسید اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام، به منظور افزایش سرمایه شرکت معادل اوراق مشارکتی که طبق درخواست دارندگان آنها به سهام شرکت قابل تبدیل است. هیات مدیره شرکت باید مصوبه مجمع عمومی راجع به افزایش

سرمایه موضوع ماده ۵۴۴ این قانون و گواهی بازرس شرکت حاکی از موافقت دارندگان اوراق مشارکت با تبدیل اوراق مشارکت آنها به سرمایه را به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم کند.

پس از ثبت این افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکت ها، سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور در مقابل اوراقی که به شرکت تسلیم کرد هاند، تحویل خواهد شد.

ماده ۵۴۹: در سررسید پس از پرداخت اصل و سود علی الحساب، میزان سود قطعی اوراق

مشارکت براساس استانداردهای حسابداری محاسبه و همراه با اظهارنظر بازرس شرکت، حداکثر ظرف یک ماه پس از تاریخ سررسید اوراق مشارکت، با درج اطلاعیه در روزنامه شرکت نشر می گردد. اگر سود قطعی اوراق مشارکت، مزاد بر سود علی الحساب پرداخت شده باشد نحوه و مهلت پرداخت مزاد مذکور که نمی تواند بیش از ۲ ماه از تاریخ سررسید باشد، در اطلاعیه مذکور درج خواهد شد.

تبصره: تبدیل اوراق مشارکت به سهام، براساس اصل و سود علی الحساب خواهد بود و زمان تبدیل اوراق مشارکت به سهام نباید به تعویق افتد. مابه التفاوت سود علی الحساب و سود قطعی پس از تبدیل اوراق مشارکت به سهام نقداً به دارندگان اوراق پرداخت خواهد شد.

ماده ۵۵۰: چنانچه سود شرکت مربوط به موضوع مشارکت از سود علی الحساب مقرر کمتر باشد، سود علی الحساب، سود قطعی تلقی م ی شود.

ماده ۵۵۱: فقط اشخاص زیر با رعایت این قانون مجاز به انتشار اوراق مشارکت م یباشند:

۱- شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس

۲- شرکت های سهامی عام پذیرفته نشده در بورس در صورت تضمین بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت یا تایید بانک مرکزی (به شرط آنکه دو سال تمام از تاریخ ثبت آنها گذشته باشد و همچنین دو صورت مالی آخرین سالهای مالی آنها تصویب شده باشد).

۳- دولت و شرکت های دولتی مطابق تبصره های قانون بودجه کشور.

۴- شهرداریها در صورت تضمین بازپرداخت اصل و سود با تایید بانک مرکزی.

۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تصویب شورای پول و اعتبار

ماده ۵۵۲ : مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر موضوع مشارکت، در حکم تصرف غیرقانونی اموال عمومی محسوب میشود.

ماده ۵۵۳ : به محض آنکه یکی از پرداختها بابت سود یا استرداد اصل مبلغ اوراق مشارکت با تاخیر مواجه شد، بانک کارگزار مکلف است نسبت به تامین و پرداخت هریک حسب مورد از محل تضمین اقدام کند.

ماده ۵۵۴ : حداکثر تا ۵ ماه پس از سررسید اوراق مشارکت، سود قطعی اوراق محاسبه و پس از تایید سازمان حسابرسی به عنوان امین پرداخت خواهد شد.

ماده ۵۵۵ : در صورت عدم ایفای تعهدات ناشر در بازپرداخت اصل و سود در سررسیدهای مقرر، بانک کارگزار مکلف است راسا اقدام کند.

• مبحث هفتم: مجامع عمومی

ماده ۵۵۶ : مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع سهامداران تشکیل میشود. مقررات مربوط به حد نصاب لازم برای تشکیل و تعداد آرای لازم برای تصمیم گیری در مجمع عمومی در اساسنامه پیش بینی می شود. حد نصاب و تعداد آرای که برای تصمیم گیری در اساسنامه پی شبینی می شوند نباید کمتر از حد نصابها و آرای تعیین شده در این قانون باشند.

ماده ۵۵۷ : مجامع عمومی عبارتند از:

۱ مجمع عمومی موسس.

۲ مجمع عمومی عادی.

۳ مجمع عمومی فوق العاده.

ماده ۵۵۸ : وظایف مجمع عمومی موسس به قرار زیر است:

۱ رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تامین مبالغ آن.

۲ بررسی و اصلاح و تصویب طرح اساسنامه شرکت.

۳ انتخاب اولین مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت.

۴ تعیین روزنامه شرکت که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره ۱: گزارش موسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی موسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیر هنویسان سهام آماده باشد.

تبصره ۲: تصویب طرح اساسنامه در مورد سهام ممتاز نمی تواند مغایر با مفاد آگهی پذیره نویسی باشد.

ماده ۵۵۹: برای رسمیت یافتن جلسه مجمع عمومی موسس، حضور اشخاصی که حداقل نیمی از سرمایه شرکت را پذیره نویسی نموده اند، ضروری است. چنانچه در جلسه اول حد نصاب مذکور به دست نیاید، موسسین مکلفند مجمع را تا دو نوبت دیگر دعوت نمایند، مشروط بر اینکه دست کم بیست روز پیش از تشکیل آن مجمع، آگهی دعوت با ذکر دستور جلسه و نتیجه جلسه قبل در روزنامه شرکت منتشر گردد. برای رسمیت یافتن جلسه نوبت دوم حضور دارندگان دست کم یک سوم سرمایه در جلسه ضرورت دارد. در صورت عدم حصول حدنصاب در جلسه دوم، سهامداران برای سومین بار به ترتیب بالا دعوت خواهند شد. در صورتی که در جلسه سوم، حد نصاب مذکور حاصل نگردد، شرکت قابل تشکیل نیست و موسسین موظفند نسبت به آگهی عدم تشکیل شرکت در روزنامه شرکت مبادرت ورزند. مقررات ماده ۴۴۸ در مورد این ماده نیز قابل اعمال است.

ماده ۵۶۰: در مجمع عمومی موسس کلیه موسسین و پذیر هنویسان حق حضور دارند و هر سهامداری یک حق رای خواهد بود و تصمیمات با دو سوم آراء حاضرین اتخاذ میشود.

ماده ۵۶۱ : در شرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست و موسسین وظایف مجمع عمومی موسس را به انجام می رسانند . در این نوع شرکت ها، صورتجلسه مذکور در بند ۴ ماده ۵۰۴ این قانون در حکم صورتجلسه مجمع عمومی موسس است.

ماده ۵۶۲ : در شرکت های سهامی خاص هرگاه یک یا چند نفر از موسسین آورده غیرنقد داشته باشند باید نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری در مورد ارزیابی اینگونه آورد هها جلب و مورد پذیرش سایر موسسین قرار گیرد.

ماده ۵۶۳ : مجمع عمومی عادی م میتواند نسبت به کلیه امور شرکت به جز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است تصمیم بگیرد.

ماده ۵۶۴ : در جلسه مجمع عمومی عادی حضور دارندگان حداقل بیش از نصف سهامی که حق رای دارند، ضروری است. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور دارندگان هر میزان سهام دارای حق رای رسمیت یافته و تصمیم گیری خواهد شد، مشروط بر آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۵۶۵ : در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضرین در جلسه رسمی، معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب اعضاء هیات مدیره که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب هیات مدیره تعداد آراء هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رای هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رای دهنده می تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند، اساسنامه

شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

ماده ۵۶۶ : مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در هنگامی که اساسنامه پیش بینی نموده برای رسیدگی و تصمیم گیری نسبت به صورتهای مالی سال مالی قبل و گزارش هیات مدیره و بازرس تشکیل گردد.

بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به صورتهای مالی معتبر نخواهد بود.

ماده ۵۶۷ : تقسیم سود و اندوخته بین سهامداران فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم بیست درصد از سود ویژه سالانه بین سهامداران الزامی است.

ماده ۵۶۸ : مجمع عمومی فوق العاده منحصرأ به منظور رسیدگی و تصمیم گیری نسبت به امور خاصی که در این قانون آمده است تشکیل می گردد. این مجمع با حضور دارندگان بیش از نصف سهام دارای حق رای، رسمیت می یابد. چنانچه حد نصاب مزبور در نخستین جلسه بدست نیاید، جلسه برای بار دوم و با حضور صاحبان یک سوم سهام دارای حق رای رسمیت خواهد یافت، به شرط آنکه نتیجه دعوت نخست در دعوت دوم قید شده باشد.

ماده ۵۶۹ : تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دوسوم آراء حاضرین در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

ماده ۵۷۰ : هرگونه تغییر در مقررات اساسنامه از جمله اتخاذ تصمیم راجع به سرمایه شرکت، صدور سهام ممتاز یا تغییر در مزایای این گونه سهام، تجویز انتشار اوراق مشارکت، تبدیل سهام و همچنین تجزیه، ادغام، تبدیل و انحلال شرکت منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده قرار دارد.

ماده ۵۷۱ : دعوت از مجامع عمومی بر عهده رئیس هیات مدیره است که در مواردی که هیات مدیره مکلف به آن است پس از تصویب هیات مدیره، مبادرت به این امر می کند.

ماده ۵۷۲ : چنانچه هیات مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند، بازرس شرکت مکلف است رسماً به دعوت مجمع مزبور اقدام کند.

ماده ۵۷۳: در صورت عدم تنظیم و تسلیم به موقع مدارک مقرر در

ماده ۷۲۵ این قانون و یا عدم دعوت از مجمع عمومی عادی صاحبان سهام، حداکثر ۵ ماه پس از پایان هر سال مالی توسط

رئیس و اعضای هیات مدیره و همینطور در صورت عدم دعوت از مجمع عمومی عادی، ظرف یک ماه پس از انقضای مدت مذکور توسط بازرس، از آنها حسب مورد به جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم خواهند شد.

حکم این ماده برای سایر مواردی که رئیس و اعضای هیات مدیره و بازرس مکلف به دعوت مجمع عمومی هستند و در موعد مقرر اقدام نکنند نیز جاری است.

ماده ۵۷۴: هیات مدیره و همچنین بازرس شرکت م میتوانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوقالعاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

ماده ۵۷۵: سهامدارانی که حداقل یک پنجم سهام شرکت را دارا می باشند، حق دارند خواستار دعوت از سهامداران برای تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق العاده از هیات مدیره شوند و هیات مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند، در غیر این صورت درخواست کنندگان میتوانند دعوت مجمع را از بازرس شرکت خواستار شوند. در این صورت، بازرس مکلف خواهد بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نماید و گرنه سهامداران درخواست کننده حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات

راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیات مدیره و بازرس تصریح نمایند.

ماده ۵۷۶ : در مورد ماده ۵۷۵ ، دستور مجمع منحصرأ موضوعی خواهد بود که در درخواست درج شده است.

ماده ۵۷۷ : فاصله بین نشر دعوتنامه و تاریخ تشکیل مجمع عمومی حداقل ده روز و حداکثر سی روز خواهد بود.

ماده ۵۷۸ : در آگهی دعوت مجمع عمومی، دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع ، ساعت و نشانی کامل باید ذکر شود.

تبصره ۱ : محل تشکیل مجمع عمومی باید در محدوده شهری اقامتگاه شرکت باشد، مگر این که صددرصد صاحبان سهام برای تشکیل مجمع، محل دیگری را توافق نمایند.

تبصره ۲: اتخاذ هرگونه تصمیمی خارج از آنچه که به عنوان دستور جلسه آگهی شده، فاقد اعتبار است، مگر آنکه دارندگان صددرصد سهام دارای حق رای در جلسه حضور داشته و با طرح مورد یا موارد پیشنهادی موافق باشند.

تبصره ۳: اساسنامه می تواند شیوه تشکیل جلسات مجمع را به صورت ویدئوکنفرانس یا الکترونیکی نیز پیش بینی کند.

ماده ۵۷۹ : مجمع عمومی بوسیله هیات رئیسه ای مرکب از یک رئیس، یک منشی و دو ناظر اداره می شوند. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد، ریاست مجمع با رئیس هیات مدیره م یباشد، به جز هنگامی که دستور جلسه مجمع انتخاب یا برکناری همه یا برخی از اعضاء هیات مدیره باشد که در این صورت رئیس مجمع از میان سهامداران حاضر در جلسه برگزیده خواهد شد، ناظرین از میان دارندگان سهام با نام حاضر انتخاب م یشوند، لیکن منشی ممکن است سهامدار نباشد. هر سهامدار می تواند برای هر تعداد از سهام متعلق به خود، شخصی را به نمایندگی معرفی کند. هر یک از نمایندگان مزبور از جهت رعایت مقررات مربوط به انتخاب اعضاء هیات رئیسه مجمع و اعمال حق رای بعنوان سهامدار تلقی می گردند. در هر حال تعداد نمایندگان معرفی شده هر سهامدار نباید بیشتر از ۵ نفر باشد.

تبصره : در صورت عدم حضور رئیس و نایب رئیس هیات مدیره، ریاست با یکی دیگر از اعضاء هیات مدیره و چنانچه هیچ عضوی از اعضای هیات مدیره در جلسه حاضر نباشند، یکی از سهامداران بدین منظور برگزیده میشود.

ماده ۵۸۰ : قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی، شرکت ضمن احراز مالکیت سهامداران متقاضی حضور در جلسه مجمع به تعیین میزان سهام و تعداد آراء آنان اقدام خواهد کرد. از حاضرین در مجمع صورتی تنظیم خواهد شد که در آن هویت کامل، اقامتگاه، تعداد سهام و تعداد آراء هریک از حاضران قید و به امضاء آنان خواهد رسید.

تبصره ۱ : چنانچه شرکت نسبت به احراز مالکیت و تعیین آراء اقدام نکند و به گونه ای عمل کند که منجر به تشکیل جلسه مجمع شرکت نشود هریک از اعضای متخلف هیات مدیره از یکصد میلیون ریال تا یکصد و پنجاه میلیون ریال جریمه خواهند شد.

تبصره ۲: اگر هیات مدیره نسبت به احراز مالکیت و تعیین آراء اقدام نکند و یا به گون های عمل کند که منجر به تشکیل جلسه مجمع شرکت نشود، بازرس موظف است نسبت به احراز مالکیت و تعیین آراء اقدام کند در این صورت بازرس از کلیه اختیارات هیات مدیره در این خصوص برخوردار خواهد بود.

ماده ۵۸۱ : هر کس مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجمع عمومی گردد، به حبس تعزیری از سه ماه تا یکسال یا به جزای نقدی از ده تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۲ : رئیس و هریک از اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۵۸۰ تنظیم نکنند، به جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸۳ : هر کس با سوء نیت و به خلاف واقع خود را دارنده سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید، اعم از آنکه این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام داده باشد، به جزای نقدی از ده میلیون تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۴ : رئیس و هریک از اعضای هیات رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رای صاحبان سهام در این قانون را رعایت نکرده باشند به جزای نقدی از بیست میلیون تا شصت میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸۵ : در تمامی مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی آمده است، منظور اکثریت آرای حاضرین دارای حق رای میباشد.

ماده ۵۸۶ : هرگاه در مجمع عمومی در خصوص تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد تصمیم گیری نشود ، هیات رئیسه مجمع با تصویب مجمع م میتواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند. تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسه بعد، مجمع با حداقل حد نصاب قانونی جلسه قبل رسمیت خواهد داشت.

ماده ۵۸۷ : از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورتجلس های توسط منشی تهیه می شود که به امضای اعضای هیات رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز اصلی شرکت نگهداری خواهد شد. مسئولیت تنظیم صورتجلسه به عهده هیات رئیسه مجمع عمومی می باشد. صورتجلسه تنظیمی با داشتن امضای اکثریت اعضاء هیات رئیسه، معتبر است.

ماده ۵۸۸ : چنانچه صورت جلسه مذکور در ماده ۵۸۷ تنظیم نشده باشد، هریک از اعضاء متخلف هیات رئیسه به جزای نقدی از ده میلیون تا سی میلیون ریال محکوم خواهند شد. چنانچه صورتجلسه مذکور به صورت ناقص یا برخلاف واقع تنظیم شود.

به تقاضای هر ذینفع و با صدور حکم دادگاه تجارتي ابطال م میشود و هریک از امضاء کنندگان به پرداخت یکصد میلیون تا دویست میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸۹ : در مواردی که تصمیمات مجامع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد، یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید برای ثبت به مرجع ثبت شرک تنها ارسال شود:

۱ انتخاب مدیران و بازرس.

۲ تصویب صورت های مالی.

۳ کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر دیگر در اساسنامه.

۴ انحلال، تجزیه و ادغام شرکت و نحوه تصفیه آن.

۵ انتشار اوراق مشارکت.

• مبحث هشتم: مدیریت شرکت

ماده ۵۹۰: اداره شرکت سهامی بوسیله هیات مدیره ای مرکب از اشخاص حقیقی و حقوقی که از میان سهامداران یا خارج از آنها انتخاب می گردند و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند، صورت می پذیرد.

تبصره: شخص حقوقی که برای عضویت هیات مدیره انتخاب می شود، باید یک شخص حقیقی را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید.

ماده ۵۹۱: جز در مورد نخستین گروه از اعضای هیات مدیره که توسط مجمع عمومی موسس یا موسسین برگزیده می شود، انتخاب و برکناری اعضای هیات مدیره توسط مجمع عمومی عادی انجام میشود.

ماده ۵۹۲: مدت مدیریت اعضای هیات مدیره در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از سه سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد اعضای هیات مدیره بلامانع می باشد.

ماده ۵۹۳: حداقل تعداد اعضای هیات مدیره در شرکت سهامی خاص سه و در شرکت سهامی عام پنج عضو می باشد.

تبصره: شمار اعضای هیات مدیره در هر حال باید فرد باشد.

ماده ۵۹۴: مجمع عمومی باید برای شرکت های سهامی خاص حداقل ۲ نفر و برای شرکت های سهامی عام حداقل ۳ نفر، عضو علی البدل هیات مدیره انتخاب نماید.

ماده ۵۹۵: در صورت فوت، پذیرش استعفا یا فقد صلاحیت و یا نقد شرایط از یک یا چند عضو هیات مدیره، اعضای علی البدل بلافاصله مطابق مقررات اساسنامه و بدون انجام هرگونه تشریفات جای آنها را خواهند گرفت. در صورتی که اعضای علی البدل کافی برای پر کردن سم تهی خالی در هیات مدیره نباشند و یا به هردلیل ناتوان و یا ممنوع از تصدی چنین سمتی باشند، مدیر یا مدیران باقی مانده مکلفند از مجمع عمومی عادی برای تکمیل تعداد اعضای هیات مدیره دعوت کنند. در

صورت عدم امکان و یا خودداری مدیر یا مدیران باقیمانده از انجام تکلیف مزبور یا شمول یکی از حالات مذکور در بالا نسبت به کلیه مدیران، بازرس قانونی شرکت به محض اطلاع از موضوع، موظف به دعوت از مجمع عمومی عادی به منظور فوق می باشد.

در صورت عدم امکان و یا خودداری بازرس قانونی شرکت از انجام تکلیف فوق و یا شمول حالات مذکور نسبت به وی، هر ذینفع م میتواند از مجمع عمومی دعوت به عمل آورد، مشروط به آنکه ضمن ذکر دستور جلسه، عدم دعوت از مجمع به منظور بالا از سوی مدیران باقیمانده و یا بازرس را در دعوتنامه قید نماید.

ماده ۵۹۶: جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، هیات مدیره شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشد، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد.

محدود کردن اختیارات هیات مدیره در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط در روابط اعضای هیات مدیره و شرکت معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث ب یاثر است.

ماده ۵۹۷: هیات مدیره در اولین جلسه از بین اعضای خود، یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیات مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و مدت نیابت رئیس هیات مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیات مدیره نخواهد بود. هیات مدیره

در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیات مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود ب یاثر خواهد بود.

تبصره ۱: از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیات مدیره معرفی شده باشد، در حکم عضو هیات مدیره خواهد شد.

تبصره ۲: هرگاه رئیس هیات مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد، وظایف او را نایب رئیس هیات مدیره انجام خواهد داد.

ماده ۵۹۸: دعوت از اعضای هیات مدیره و اداره جلسات بر عهده رئیس هیات مدیره و در غیاب وی برعهده نایب رئیس هیات مدیره است.

ماده ۵۹۹: برای تشکیل جلسات هیات مدیره حضور بیش از نصف اعضای هیات مدیره لازم است. تصمیمات باید با اکثریت آرای حاضرین اتخاذ گردد، مگر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۶۰۰: ترتیب تشکیل جلسات هیات مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده ای از مدیران که حداقل یک سوم اعضای هیات مدیره را تشکیل دهند، می توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیات مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیات مدیره را دعوت نمایند.

تبصره: دعوتنامه بایستی به نحو مضبوطی به آگاهی سایر اعضای هیات مدیره برسد قسمت پنجم ماده ۷۰۱: مقررات مواد ۵۸۲ اعمال میگردد.

ماده ۷۰۲: انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه تحت هر عنوان کلاً یا بعضاً به اشخاص زیر باطل است:

۱) مدیران تصفیه یا اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم و شرکت هایی که مدیران مزبور در آنها دارای سمت مدیریت هستند و یا حداقل ۵۰ درصد سرمایه آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به مدیران تصفیه و یا اقارب آنها به شرح فوق می باشد.

۲_ چنانچه مدیر تصفیه شخص حقوقی باشد، شخص حقوقی مدیر تصفیه، شرکت های مادر، تابعه و وابسته به آن و همچنین مدیران شخص حقوقی مدیر تصفیه و اقارب آنها تا درجه دوم.

۳_ چنانچه مدیر تصفیه (شخص حقیقی و حقوقی) شریک یا مدیر اشخاص حقوقی دیگری باشد و اشخاص حقوقی مزبور طرف معامله واقع شوند. مدیر یا مدیرانی که بر خلاف این ماده عمل کنند ضامن اصل و منافع مال موضوع انتقال بوده و به پرداخت خسارت معادل ۵۰ درصد ارزش مال مزبور محکوم میشوند. تنها در صورتی که دو بار دارایی شرکت در حال تصفیه به مزایده

گذاشته شده باشد و خریداری برای آن پیدا نشود، مدیر یا مدیران تصفیه می توانند با تصویب اکثریت صاحبان سرمایه و با این

قید که قیمت خرید آنها از قیمت پایه مزایده که به تایید کارشناس رسمی دادگستری رسیده کمتر نباشد، دارایی شرکت را خریداری کنند

ماده ۷۰۳: تصفیه باید ظرف مدتی که مجمع عمومی معین می کند انجام شود. مدت مذکور نباید بیش از ۲ سال باشد. چنانچه ظرف این مدت امر تصفیه خاتمه نیابد، مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت، مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می یابند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفت هاند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده و مجمع عمومی صاحبان سهام پس از استماع نظریه بازرس در مورد گزارش مدیران تصفیه نسبت به تمدید دوره تصفیه حداکثر برای دو سال دیگر اقدامی نمایند. مدیر یا مدیران تصفیه برای حداکثر ۲ سال انتخاب می شوند، انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده ۷۰۴: هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشند، تمدید مدت ماموریت آنان نیز با رعایت شرایط مندرج در ماده ۷۰۳ با دادگاه تجارتي خواهد بود.

ماده ۷۰۵: تا هنگامی که کار تصفیه پایان نیافته، مدیر یا مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی را با رعایت شرایط و تشریفات مقرر در قانون و اساسنامه دعوت نموده و صورتهای مالی را همراه با گزارش عملکرد خود به مجمع عمومی تقدیم نمایند.

تبصره: نسخه ای از صورت های مالی و گزارش مزبور، یک هفته پیش از تشکیل مجمع، جهت اظهارنظر به بازرس شرکت ارائه م یگردد.

ماده ۷۰۶: در دوره تصفیه دعوت از مجامع عمومی در کلیه موارد به عهده مدیر یا مدیران تصفیه می باشد. در صورت ناتوانی یا خودداری مدیر یا مدیران تصفیه از انجام این تکلیف، بازرس شرکت موظف به دعوت از مجامع عمومی خواهد بود. چنانچه بازرس شرکت به دعوت از مجمع عمومی اقدام ننماید، دادگاه تجارتي به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۷۰۷: در هر مورد که به موجب مقررات این بخش، تشکیل مجمع عمومی برای اتخاذ تصمیم در امر تصفیه ضرورت داشته باشد، اما به هر دلیل مجمع عمومی تشکیل نشود یا تصمیم گیری ننماید، دادگاه تجارتي با لحاظ ماده ۷۱۰ به درخواست هرذینفع تصمیم مقتضی درخصوص موضوع اتخاذ خواهد کرد.

ماده ۷۰۸: حکم ماده ۶۴۱ در مورد ایجاد امکان دسترسی سهامداران به صورتهای مالی، گزارش فعالیت مدیران و گزارش بازرس در زمان تصفیه شرکت نیز جاری است.

ماده ۵۷۱ و ۵۷۲ راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد، ۵۶۵، ماده ۷۰۹: حکم مواد ۵۶۴ نصاب و اکثریت در مجامع، در مدت تصفیه نیز جاری می باشد.

ماده ۷۱۰: در مواردی که به موجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود م یباشند، هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورتهای مالی را در روزنامه شرکت منتشر

کنند.

ماده ۷۱۱ : تقسیم دارایی شرکت میان سهامداران خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلا سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله ۳۰ روز در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شده و لااقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده ۷۱۲ : آن بخش از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد نیاز نیست، میان سهامداران به نسبت سهام آنها تقسیم می شود، به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز سررسید آن نرسیده است موضوع شده باشد.

ماده ۷۱۳ : پس از ختم تصفیه، انجام تعهدات و تادیه کلیه دیون، دارایی شرکت ابتدا به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد. مدیر تصفیه باید نحوه تقسیم دارایی بین سهامداران را به طریق مقتضی به اطلاع سهامداران برساند.

ماده ۷۱۴ : تخلف از مقررات مواد ۷۱۱ تا ۷۱۳ مدیران تصفیه را مسئول جبران خسارات بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرد هاند.

ماده ۷۱۵ : در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه از مفاد مواد ۷۱۱ تا ۷۱۳ ، عامداً تخلف کنند به جزای نقدی از پنجاه میلیون ریال تا دویست و پنجاه میلیون ریال یا محرومیت از مدیریت شرکت های تجاری از یک تا سه سال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۷۱۶ : مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا توسط مرجع مزبور به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت ها و دفتر ثبت تجاری حذف شود.

ماده ۷۱۷ : مدیران تصفیه باید بلافاصله پس از اعلام پایان تصفیه، وجوهی که باقی مانده است را در حساب مخصوص نزد یکی از بانک های ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و سهامدارانی که مطالبات خود را دریافت نکرده اند را نیز به آن بانک ارائه و مراتب را طی آگهی

مذکور در ماده قبل به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا نسبت به دریافت طلب خود از بانک اقدام کنند. پس از انقضای ده سال از تاریخ انتشار آگهی پایان تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقی مانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

ماده ۷۱۸: دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید به مدت ۱۰ سال مالی منتهی به سال ختم تصفیه شرکت، توسط مدیر یا مدیران تصفیه به صورت اسناد الکترونیکی اصل یا جایگزین تهیه شوند و با اخذ گواهی از یکی از مراجع موضوع ماده

۳۱ قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲، همزمان با اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم شود تا به مدت ۱۰ سال از تاریخ ختم تصفیه توسط مرجع مزبور برای مراجعات لازم نگهداری شوند.

ماده ۷۱۹: در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشند، باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را برای اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نمایند. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه جدید را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه مکلفند که قصد استعفای خود را به دادگاه تجارتي اعلام کنند و تعیین مدیر یا مدیران تصفیه جدید را از دادگاه تجارتي بخواهند. دادگاه تجارتي مکلف است خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و نسبت به انتخاب جانشین تعیین تکلیف نماید. در هر حال استعفای مدیر یا مدیران تصفیه تا هنگامی که جانشین آنان به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشوند و مراتب طبق ماده ۶۹۶ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد بی اثر است.

چنانچه امر تصفیه شرکت در خاتمه مدت ماموریت مدیر یا مدیران تصفیه، پایان نپذیرد و مدیر یا مدیران مزبور تمایل به انتخاب مجدد برای این سمت را نداشته باشند باید ضمن اعلام مراتب به بازرس شرکت، هنگام دعوت مجمع عمومی صاحبان سهام برای انتخاب مدیران تصفیه، این امر را اعلام نمایند، در صورتی که مجمع عمومی تشکیل نشود و یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه را

انتخاب کند یا مدیران مزبور توسط دادگاه تجارتي انتخاب شده باشند باید از دادگاه تجارتي ذیصلاح درخواست انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه جدید را بنمایند. دادگاه تجارتي مکلف است خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و نسبت به تعیین جانشین اقدام کند.

ماده ۷۲۰: اگر مدیران تصفیه متعدد و توسط مجمع عمومی انتخاب شده باشند، در صورت فوت، ورشکستگی و یا تعذر از ادامه مدیریت به دلایلی نظیر، بیماری صع بالعلاج و حبس یک یا چند تن از آنان، مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده باید مجمع عمومی شرکت را برای تعیین جانشین مدیر یا مدیران مذکور دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند فرد جانشین را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر یا مدیران مذکور توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده مکلفند تعیین جانشین را از دادگاه تجارتي بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصرأ به عهده یک نفر باشد و مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد در صورت فوت، ورشکستگی و یا تعذر از ادامه ماموریت به دلایلی نظیر بیماری صع بالعلاج و حبس، هر ذینفع م میتواند از مرجع ثبت شرکت ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را برای تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید در صورتی که

مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر مذکور توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشد هر ذینفع میتواند تعیین جانشین را از دادگاه تجارتي بخواهد.

ماده ۷۲۱: مجمع عمومی فوق العاده و یا دادگاه تجارتي که مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب می کند موظف است همزمان بازرس یا بازرسان اصلی و عل یالبدل شرکت را انتخاب نماید.

ماده ۷۲۲: مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که مرتکب جرایم زیر شوند، به محرومیت یک تا سه سال از مدیریت شرکت های تجاری و یا جزای نقدی از سی میلیون تا هشتاد میلیون ریال و یا به هر دو محکوم خواهند شد:

۱ چنانچه ظرف یک ماه پس از انتخاب خود تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و مشخصات خود را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام نکنند.

۲ در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی را دعوت نکرده و صورت های مالی و نحوه تصفیه امور شرکت ومدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می دانند به آگاهی مجمع عمومی نرسانند.

۳ چنانچه پیش از پایان کار تصفیه هر ساله مجمع عمومی را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون پیش بینی شده است دعوت نکرده و صورت های مالی شرکت را به همراه گزارش حاکی از اقداماتی که تا آن موقع انجام داد هاند به مجمع مذکور ارایه نکنند.

۴ در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمديد مدت ماموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.

۵ چنانچه ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام ننمایند.

۶ در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوص در یکی از بانک های ایران تودیع ننمایند، و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را دریافت ن داشته اند به آن بانک تسلیم نکرده و مراتب را طی آگهی پایان تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.

ماده ۷۲۳: شرایط، اختیارات، وظایف و مسئولیت های بازرس در دوره تصفیه شرکت همانند قبل از تصفیه است.

ماده ۷۲۴: مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را بر خلاف منافع شرکت بطور مستقیم یا غیرمستقیم برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود در آن ذینفع می باشند مورد استفاده قرار دهند علاوه بر بازپرداخت منافع حاصله و جبران خسارات وارده، به حبس تعزیری از سه ماه و یک روز تا سه سال و محرومیت از تصدی مدیریت هر شرکت تجاری به مدت سه برابر حبس محکوم خواهند شد.

• مبحث دوازدهم: حساب های شرکت

ماده ۷۲۵: هیات مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت های مالی شرکت را مطابق استانداردهای حسابداری مصوب مراجع ذیصلاح به ضمیمه گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند و حداقل سی روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسی شرکت گذاشته شود.

ماده ۷۲۶: رئیس و اعضای هیات مدیره شرکت که مدارک مقرر در ماده قبل را به موقع تنظیم یا تسلیم نکنند به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۷۲۷: سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد همان سال مالی منهای کلیه هزینه های مربوطه که طبق استانداردهای حسابداری به رسمیت شناخته شده اند پس از کسر مالیات شرکت.

ماده ۷۲۸: سود قابل تخصیص عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت موضوع ماده ۷۲۷ منهای زیان انباشته ابتدای سال به علاوه سود انباشته ابتدای سال پس از اعمال تعدیلات سنواتی.

ماده ۷۲۹: مجمع عمومی عادی سالانه در صورت تصویب صورتهای مالی و احراز این که سود قابل تخصیص وجود دارد، پس از کسر اندوخته قانونی به شرح ماده ۶۱۶ این قانون، مبلغی که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود و یا به حساب اندوخته اختیاری منظور شود، را تعیین می کند. علاوه بر این مجمع عمومی می تواند تصمیم بگیرد مبلغی از اندوخته هایی که شرکت در اختیار دارد، بین صاحبان سهام تقسیم شود. در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحا قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخت هها باید برداشت و تقسیم شوند. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شوند، سود موهوم تلقی خواهد شد.

ماده ۷۳۰: نحوه پرداخت سود تعیین شده در ماده قبل توسط مجمع عمومی معین می شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد، هیات مدیره نحوه پرداخت

را تعیین خواهد نمود. در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف چهار ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

ماده ۷۳۱: مدیران شرکت که بدون رعایت تشریقات و ترتیبات مقرر در این قانون مبادرت به تقسیم سود کنند علاوه بر جبران خسارت به جزای نقدی ده میلیون ریال تا صد میلیون ریال و محرومیت یک تا سه سال از مدیریت شرکت های تجاری محکوم می شوند و در صورتی که سود توزیع شده بین سهامداران موهوم باشد مدیران مزبور به حبس تعزیری از یک سال تا سه سال نیز محکوم می شوند.

ماده ۷۳۲: مدیران شرکت که به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت صورتهای مالی غیرواقعی به مجمع عمومی ارائه یا منتشر کرده باشند، به حسب تعزیری از شش ماه تا هجده ماه محکوم خواهند شد.

• مبحث سیزدهم: تبدیل شرکت ها

ماده ۷۳۳: شرکت سهامی خاص با رعایت شرایط لازم برای تاسیس شرکت های سهامی عام و لحاظ شرایط زیر می تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود:

۱ موضوع تبدیل به تصویب مجمع عمومی فو القاعده شرکت سهامی خاص رسیده باشد.

۲ دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و صورت های مالی دو سال پیاپی آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

۳ دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و صورت های مالی شرکت در دو سال پیاپی به تصویب مجمع عمومی سهامداران رسیده باشد.

۴ اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت های سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

۵ الزام تامین حداقل ۳۵٪ سرمایه شرکت از طریق عرضه سهام به عموم رعایت شود.

ماده ۷۳۴ : شرکت سهامی خاص باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده سهامداران تبدیل شرکت را تصویب کرده است، صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند:

۱ اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است.

۲ صورت های مالی مذکور در ماده ۷۳۳ که به تایید حسابرس رسمی رسیده باشد.

۳ اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف نام و شماره ثبت شرکت.

ب موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن

ج مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد، نشانی شعب آن. در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.

ه سرمایه شرکت و اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن

ز هویت کامل مدیران شرکت.

ح شرایط حضور و حق رای سهامداران در مجامع عمومی.

ط مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.

ی مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.

ک ذکر نام روزنامه شرکت.

ماده ۷۳۵ : مرجع ثبت شرکت ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده شماره ۷۳۴ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون، تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. در غیر این صورت ایرادات را ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ وصول مدارک کتبا به متقاضی اعلام می کند.

ماده ۷۳۶ : در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردیده و قید شود که اساسنامه شرکت، صورت های مالی و گزارش بازرسی دو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل در مرجع ثبت شرکت تها و در مرکز شرکت برای علاقمندان آماده میباشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه شرکت، در یک روزنامه کثیر الانتشار نیز منتشر شود.

ماده ۷۳۷ : شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه به وجود میآید با رعایت مواد ۶۵۶ لغایت ۶۶۵ و ماده ۶۶۸ این قانون برای پذیر هنویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکت تها پس از وصول تقاضا و مدارک مربوط به تبدیل شرکت و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیره نویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود، اجازه انتشار آگهی پذیر هنویسی سهام را صادر خواهد نمود. در آگهی پذیره نویسی باید شماره و تاریخ اجازه نامه مزبور قید گردد.

ماده ۷۳۸ : در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماما تادیه نشود، شرکت نمی تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

• مبحث چهاردهم: شرکت با مسئولیت محدود

ماده ۷۳۹ : شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بوسیله یک یا چند شخص تشکیل گردیده و هریک از شرکا نسبت به بدهی ها و تعهدات شرکت تا میزان سرمایه ای که در شرکت گذارده اند، مسئولیت خواهند داشت.

ماده ۷۴۰: در شرکت با مسئولیت محدود تقسیم سرمایه به قطعات یا برگ سهام یا به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با نام و یا بی نام و غیره ممنوع بوده و میزان سهم الشرکه هریک از صاحبان سرمایه به درصد تعیین میشود. «با مسئولیت محدود»

ماده ۷۴۱: در کلیه اوراق مربوط به شرکت، پس از نام شرکت باید عبارت آورده شود. در غیر این صورت شرکت در برابر اشخاص ثالث مشمول مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از صاحبان سرمایه باشد و گرنه شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده ۷۴۲: حداقل سرمایه نقدی شرکت با مسئولیت محدود یکصد میلیون ریال می باشد که در هنگام تاسیس بایستی تماماً به حساب شرکت در شرف تاسیس پرداخت شود.

ماده ۷۴۳: شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای آورده های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۷۴۴: اشخاص زیر به حبس تعزیری از یک تا سه سال و محرومیت از مدیریت شرکت های تجاری به میزان دو برابر مدت حبس تعیین شده در حکم مربوطه محکوم میشوند:

الف موسسین و مدیرانی که پرداخت تمام آورده نقدی و تقدیم و تسلیم آورده غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند، بر خلاف واقع اظهار کرده باشند.

ب کسانی که به وسایل متقلبانه آورده غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ماده ۷۴۵: مقررات ماده ۶۱۷ ناظر به کاهش سرمایه اجباری و ماده ۶۷۲ راجع به کاهش اختیاری سرمایه شرکت سهامی نسبت به شرکت با مسئولیت محدود نیز اعمال می شود.

ماده ۷۴۶: تشکیل مجمع عمومی در شرکت با مسئولیت محدود الزامی است مگر در موردی که شمار شرکاء کمتر از سه عضو باشد که در این صورت تشکیل مجمع منوط به پیش بینی در اساسنامه است.

ماده ۷۴۷ : در صورتی که شرکت با مسئولیت محدود با بیش از یک شخص تاسیس شود، لیکن بعداً به هر دلیل تعداد شرکا به یک شخص کاهش یابد، مدیر یا مدیران مکلفند مراتب را ظرف یک ماه از طریق روزنامه رسمی به اطلاع عموم برسانند. هریک از مدیران که از این تکلیف سرباز زنند، به جزای نقدی از ده تا سی میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۷۴۸ : برای تاسیس شرکت با مسئولیت محدود مدارک زیر بایستی توسط موسس یا موسسین به مرجع ثبت شرک آنها تسلیم شود:

۱ اظهارنامه تشکیل شرکت.

۲ اساسنامه.

۳ صورتجلسه انتخاب مدیر یا مدیران و قبول کتبی آنها

۴ صورتجلسه انتخاب بازرس، در صورتی که برای شرکت در اساسنامه انتخاب بازرس پیش بینی شده باشد.

۵ صورتجلسه تعیین روزنامه شرکت.

۶ گواهی یکی از بانک های محل اقامت شرکت دایر بر واریز تمامی سرمایه مقرر برای تاسیس شرکت به حساب شرکت در شرف تاسیس.

۷ موافقت سازمان با نهاد ذیربط چنانچه انجام موضوع شرکت نیازمند اخذ چنین موافقتی باشد.

۸ تصویر مدارک هویت موسس یا موسسین.

۹ نشانی موسس یا موسسین

ماده ۷۴۹ : اظهارنامه تشکیل شرکت باید با قید تاریخ به امضای موسس یا موسسین رسیده و موارد زیر در آن ذکر شود:

۱ نام شرکت.

۲ هویت کامل و اقامتگاه موسس یا موسسین

۳ موضوع شرکت.

۴ مبلغ کل سرمایه به تفکیک نقد و غیرنقد آن.

۵ میزان آورده موسس یا هر یک از موسسین و نام بانک و شماره حسابی که وجوه به آن واریز شده است.

۶ میزان سهم شرکتی هر یک از موسسین.

۷ مرکز اصلی شرکت.

۸ مدت شرکت.

ماده ۷۵۰: فعالیت و نحوه اداره شرکت مطابق اساسنامه صورت میگیرد اساسنامه شرکت باید با قید تاریخ به امضاء موسس یا موسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

۱ نام شرکت.

۲ موضوع شرکت.

۳ مدت شرکت.

۴ مرکز اصلی شرکت.

۵ مبلغ سرمایه شرکت.

۶ مواعد و نحوه تشکیل مجامع.

۷ تعداد مدیران، مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین مدیر و جانشین برای آنها در مواردی که از ادامه کار ناتوان یا ممنوع میشوند.

۸ تعیین حدود اختیارات مدیران.

۹ چنانچه تعیین بازرس برای شرکت مدنظر باشد، مدت ماموریت، نحوه انتخاب بازرس، وظایف و اختیارات آن.

۱۰ چگونگی انحلال اختیاری و تصفیه شرکت.

۱۱ نحوه تغییر اساسنامه.

۱۲ شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.

۱۳ تعیین آغاز و پایان سال مالی و موعد تنظیم صورت های مالی و تسلیم آن به بازرسان و مجمع عمومی سالانه.

۱۴ روابط بین شرکاء

۱۵ نحوه تقسیم منافع.

ماده ۷۵۱: موافقت شرکا یا مدیران شرکت برای انتقال سهم الشرکه ضرورت ندارد. لیکن شرکا در خرید سهم الشرکه ها در شرایط مساوی نسبت به اشخاص ثالث اولویت دارند. در ارتباط با موارد مذکور م میتوان در اساسنامه شرکت ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۷۵۲: انتقال سهم الشرکه فقط به موجب سند رسمی به عمل می آید، در غیر این صورت انتقال به عمل آمده در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

ماده ۷۵۳: شرکت موظف است نسخه ای از سند رسمی انتقال را به انضمام صورتجلسه متضمن تغییر در شرکا و میزان سه مالشرکه به مرجع ثبت شرکت ها ارسال نماید.

ماده ۷۵۴: مرجع ثبت شرکت ها نمی تواند صورتجلسه تغییرات در شرکاء شرکت که به ترتیب مقرر در مواد ۷۵۲ و ۷۵۳ انجام نشده باشد را پذیرفته و آگهی نماید.

ماده ۷۵۵: نحوه دعوت، تشکیل، حد نصاب، رای گیری و اختیارات مجمع عمومی به موجب اساسنامه خواهد بود مگر آنکه مقررات این بخش از قانون ترتیب دیگری پیش بینی کرده باشد.

ماده ۷۵۶: دعوت از شرکاء از سوی مدیرعامل شرکت در روزنامه شرکت عمل می آید، مگر آنکه همه شرکا با امضا نسخه دوم دعوتنامه از تاریخ و دستور جلسه آگاهی یابند که در این صورت و نیز در صورتی که همه شرکاء در جلسه حاضر باشند، نشر دعوتنامه در روزنامه شرکت ضرورت ندارد.

تصمیم گیری مجمع عمومی شرکا بدون رعایت تشریفات بالا فاقد اعتبار است.

ماده ۷۵۷: شرکایی که دست کم یک پنجم سرمایه شرکت را دارا می باشند می توانند از مدیرعامل بخواهند برای دعوت از مجمع عمومی یا شرکا با قید موضوع جلسه، اقدام کند. مدیر عامل باید حداکثر تا بیست روز مجمع یا جلسه مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند، در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند خود به دعوت مجمع یا تمامی شرکاء اقدام کنند به شرط آنکه حسب مورد کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع یا دعوت از شرکا را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود از سوی مدیرعامل تصریح نمایند.

مجمع یا شرکا دعوت شده می توانند منحصراً در موضوعی تصمیم گیری کنند که در تقاضانامه شرکاء فوق ذکر شده است.

ماده ۷۵۸: در صورتی که کلیه سرمایه متعلق به یک شخص باشد، تشریفات دعوت، تشکیل و رای گیری الزامی نیست. لیکن کلیه تصمیمات باید طی صورتجلسه های به امضای صاحب سرمایه رسیده و در شرکت نگهداری گردد.

ماده ۷۵۹: فاصله بین آگهی دعوت و تشکیل جلسه حداقل ده روز و حداکثر سی روز خواهد بود.

ماده ۷۶۰: تصمیم گیری در مجمع یا در جلسه شرکا در تمامی موارد با موافقت دارندگان بیش از پنجاه درصد سرمایه پذیرفته می شود مگر در موارد زیر که موافقت دارندگان حداقل دو سوم سرمایه ضروری است:

۱- تغییر اساسنامه

۲- کاهش یا افزایش سرمایه شرکت

۳- انحلال شرکت

۴- ادغام شرکت

۵- تبدیل شرکت به نوع دیگری از شرکت های تجاری

ماده ۷۶۱ : هریک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارند، دارای حق رای خواهند بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۷۶۲ : در هیچ مورد اکثریت شرکا نمی تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم شرکت خود کند.

ماده ۷۶۳ : شرکت با مسئولیت محدود بوسیله یک یا چند مدیر که بایستی شخص حقیقی باشند و از میان شرکاء یا غیر شرکاء تعیین می گردند، اداره می شود، مدت مدیریت مدیران در اساسنامه مشخص می شود.

ماده ۷۶۴ : چنانچه شرکت تنها دارای یک مدیر باشد، مدیر مزبور عنوان مدیرعامل را خواهد داشت.

ماده ۷۶۵ : جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص شرکا است، مدیران شرکت دارای تمامی اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات شرکا فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و بی اثر است.

ماده ۷۶۶ : مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود دارای همان وظایف و مشمول همان محدودیت ها و مسئولیت های مدنی و کیفری مدیران شرکت های سهامی خاص هستند.

ماده ۷۶۷: در صورتی که تعداد مدیران شرکت از یک تن بیشتر باشد. بایستی شخص حقیقی را از میان خود یا فرد دیگری را بعنوان مدیرعامل انتخاب و حدود وظایف و اختیارات وی را تعیین نمایند.

ماده ۷۶۸: تقسیم منافع به نسبت سرمایه شرکاء به عمل می آید، مگر اینکه در اساسنامه ترتیب دیگر مقرر شده باشد.

ماده ۷۶۹: در صورتی که به موجب اساسنامه، برای شرکت بازرسی تعیین شده باشد تمامی شرایط لازم جهت انتخاب، وظایف و اختیارات، محدودیتها و مسئولیت های بازرسی در شرکت های سهامی شامل چنین بازرسی نیز خواهد بود. به جز مقرراتی که در خصوص شرکت با مسئولیت محدود در این قانون آمده است.

ماده ۷۷۰: انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود تابع همان مقرراتی است که برای شرکت سهامی پیش بینی گردیده است.

ماده ۷۷۱: مرجعی که تصمیم به انحلال شرکت گرفته است برای امور تصفیه شرکت، شخص یا اشخاص را به عنوان مدیر تصفیه انتخاب می نماید.

ماده ۷۷۲: دوره مدیریت مدیران تصفیه شرکت با مسئولیت محدود حداکثر ۲ سال است، چنانچه تمدید دوره مدیریت لازم باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید ضمن ارائه گزارش توجیهی تمدید مدت مدیریت خود را از شرکا درخواست نمایند. تعیین بازرسی برای دوره تصفیه اختیاری می باشد مگر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد. حدود وظایف و مسئولیت های چنین بازرسی تابع مقررات شرکت سهامی خواهد بود.

ماده ۷۷۳: مقررات ماده ۷۰۲ این قانون در خصوص انتقال اموال شرکت سهامی در حال تصفیه، نسبت به شرکت با مسئولیت محدود در حال تصفیه نیز اعمال میشود.

• مبحث پانزدهم: شرکت تضامنی

ماده ۷۷۴: شرکت تضامنی شرکتی است که توسط حداقل دو شخص تشکیل می شود و در صورتی که دارایی هایی شرکت برای پرداخت دیون کافی نباشند، هریک از شرکاء متضامنا مسئول پرداخت تمامی دیون شرکت خواهند بود، هر توافقی میان شرکاء برخلاف حکم این ماده در مقابل اشخاص ثالث باطل و بی اثر است. و حداقل نام « شرکت تضامنی » ماده ۷۷۵: شرکت تضامنی دارای نام مخصوصی است که عبارت یکی از شرکاء باید در آن ذکر شود. اگر نام شرکت مشتمل بر اسامی

تمامی شرکاء نباشد باید بعد قید شود. « و شرکاء » از نام شرکت عبارت

ماده ۷۷۶: در شرکت تضامنی تقسیم منافع میان شرکاء به نسبت سه مالشرکه م یباشد، مگر آنکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نموده باشد.

ماده ۷۷۷: برای تشکیل شرکت تضامنی، سرمایه مقرر در اساسنامه در هنگام تاسیس باید پرداخت شود چنانچه بخشی از سرمایه به صورت غیرنقد باشد، آورده غیرنقد بایستی توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی و تسلیم شود.

ماده ۷۷۸: رعایت تشریفات مربوط به تاسیس شرکت با مسئولیت محدود، در مورد شرکت تضامنی نیز الزامی است مگر آنکه در این بخش ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۷۷۹: در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی تواند سهم الشرکه خود را به سایر شرکاء و یا به غیر آنان منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده ۷۸۰: در صورت موافقت شرکا با انتقال سهم الشرکه به شرح

ماده ۷۷۹، مدیرعامل شرکت مکلف است ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ موافقت، ضمن انتشار مراتب در روزنامه شرکت،

صورتجلسه انتقال را جهت ثبت و نشر در روزنامه رسمی به مرجع ثبت شرکت ها ارایه کند.

ماده ۷۸۱: مدیرعامل در صورت تخلف از انجام تکلیف مقرر در ماده ۷۸۰ به جزای نقدی از سی تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۷۸۲: مادام که شرکت تضامنی منحل نشده، مطالبه دیون آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال، بستانکاران شرکت می توانند برای وصول مطالبات خود به هریک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند. هیچ یک از شرکاء نمی تواند به استناد این که میزان بدهیهای شرکت از میزان سرمایه او در شرکت بیشتر می باشد، از پرداخت دیون شرکت خودداری ورزد.

فقط در رابطه بین شرکاء مسئولیت هریک از آنها در پرداخت بدهی های شرکت به نسبت سرمایه ای خواهد بود که در شرکت گذاشته است، مشروط بر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نشده باشد.

ماده ۷۸۳: هر کس به عنوان شریک در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، متضامناً با سایر شرکاء مسئول دیونی که شرکت قبل از ورود او داشته، هم خواهد بود اعم از این که در نام شرکت تغییر داده شده یا نشده باشد.

ماده ۷۸۴: هرگاه شرکت تضامنی منحل شود تا زمانی که بدهی های شرکت از دارایی آن پرداخت نشده هیچ یک از بستانکاران شخصی شرکاء حقی در دارایی شرکت نخواهد داشت.

اگر دارایی شرکت برای پرداخت بدهی های آن کافی نباشد، بستانکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا هریک از شرکاء مطالبه کنند. ولی در این مورد بستانکاران شرکت بر بستانکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

هر توافقی بین شرکاء بر خلاف این ترتیب در مقابل اشخاص ثالث باطل و بی اثر خواهد بود.

ماده ۷۸۵: بستانکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تامین یا وصول کنند ولی م میتوانند نسبت به سهم مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند.

بستانکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها نباشد، می توانند

انحلال شرکت را تقاضا نمایند مشروط بر آن که لااقل ۱۸۰ روز قصد خود را به وسیله اظهار نامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء میتوانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با پرداخت طلب بستانکاران مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده ۷۸۶: مدیون شرکت نم‌یتواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند شریک نیز نمی‌تواند در مقابل دینی که ممکن است بستانکاران او به شرکت داشته باشند به تهاتر استناد نماید. با این وجود کسی که بستانکار شرکت و مدیون یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او دریافت نشده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده ۷۸۷: ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده ۷۸۸: در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از بستانکاران شخصی یکی از شرکا به موجب ماده ۷۸۵ انحلال شرکت را تقاضا کند سایر شرکاء می‌توانند سهم آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۷۸۹: اگر در نتیجه ضررهای وارده سرمایه شرکت کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است

ماده ۷۹۰: جز در موارد فوق، نمی‌توان هیچ یک از شرکا را به تکمیل سرمایه که به علت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرد و یا او را مجبور نمود بیش از آنچه که در اساسنامه مقرر شده است به شرکت سرمایه دهد.

ماده ۷۹۱: نحوه دعوت، تشکیل جلسات حدنصاب و رای گیری از شرکا در شرکت تضامنی همانند شرکت با مسئولیت محدود می‌باشد.

ماده ۷۹۲: در شرکت تضامنی تصمیم در اموری که به موجب این قانون یا اساسنامه شرکت به عهده شرکاء می‌باشد با موافقت تعداد حداقل دو سوم شرکاء که دست کم به همان میزان

دارای سرمایه در شرکت باشند، اتخاذ می گردد، مگر در موارد زیر که حد نصاب های مزبور باید حداقل به سه چهارم برسد:

۱- انحلال شرکت

۲- تغییر مفاد اساسنامه

۳- تبدیل شرکت

تبصره: ادغام شرکت تضامنی در صورت موافقت تمامی شرکا امکان پذیر است.

ماده ۷۹۳: شرکت تضامنی در موارد زیر منحل می شود.

۱ در صورت موافقت همه شرکاء

۲ در صورت فسخ شرکت توسط هریک از شرکاء مطابق ماده ۷۹۴ و ۷۹۵

۳ در صورت ورشکستگی هریک از شرکا مطابق ماده ۷۹۶

۴ در صورت فوت یا حجر هریک از شرکاء مطابق ماده ۷۹۷

۵ در صورتی که یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته، و حکم به انحلال بدهد.

تبصره: هرگاه دلایل انحلال منحصرًا مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه میتواند به تقاضای سایر شرکا به جای انحلال شرکت حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

۶ در صورتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن باشد.

۷ در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منتهی شده باشد مگر آنکه مدت مذکور قبل از انقضاء تمدید شده باشد.

۸ در صورت ورشکستگی شرکت

۹ در صورت ادغام شرکت در شرکت دیگر

ماده ۷۹۴: فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و شریکی که قصد فسخ دارد مراتب را لااقل شش ماه قبل به تمامی شرکاء و مدیرعامل شرکت طی اظهارنامه رسمی اعلام نموده باشد. اگر مطابق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل م ی آید.

ماده ۷۹۵: چنانچه سایر شرکا، شریک یا شرکایی را که مایل به فسخ شرکت می باشند از تصمیم خود منصرف نکنند، شرکت با انقضاء مهلت شش ماه مقرر در ماده بالا منحل تلقی گردیده و تصفیه می شود.

ماده ۷۹۶: شرکت هنگامی به علت ورشکستگی هریک از شرکاء منحل می شود که مدیر تصفیه شریک ورشکسته تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تاریخ ابلاغ تقاضای مزبور شش ماه گذشته و سایر شرکاء، مدیر تصفیه مزبور را از تصمیم خود منصرف نکرده باشد.

ماده ۷۹۷: در صورت فوت یا حجر هر یک از شرکاء بقای شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی یا محجور خواهد بود. اگر سایر شرکاء تصمیم به بقاء شرکت داشته باشند باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ فوق مراتب را در روزنامه شرکت درج و به قائم مقام متوفی یا محجور اعلام نمایند. قائم مقام مزبور مکلف است ظرف سه ماه رضایت یا

عدم رضایت خود راجع به بقاء شرکت را به شرکاء اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نماید نسبت به فعالیت شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود. سکوت تا انقضای سه ماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۷۹۸: نحوه اداره شرکت، شرایط انتخاب، اختیارات و مسئولیت های مدیران در شرکت تضامنی، در اساسنامه تعیین می شود، این حکم نمی تواند مسئولیت تضامنی شرکاء در مقابل اشخاص ثالث را نفی کند.

ماده ۷۹۹ : چنانچه به موجب اساسنامه، برای شرکت بازرسی تعیین شده باشد، تمامی شرایط لازم جهت انتخاب، وظایف و اختیارات، محدودیت ها و مسئولیت های بازرسی در شرکت های با مسئولیت محدود شامل چنین بازرسی نیز خواهد بود.

ماده ۸۰۰ : تشریفات و نحوه تصفیه شرکت تضامنی مشمول مقررات تصفیه شرکت های با مسئولیت محدود م یباشد.

ماده ۸۰۱ : اداره امر تصفیه شرکت تضامنی بوسیله یک یا چند مدیر تصفیه انجام می گیرد که از حیث شرایط انتخاب ، وظایف، اختیارات محدودیت های قانونی و مسئولیتها، تابع مقررات مدیران تصفیه شرکت های با مسئولیت محدود می باشند.

ماده ۸۰۲ : تبدیل شرکت تضامنی به سایر شرکت ها ممنوع می باشد.

فصل سوم: ادغام و تجزیه شرک تها

ماده ۸۰۳ : ادغام و تجزیه شرکت های تجاری، بدون نیاز به تصفیه و با رعایت شرایط و تشریفات مقرر در این قانون مجاز می باشد.

ماده ۸۰۴ : انتقال و ثبت دارایی ها در دفاتر مالی در امر تجزیه و ادغام به ارزش دفتری نیز مجاز می باشد.

ماده ۸۰۵ : ادغام شرکت های تجاری به دو صورت یک جانبه و دو (یا چند) جانبه امکان پذیر می باشد.

ماده ۸۰۶ : ادغام یک جانبه از طریق جذب یک یا چند شرکت با محو شخصیت حقوقی (به عنوان شرکت یا شرکت های ادغام شونده) در شرکت موجود با حفظ شخصیت حقوقی (با عنوان شرکت پذیرنده ادغام) انجام می پذیرد و ادغام دو (یا چند) جانبه از

طریق ادغام دو یا چند شرکت ادغام شونده با محو شخصیت حقوقی آنها و ایجاد شرکت جدید صورت می پذیرد. هریک از شرک تهای مزبور، شرکت طرف ادغام نامیده می شوند.

ماده ۸۰۷ : ادغام شرکت های تجاری در موارد زیر ممنوع است:

۱ ادغام شرکت سهامی عام در شرکت سهامی خاص.

۲ ادغام شرکت سهامی عام در شرکت با مسئولیت محدود.

۳ ادغام شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس در شرکت سهامی عام پذیرفته نشده در بورس.

۴ ادغام شرکت عام پذیرفته نشده در بورس در شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس، مگر با رعایت مقررات بورس

ادغام شرکت تضامنی در سایر انواع شرکت های تجاری ممنوع است لیکن ادغام این نوع شرکت در شرکت تضامنی دیگر صرفاً با موافقت همه شرکا امکان پذیر است.

ماده ۸۰۸ : پس از ثبت ادغام در مرجع ثبت شرکت ها، تمامی دارایی ها، حقوق، تعهدات، دیون و مطالبات شرکت های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده و یا شرکت جدید منتقل خواهد شد.

تبصره: با ارائه گواهی ثبت ادغام مراجع ذیربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظفند نسبت به اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام پذیرنده ادغام یا شرکت جدید اقدام کنند.

ماده ۸۰۹ : سهامداران یا شرکا شرکت های موضوع ادغام، به ازاء سهام و سهم الشرکه خود که مشمول ادغام م یباشند، سهام و یا سهم الشرکه شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید را دریافت می دارند.

ماده ۸۱۰ : برای ادغام ، مدیران شرکت موظفند بدواً موافقت کلی مجمع عمومی فوق العاده در شرکت های سهامی یا شرکاء در سایر شرک تنها را با ایده ادغام کسب کنند.

ماده ۸۱۱ : در تمامی شرکت های طرف ادغام، طرح مشترک ادغام باید به وسیله هیات مدیره و در شرکت هایی که هیات مدیره پیش بینی نشده است، به وسیله مدیرعامل مطابق ماده

۸۱۲ این قانون به مجمع عمومی فوق العاده در شرکت سهامی و شرکاء در سایر شرکتهارائه گردد. هیات مدیره باید طرح ادغام را همراه با گزارش بازرسی در شرکت هایی که بازرسی در آنها وجود دارد به مجمع ارائه دهد.

ماده ۸۱۲ : طرح مشترک ادغام بایستی متضمن جزییات ادغام به ویژه موارد زیر بوده و به تصویب هیات مدیره همه شرک تهای طرف ادغام برسد.

۱ گزارش توجیهی مالی و اقتصادی

۲ توصیف و ارزیابی دارایی ها و تعهداتی که باید به شرکت پذیرنده ادغام منتقل شوند.

۳ تاریخ هایی که در آنها شرکت های طرف ادغام، صور تهای مالی مربوط به ادغام را قطعی و تنظیم نموده اند.

۴ تعیین بستانکاران و نوع طلب آنها و تفکیک نحوه ایفاء تعهدات شرکت

۵ تفکیک اوراق مشارکت قابل تبدیل یا غیر قابل تبدیل به سهام.

۶ طرح اساسنامه شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، اسامی مدیران و اعلام قبولی آنها

۷ نحوه تعویض سهامی که در اثر ادغام، امکان تبدیل آنها نیست.

۸ تبیین شیوه های ارزیابی بکار رفته و محاسبه سهام معاوضی

۹ میزان و نسبت سهام یا سهم الشرکه در شرکت جدید یا ادغام پذیر به ازاء سهام یا سهم الشرکه سهامداران یا شرکاء و یا دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام در شرکت با شرکت های طرف ادغام.

۱۰ تعیین نحوه انتقال وثبت دارایی ها از جمله به روش ارزش روز یا دفتری.

ماده ۸۱۳ : پس از موافقت کلی مجمع یا شرکاء با ایده ادغام، تفاهم نامه ای متضمن موارد زیر میان مدیران شرکت های طرف ادغام مبادله خواهد شد.

۱ شرایط و اصول کلی ادغام

۲ تعیین مهلت زمانی برای تهیه طرح مشترک ادغام.

۳ تعیین مهلت زمانی برای مطرح ساختن طرح مشترک ادغام در مجمع (مهلت زمانی نباید بیشتر از سه ماه پس از تصویب طرح مشترک ادغام در هیات مدیره باشد).

ماده ۸۱۴: تصمیم هریک از شرکت های طرف ادغام باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ تصویب طرح ادغام به منظور اطلاع عموم در روزنامه هریک از شرکت های مزبور آگهی و برای نشر در روزنامه رسمی به مرجع ثبت شرک آنها ارسال شود.

ماده ۸۱۵: بستانکارانی که طلب آنها فاقد وثیقه است می توانند ظرف دو ماه پس از نشر آگهی ادغام در روزنامه شرکت نسبت به ادغام در مجمع عمومی، اعتراض نمایند. در این صورت شرکت مکلف به جلب رضایت بستانکاران و پرداخت فوری طلب حال شده بستانکاران معترض بوده و چنانچه موعد طلب چنین بستانکاری نرسیده باشد، باید نسبت به تامین وثیقه کافی مبادرت ورزد و یا رضایت بستانکاران مبنی بر انتقال طلب به شرکت جدید و یا شرکت ادغام پذیر را جلب نماید. در غیر این صورت هریک از بستانکاران فاقد وثیقه می تواند از دادگاه تجارتي صدور قرار دستور موقت مبنی بر تاخیر ثبت ادغام تا ارایه وثیقه کافی از سوی شرکت یا جلب رضایت بستانکار را تقاضا کند.

تبصره: در صورتی که بستانکاران و شرکت در قرارداد توافق دیگری کرده باشند طبق توافق عمل خواهد شد.

دادگاه تجارتي مکلف است خارج از نوبت در ماهیت دعوی اتخاذ تصمیم کند در هر حال تا تعیین تکلیف و اتخاذ تصمیم در ماهیت دعوی توسط دادگاه تجارتي رسیدگی کننده شرکت های طرف ادغام کماکان با حفظ شخصیت حقوقی به فعالیت ادامه می دهند.

ماده ۸۱۶: دارندگان اوراق مشارکت مشمول حکم ماده ۸۱۵ می باشند. چنانچه همه یا بخشی از اوراق مزبور، قابل تبدیل به سهام باشند و دارنده آن به طرح ادغام در مهلت مقرر اعتراض

نکند، کماکان تمامی حقوق ناظر به چنین اوراقی را در مقابل شرکت جدید یا شرکت ادغام پذیر دارا خواهد بود.

ماده ۸۱۷: شرکت های مشمول ماده ۶۱۷ نمی توانند در سایر شرکت ها ادغام شوند مگر آنکه قبلا اقدام لازم برای خروج از شرایط ماده مزبور را بعمل آورده باشند.

ماده ۸۱۸: هیات مدیره، در شرکتهایی که به موجب این قانون یا اساسنامه خود، دارای هیات مدیره می باشند و یا مدیرعامل در سایر شرکت ها، مکلفند پس از گذشت حداقل پنج ماه از تاریخ تصویب طرح مشترک ادغام توسط آخرین شرکت طرف ادغام و عدم وصول اعتراض و یا عدم صدور دستور تاخیر ثبت ادغام از سوی دادگاه تجارتي، درخواست ثبت ادغام را به همراه مدارک مذکور در ماده ۸۱۲ این قانون به مرجع ثبت شرکتهای ارایه نمایند. مدت مزبور به هیچ عنوان نباید از ۶ ماه تجاوز نماید. ثبت ادغام باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ثبت در روزنامه های شرکت های طرف ادغام منتشر گردد.

ماده ۸۱۹: در صورت خودداری مدیران از انجام تکلیف مقرر در ماده ۸۱۸ هر ذینفع می تواند با ارایه مدارک لازم ثبت ادغام را از مرجع ثبت شرکت ها درخواست نماید. چنانچه مرجع مزبور به هر دلیلی از ثبت ادغام خودداری نماید، متقاضی می تواند الزام مدیران و مرجع ثبت شرکت ها را از دادگاه تجارتي صالح درخواست نماید.

ماده ۸۲۰: تجزیه شرکت به دو صورت انجام می پذیرد:

الف بخشی از دارایی ها و تعهدات شرکت موجود با حفظ شخصیت حقوقی آن، به منظور تشکیل یک یا چند شرکت جدید اختصاص می یابد.

ب دارای یها و تعهدات شرکت موجود، به منظور تشکیل دو یا چند شرکت جدید اختصاص می یابد و شخصیت حقوقی شرکت موجود محو میگردد.

تبصره ۱: انتقال دارایی های موضوع این ماده به ارزش دفتری مجاز است.

تبصره ۲: براساس طرح تجزیه و با ارائه گواهی ثبت تجزیه شرکت مراجع ذیربط از جمله ثبت اسناد و املاک کشور موظفند نسبت به اصلاح اسناد و مدارک مربوط به شرکت های ناشی از تجزیه اقدام کنند.

بخش ششم

ماده ۸۲۱: هر شرکت تجاری، تنها به شرکتهای از نوع خود قابل تجزیه می باشد.

تبصره ۱: تجزیه شرکت تضامنی پس از تصفیه کلیه دیون و تعهدات شرکت و یا جلب رضایت همه بستانکاران و اشخاصی که شرکت در قبال آنها متعهد می باشد، مجاز است.

تبصره ۲: شرکت های پذیرفته شده در بورس باید قبل از تجزیه موافقت بورس را برای تجزیه اخذ نمایند.

ماده ۸۲۲: تخصیص سهام یا سهم الشرکه شرکت یا شرکت های ناشی از تجزیه به نسبت مشارکت سهامداران یا شرکا در شرکت موجود می باشد.

ماده ۸۲۳: مدیران شرکت مکلف به ارائه طرح تجزیه مشتمل بر موارد زیر می باشند:

۱ گزارش توجیهی از دلایل و جهات تجزیه.

۲ گزارش وضعیت فنی، مالی و اقتصادی شرکت قبل و بعد از تجزیه.

۳ تکفیک بستانکاران و نوع طلب آنها و نحوه ایفاء تعهدات شرکت.

۴ نحوه تجزیه دارای یها، تعهدات، سرمایه و وضعیت کارکنان شرکت.

۵ مقطع زمانی که ارقام صورت های مالی شرکت مورد تجزیه واقع می شود.

۶ چگونگی تجزیه اوراق مشارکت غیرقابل تبدیل به سهام شرکت.

۷ طرح اساسنامه شرکت ناشی از تجزیه، اسامی مدیران و اعلام قبولی آنها.

۸ نحوه تجزیه دارای یهای نامشهود (اعم از ثبت شده و ثبت نشده).

۹ تعیین نحوه انتقال و ثبت دارایی ها از جمله به روش ارزش روز یا دفتری.

ماده ۸۲۴ : تصمیم شرکت به تجزیه، بایستی ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ تصویب طرح تجزیه توسط مجمع عمومی فوق العاده یا شرکا به منظور اطلاع عموم در روزنامه شرکت آگهی شود.

بستانکاران و دارندگان اوراق مشارکت می توانند ظرف مدت دو ماه پس از نشر آگهی تجزیه اعتراض خود را به شرکت اعلام نمایند.

ماده ۸۲۵ : تجزیه شرکت هایی که اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر نموده اند، قبل از تبدیل اوراق مشارکت به سهام یا تسویه حساب با دارندگان این گونه اوراق، مجاز نمی باشد.

ماده ۸۲۶ : در صورت وجود بستانکار یا دارنده اوراق مشارکت معترض، مفاد مواد ۸۱۵ و ۸۱۶ این قانون لازمالرعایه م یباشد.

ماده ۸۲۷ : مدیران شرکت مکلفند پس از گذشت حداقل پنج ماه از تاریخ تصویب طرح تجزیه توسط شرکت و عدم وصول اعتراض و یا عدم صدور دستور تاخیر ثبت تجزیه از سوی دادگاه تجارتي، درخواست ثبت تجزیه را به همراه مدارک مذکور در ماده ۸۲۳ این قانون به مرجع ثبت شرکتها ارایه نمایند، مدت مزبور به هیچ عنوان نباید از ۶ ماه تجاوز نماید ثبت تجزیه باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ثبت در روزنامه های شرکت های ناشی از تجزیه منتشر شود.

ماده ۸۲۸ : مادام که مراتب تجزیه شرکت به شرح مذکور در ماده شماره ۸۲۷ به ثبت نرسیده باشد، شرکت موجود همچنان شخصیت حقوقی خود را حفظ خواهد نمود.

ماده ۸۲۹ : در صورتی که ظرف مهلت مقرر درخواست ثبت تجزیه شرکت به شرح مذکور در ماده ۸۲۷ انجام نپذیرفته باشد، تمامی اقدامات انجام شده برای انجام امر تجزیه بی اثر است.

ماده ۸۳۰ : در صورت تحقق ادغام، یا تجزیه، در صورتی که براساس طرح ادغام و یا تجزیه، اموال دارای سند رسمی به شرکت یا شرکت های پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید حسب مورد انتقال نیافته باشد، ادارات ثبت املاک و اسناد و سایر مراجع ثبتی ذیربط نسبت به انتقال اموال مزبور اقدام خواهند کرد.

در صورت نیاز، مدیر یا مدیران شرکت پذیرنده ادغام و یا شرکت جدید، نماینده شرکت های موضوع ادغام و یا تجزیه و نیز شرکت های پذیرنده ادغام و یا شرکت جدیدی برای امضای اسناد یا ارائه درخواست هستند.

ماده ۸۳۱: شرکت های تجاری موجود باید حداکثر ظرف دو سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون نسبت به تطبیق وضعیت خود با یکی از انواع شرکتهای تجاری موضوع باب شرکت های تجاری این قانون و یا انحلال اقدام نمایند، در غیر اینصورت منحل محسوب شده و هرگونه فعالیتی به نام چنین شرکتی مشمول عنوان استفاده از موسسه موهوم تلقی خواهد شد. در صورت عدم اجرای تکلیف مقرر در این ماده، هر ذینفع می تواند از دادگاه تجارتي اعلام انحلال شرکت مزبور را درخواست کند.

ماده ۸۳۲: به محض تصویب طرح مشترک ادغام و یا طرح تجزیه در مجامع عمومی و شرکاء مربوطه، شرکت در حال ادغام یا در حال تجزیه تلقی می شود و باید به دنبال نام شرکت همه جا در مکاتبات و سربرگ شرکت قید شود. « در حال تجزیه » یا « در حال ادغام » عبارت فصل چهارم: مقررات نهایی (متفرقه)

ماده ۸۳۳: اتخاذ تصمیم در خصوص تطبیق مقررات اساسنامه شرکتهای تجاری موجود با مقررات این قانون و یا انحلال شرکت، در مورد شرکتهایی که به موجب این قانون و یا مقررات اساسنامه برای آنها مجمع عمومی عادی پی شبینی گردیده، با مجمع مزبور و در سایر شرکت ها با رای دارندگان بیش از نیمی از سرمایه معتبر است.

ماده ۸۳۴: شرکت های دولتی و شرکت های تعاونی مشمول مقررات این قانون هستند. لیکن در صورت وجود احکام متفاوت دیگری در سایر قوانین، آن احکام بر این گونه شرکتهای حاکم خواهند بود.

باب هفتم

بازسازی و ورشکستگی

فصل اول: بازسازی

ماده ۸۳۵ : تاجری که توانایی پرداخت دیون خود را ندارد ولی، به تشخیص سازمان بازسازی قادر به ادامه فعالیت تجارتي است مشمول بازسازی قرار می گیرد.

ماده ۸۳۶ : مضمولان ماده ۸۳۵ مکلف اند ظرف مدت سی روز از تاریخ شروع توقف در پرداخت دیون، درخواست رسیدگی به سازمان بازسازی را تسلیم کنند.

ماده ۸۳۷ : هیات تشخیص با درخواست یکی از اشخاص زیر، در خصوص ناتوانی تاجر از پرداخت دیون، توقف و تاریخ آن و همچنین شمول بازسازی یا ورشکستگی، ظرف یک ماه از تاریخ وصول درخواست، تصمیم م یگیرد. این مهلت ممکن است تا یک ماه تمدید شود.

۱- شخص تاجر.

۲- طلبکاری که طلب او ناشی از فعالیت تجارتي است.

۳- دادستان.

تبصره ۱ : بند (۲) شامل مطالبات کارگری، تامین اجتماعی، استیجاری و مالیاتی ناشی از فعالیت تجارتي نیز می شود.

تبصره ۲ : معیارهای احراز ناتوانی تاجر در پرداخت دیون، توقف و تاریخ آن و همچنین شمول بازسازی یا ورشکستگی، مطابق آیین نامه ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون، به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی، وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزارت دادگستری و به تصویب هیات وزیران م یرسد.

تبصره ۳: به درخواست هیات تشخیص، اشخاص ذ یربط موظفند نسبت به ارائه اطلاعات مربوط به تاجر که برای تصمی مگیری لازم است اقدام کنند. چنانچه تاجر اطلاعات لازم را به هیات تشخیص ارائه نکند یا مبادرت به ارائه اطلاعات غلط به هیات تشخیص کند، به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی از یکصد میلیون ریال تا دومیلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم میشود.

ماده ۸۳۸: هیات تشخیص مکلف است، پس از تصویب شمول بازسازی، موضوع را بی درنگ در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار آگهی کند

ماده ۸۳۹: هرگاه سند یا اطلاعات موضوع تبصره (۳) ماده ۸۳۷ در ادارات دولتی یا بانکها یا شهرداریها یا موسساتی که با سرمایه دولت تاسیس و اداره می شوند، موجود باشد و هیات تشخیص آن را درخواست کند، اداره یا سازمان مربوط مکلف است فوری دستور هیات تشخیص را انجام دهد، مگر اینکه ابراز سند یا اطلاعات درخواستی با مصالح سیاسی کشور یا نظام عمومی

منافات داشته باشد که، در این صورت، باید موارد با توضیح لازم به هیات تشخیص اعلام شود. چنانچه هیات تشخیص قانع نشود، باید به نحو مقتضی سند یا اطلاعات به هیات تشخیص ارایه شود. در صورت امتناع، کسی که مسئولیت عدم ارایه سند یا اطلاعات متوجه او است، پس از رسیدگی در هیات تشخیص و احراز تخلف در مرجع صالح به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱: تحویل اسناد سری دولتی باید با اجازه رییس قوه قضاییه باشد.

تبصره ۲: ادارات دولتی و بانکها و شهرداریها، و سایر موسسات یاد شده در این ماده در صورتی که خود نیز طرف دعوا باشند ملزم به رعایت مفاد این ماده خواهند بود.

تبصره ۳: چنانچه در موعدی که هیات تشخیص معین کرده است، متصرف اسناد و مدارک نتواند آن را ارایه کند، باید در پاسخ هیات تشخیص با ذکر دلیل تاخیر، تاریخ ابراز اسناد و اطلاعات را اعلام کند.

ماده ۸۴۰: در مواردی که ابراز اصل سند لازم باشد ادارات، سازمانها و بانکها پس از دریافت دستور هیات تشخیص، اصل سند را به طور مستقیم به هیات تشخیص می فرستند. فرستادن دفاتر جاری به هیات تشخیص لازم نیست و رونوشت بخش گواهی شده آن توسط مرجع مذکور کافی است.

ماده ۸۴۱: هیات تشخیص می تواند امر تحقیق و رسیدگی در خصوص موضوع بازسازی را به کارشناس ارجاع کند.

ماده ۸۴۲: تاجری که هیات تشخیص وی را مشمول بازسازی دانسته است، باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ اعلام هیات، طرح بازسازی را با نظارت کمیته های از نمایندگان طلبکاران تهیه و برای بررسی و تصویب به هیات ارایه کند. این مدت یک بار قابل تمدید است.

ماده ۸۴۳: هیات تشخیص موظف است پس از یک ماه از تاریخ وصول طرح، آن را بررسی کند. مدت مذکور حداکثر ۱۵ روز دیگر قابل تمدید است. در صورت عدم ارائه طرح بازسازی ظرف مهلت مقرر، هیات با صدور سند عدم امکان بازسازی،

پرونده امر را برای رسیدگی به ورشکستگی تاجر به دادگاه تجارتي می فرستد.

ماده ۸۴۴: هیات تشخیص پس از دریافت طرح بازسازی و بررسی آن در مهلت مقرر، حسب مورد یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند.

۱. تصویب طرح و ابلاغ آن برای اجرا.

۲. عودت طرح با اعلام موارد برای اصلاح به کمیته موضوع ماده ۴۸۲

۳. اصلاح طرح و ابلاغ آن برای اجرا.

۴. ارجاع موضوع برای اجرای مقررات ورشکستگی.

تبصره ۱: در صورت عودت طرح برای اصلاح، کمیته فوق موظف است ظرف سی روز طرح اصلاح

۳ و ۴ را انتخاب، شده را به هیات ارایه کند که در این صورت هیات یکی از تصمیمات بندهای ۱ می کند.

تبصره ۲: هیات تشخیص مکلف است بر اجرای مصوبات خود، از جمله طرح بازسازی، نظارت کند و در صورتی که در دوره بازسازی تشخیص دهد، طرح توفیقی ندارد، میتواند پرونده را به

دادگاه تجارتي براي اخذ تصميم راجع به ورشكستگي بفرستد. از تاريخ قطعيت صدور حكم ورشكستگي ماموريت سازمان بازسازي در مورد آن تاجر پايان يافته تلقى مي شود.

ماده ۸۴۵: طرح بازسازي بايد متضمن موارد زير باشد.

۱. نحوه ادامه فعاليت.

۲. نحوه مديريت طرح (شامل مجريان اصلي، چگونگي اجرا و نظارت بر آن).

۳. اسامي طلبكاران و نحوه پرداخت ديون.

۴. فهرست تعهدات و چگونگي ايفاء آنها.

۵. نحوه وصول مطالبات.

۶. دوره بازسازي طرح.

۷. تعيين تكليف در مورد كاركنان.

۸. ميزان منابع لازم و نحوه تامين آن.

۹. ادغام و تجزيه (براي شركت هاي تجارتي).

۱۰. اندازه و نوع فعاليت ها شامل افزايش، حذف و نوسازي آن ها.

۱۱. دارايي هاي مازاد قابل واگذاري و تعيين موارد مصارف وجوه حاصل از آن.

۱۲. اصلاحات لازم در اساسنامه

۱۳. صورتهای مالی حسابرسی شده برای شرکتها .

ماده ۸۴۶: اگر مواردی از اخراج کارگران به جهات اقتصادی در طرح پی شبنی شده باشد، هیات تشخیص فقط پس از استماع نظر نماینده کارگران می تواند طرح را تصویب کند. طرح بازسازی مصوب هیات لازم اجرا است.

ماده ۸۴۷ : طرح پس از تصویب، باید در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار آگهی شود، در صورتی که ظرف یک ماه از تاریخ آگهی اعتراضی نشود، مندرجات طرح در برابر اشخاص ذینفع قابل استناد است.

ماده ۸۴۸ : دوره بازسازی نباید از سه سال تجاوز کند. این مدت مانع اجرای مقررات ماده ۸۸۰ نخواهد بود.

ماده ۸۴۹ : اصلاح و تغییر طرح بازسازی در حین اجرا، با پیشنهاد تاجر، اخذ نظر کمیته طلبکاران، و تصویب هیات تشخیص و با رعایت مقررات این قانون امکان پذیر است.

ماده ۸۵۰ : رای هیات تشخیص بر اجرای بازسازی موجب حال شدن دیون موجب نمی شود و خسارت تاخیر تادیه را نیز قطع نمیکند.

تبصره: خسارت تاخیر تادیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام و تعیین می شود. به هر حال خسارت تاخیر تادیه نباید کمتر از ۶ درصد در سال باشد.

ماده ۸۵۱ : تصمیم هیات تشخیص مبنی بر شروع اجرای بازسازی موجب تعلیق تمامی دعاوی ناشی از فعالیت تجاری اقامه شده علیه تاجر که منشاء مطالبات آنها قبل از این تاریخ باشد. اعم از اینکه مربوط به محکومیت بدهکار به پرداخت وجه باشد، یا فسخ و ابطال قرارداد به نسبت عدم تادیه مبلغ مورد تعهد، م ی شود. همچنین کلیه عملیات اجرایی از طرف طلبکاران نسبت به اموال منقول و غیرمنقول تاجر را معلق میکند. مهلت پرداخت مورد توافق قبلی به حالت تعلیق در م ی آید و ترتیب تادیه بدهی مورد توافق بستانکار و بدهکار بی اثر میشود.

ماده ۸۵۲ : تا پایان مهلت اعلام طلب بستانکاران، دعاوی در جریان معلق می ماند. در مورد این دعاوی پس از پایان مهلت اعلام طلب، با حضور نماینده سازمان بازسازی به همراه بستانکار و بدهکار برای تعیین قطعی مبلغ و مسلم شدن طلب به جریان میافتد.

ماده ۸۵۳: هرگاه تمام یا برخی از اشخاص متعهد یا ضامن سند تجارتي به موجب آرای هیات تشخیص به طور جداگانه در حالت بازسازی قرار گیرند، بستانکار می تواند در هر آیین یا در تمام آنها مبلغ وصول نشده سند را اظهار کند.

ماده ۸۵۴: هیچ یک از مشمولان بازسازی امضا کننده سند تجارتي یا قائم مقام آنها، نم ی تواند پیش از پایان این دوره، برای وجهی که به صاحب چنین طلبی پرداخت میشود، به امضا کننده مشمول دیگر رجوع کند.

سازمان بازسازی با توجه به امکانات پرداخت مسئولان متضامن، مبلغ سند تجارتي را به نحوی در طرح پرداخت دیون آنها، تقسیم م ی کند که دارنده سند بیش از مبلغ آن وجهی دریافت نکند.

ماده ۸۵۵: هرگاه یک یا چندتن از مسئولان متضامن سند تجارتي ورشکسته شوند، مبلغ سند تجارتي یا باقیمانده آن که تادیه نشده است، فقط در همان آیین یا آیی نهایی ورشکستگی پرداخت می شود و به آیین یا آیی نهایی مسئولان سند مشمول بازسازی تحمیل نمی شود.

سازمان تصفیه امور ورشکستگی مکلف است ترتیبی اتخاذ کند که دارنده سند بیش از مبلغ آن وجهی دریافت نکند.

ماده ۸۵۶: اگر مسئولان اصلی سند تجاری یعنی براتکش برات فاقد قبولی، متعهد سفته و یا صادرکننده چک مشمول بازسازی نباشند، دارنده موظف است برای وصول مبلغ سند ابتدا به آنها مراجعه کند. در این حالت، دارنده فقط به همان اندازه که وجه سند پرداخت یا تأمین نشده می تواند در طرح بازسازی مسئول یا مسئولان دیگر سند، اظهار طلب کند، پرداخت سند تجاری در این

صورت تابع قواعد مقرر در مواد قبل خواهد بود. مسئولی که جزئی از مبلغ سند یا کل آن را می پردازد، مجاز است مطابق مقررات این قانون در آیین های موجود امضاء کنندگان مقدم اظهار طلب کند یا پس از پایان دوره بازسازی اقدام کند.

ماده ۸۵۷ : در مورد بازسازی و ورشکستگی اشخاصی که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی ۸۵۸ و ذیل ماده ۸۵۶ رعایت خواهد شد. ، ۸۵۷ ، دارند، نیز مفاد مواد ۸۵۴

ماده ۸۵۸ : اعمال حقوقی بدهکار مشمول بازسازی یا ورشکستگی بعد از شروع توقف پرداخت، بدین شرح ، قابل ابطال است:

هر نقل و انتقال رایگان راجع به منقول یا غیرمنقول. هر معامله معوض ضرری که در آن تعهدات بدهکار به بیش از یک پنجم قیمت زمان معامله از تعهدات طرف مقابل بیشتر باشد. تادیه هر دین قابل مطالبه به طریق غیر متداول تجارتي. تادیه زود هنگام هر دین موجد حتی به طریق متداول. ایجاد رهن یا هر نوع وثیقه برای تامین پرداخت طلب عادی مقدم بر آن.

ماده ۸۵۹ : در صورتی که انتقال رایگان ظرف ۶ ماه قبل از تاریخ توقف پرداخت بعمل آمده باشد، قابل ابطال است.

ماده ۸۶۰ : تادیه زود هنگام دین از طریق سند تجارتي به حقوق دارنده با حسن نیت خدشه ای وارد نمی کند. در صورتیکه انتقال دهنده سند تجارتي، با آگاهی از توقف صادرکننده مبادرت به انتقال سند کند، ملزم به بازپرداخت مبلغ تادیه شده آن است.

ماده ۸۶۱ : اگر در دادگاه تجارتي ثابت شود که معامله صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله باطل و عین و منافع موضوع معامله مسترد می شود، و اگر طرف معامله به لحاظ پرداخت وجه یا تملیک مالی بستانکار باشد، برابر مقررات بازسازی یا ورشکستگی نسبت به تادیه آن اقدام خواهد شد.

ماده ۸۶۲ : دعوی ابطال به وسیله سازمان بازسازی و یا سازمان تصفیه امور ورشکستگی قابل طرح در دادگاه تجارتي است.

ماده ۸۶۳ : اگر قبل از شروع بازسازی یا ورشکستگی تاجر، شخصی اوراق تجارتي به او داده باشد تا وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاه دارد یا به مصرف معینی برساند و وجه اسناد وصول یا تادیه نشده و عین اسناد در حین بازسازی یا ورشکستگی نزد آن شخص موجود

باشد، صاحبان آن می توانند عین اسناد را استرداد کنند و چنانچه وجه اسناد وصول شده ولی تادیه نشده باشد، مسترد میشود.

ماده ۸۶۴ : کالایی که نزد تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی امانت بوده یا به او داده شده است که به حساب صاحب کالا به فروش برساند، تا زمانی که عین آن نزد تاجر یا نزد شخص دیگری که از طرف آن تاجر به امانت یا برای فروش گذارده شده است موجود باشد، قابل استرداد است و چنانچه کالا فروخته شده باشد بهای آن مسترد می شود.

ماده ۸۶۵ : کالاهایی که تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است، اگر قیمت آن پرداخت نشده باشد از طرف فروشنده والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ماده ۸۶۶ : هرگاه تمام یا قسمتی از کالایی که برای فروش به تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی داده شده است معامله شده و به گونه ای با خریدار احتساب نشده است از طرف صاحب مال قابل استرداد است، اعم از این که نزد تاجر مزبور یا خریدار باشد.

ماده ۸۶۷ : اگر کالایی که برای تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی حمل شده قبل از وصول از روی صورتحساب یا بارنام های که دارای امضای ارسال کننده است، به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی شود، والا مطابق ماده ۸۶۵ قابل استرداد است. استردادکننده باید وجوهی را که به عنوان علی الحساب یا مساعده گرفته است، خواه از بابت کرایه

حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره باشد، بپردازد.

ماده ۸۶۸ : هرگاه شخصی کالایی را به تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی فروخته باشد ولیکن هنوز آن جنس نه به خود تاجر تسلیم شده و نه به شخصی دیگر که به حساب او بیاورد، آن شخص می تواند به اندازه ای که وجه آن را نگرفته است از تسلیم کالا امتناع کند.

ماده ۸۶۹ : در مورد ماده ۸۶۷ و قسمت اخیر ماده ۸۶۸ ، سازمان بازسازی، با اجازه هیات تشخیص و یا سازمان تصفیه امور ورشکستگی، می تواند تسلیم کالا را تقاضا کند ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر مشمول بازسازی یا ورشکسته مقرر است، احتساب نماید.

ماده ۸۷۰ : در صورتی که معامله پیش از شروع بازسازی از طریق دادگاه باطل یا به دلیل تحقق شرط مندرج در قرارداد فسخ شود و عین کالا به هر اندازه موجود باشد، قابل استرداد است.

همچنین، هنگامی که حکم به فسخ قرارداد بعد از شروع بازسازی یا ورشکستگی صادر شده و دعوی نیز قبل از این تاریخ، به جهتی غیر از پرداخت ثمن، مطرح شده باشد، استرداد کالا قبول می شود.

ماده ۸۷۱ : تقاضای استرداد اموال منقول موضوع مواد ۸۶۳ الی ۸۷۰ فقط ظرف سه ماه از تاریخ انتشار آگهی بازسازی یا ورشکستگی موضوع مواد ۸۳۸ و ۹۴۸ قابل طرح است.

ماده ۸۷۲ : در صورتی که شرکاء ضامن در شرکت تجاری ورشکسته، به پرداخت دیون بی محل آن برابر مقررات و حکم دادگاه تجاری اقدام نکنند، هیات باید برای هر یک طبق مواد ۸۹۸ به بعد این قانون بازسازی مالی در نظر بگیرد. در صورت عدم امکان بازسازی، دادگاه تجاری می تواند طبق همین مقررات حکم ورشکستگی آنها را صادر کند.

ماده ۸۷۳ : وقتی بازسازی یا ورشکستگی تاجر شروع میشود، مقررات مواد بعد نسبت به مدیران آن اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و همچنین نسبت به اشخاص حقیقی نماینده آن اشخاص حقوقی قابل اجرا است.

ماده ۸۷۴ : چنانچه به هنگام بازسازی یا ورشکستگی تاجر، معلوم شود کمبود یا عدم کفایت دارایی برای تادیه دیون، معلول تخلف مدیران یا اشخاص دیگری بوده است، دادگاه تجاری می تواند، به تقاضای هر ذینفع، مدیران یا آن اشخاص را به پرداخت تمام یا بعض کمبود دارایی شخص تاجر به نحو تضامن یا انفرادی یا تسهیم محکوم کند.

ماده ۸۷۵ : تعقیب حقوقی مدیران و اشخاص مذکور در ماده فوق باید ظرف دو سال از تاریخ تصویب طرح بازسازی یا در صورت صدور سند عدم امکان بازسازی از تاریخ صدور حکم ورشکستگی بعمل آید.

ماده ۸۷۶ : مبالغی که در اجرای ماده ۸۷۴ وصول می شود جزء دارایی تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی منظور شده و در حالت ادامه فعالیت تاجر مطابق شرایط مصرح در طرح بازسازی صرف پرداخت دیون م ی شود. در صورت صدور حکم ورشکستگی تاجر، این وجوه برای طلبکاران اختصاص م ییابد.

ماده ۸۷۷ : دادگاه تجارتي م ی تواند طبق همین مقررات برای تاجری که طبق ماده ۸۷۴ محکومیت حاصل کرده، ولی تامین محکوم به ممکن نشده است، حکم ورشکستگی صادر کند.

ماده ۸۷۸ : در صورتی که ادامه فعالیت تاجر اقتضاء کند، هیات تشخیص در تصمیم خود راجع به تصویب طرح یا اصلاح آن می تواند مقرر کند که برای مدتی معلوم و حداکثر تا خاتمه دوره بازسازی، بدون کسب مجوز از هیات، اموال مشخصی مقید یا منتقل نشود یا قابل توقیف نباشد.

ممنوعیت های معاملات اموال غیرمنقول و منقول قابل ثبت تاجر، به اداره ثبت اسناد و املاک یا سایر مراجع ذیربط برای اقدام مقتضی و به تمامی دفاتر اسناد رسمی برای اطلاع ابلاغ می شود.

ماده ۸۷۹ : معاملات و هر توقیف و تامین مغایر مقررات موضوع ماده ۸۷۸ به تقاضای هر ذینفع ظرف مدت دو سال از تاریخ انعقاد معامله یا اجرای تامین حسب مورد قابل ابطال و رفع در دادگاه تجارتي است.

ماده ۸۸۰ : خریداران سهم الشرکه و سهام جدید اعم از شرکاء یا صاحبان سهام سابق یا پذیره نویسان موظفند فوراً تمامی تعهدات خود را در قبال سهام الشرکه یا سهام خریداری شده اجرا کنند. ولی آنها م ی توانند تا سقف مطالبات مورد قبول و مشمول

ارفاق (ابراء و اقساط) در طرح در « شرکت در حال بازسازی » بازسازی به تهاتر استناد کنند. در دوران بازسازی، درج عبارت اعلامیه پذیره نویسی الزامی است.

در حال « ماده ۸۸۱ : تاجر در حال بازسازی مکلف است در سربرگها و مکاتبات خود، عنوان را ذکر کند. » بازسازی

ماده ۸۸۲ : هیات تشخیص اقساط مورد پذیرش بستانکاران را تنفیذ و موارد ابراء را قید می کند. این براءت ها و اقساط ممکن است در هیات تشخیص کاهش یابد. برای طلبکاران دیگر، مهلت های یکنواخت پرداخت در نظر گرفته می شود. به استثنای مطالبات موجد که وعده های طولانی تر مورد توافق پیش از شروع بازسازی به اعتبار خود باقی م یماند. مهلت های مذکور در این ماده می تواند از طول مدت مورد پیش بینی برای اجرای طرح بیشتر باشد.

ماده ۸۸۳ : طرح ادامه فعالیت می تواند متضمن پیش بینی حق انتخاب بستانکاران در وصول مبلغی کمتر از سقف طلب در برابر سررسیدی به تناسب کوتاه تر باشد. در این صورت، اقساط طلب باید در طول مدت اجرای طرح خاتمه یابد. همچنین، کاهش میزان طلب نیز فقط پس از پرداخت آخرین قسط در سررسید معین طبق شرایط مذکور در طرح قطعیت مییابد.

ماده ۸۸۴ : مطالبات جزئی اشخاص از شخص حقوقی مشمول طرح بازسازی تا سقف یک میلیون ریال، در صورتی که از پنج درصد دیون تشخیص و تصدیق شده تجاوز نکند، بدون ابراء و قسط بندی با حق تقدم برای طلبهای نازل تر بی درنگ قابل پرداخت است. این ترتیب، زمانی که مجموع مطالبات شخص بستانکار بر اثر انتقال حقوق دیگران از یک دهم میزان یاد شده تجاوز کند، قابل اجرا نیست.

تبصره: حدنصاب تعیین شده در این ماده مطابق قاعده کلی سایر حدنصابهای این قانون هر پنج سال مطابق با نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی تعدیل میشود.

ماده ۸۸۵ : مطالبات کارکنان از جمله حقوق و مزایای معوقه و نیز مطالبات ناشی از پاداش سنوات و خسارت اخراج در صورتیکه کمتر از نود روز حداقل حقوق باشد، بدون ابراء و قسط بندی قابل پرداخت است

ماده ۸۸۶ : درج طلب در فهرست طلبکاران طرح بازسازی، با کسر ابرائات و قبول اقساط بوسیله بستانکار، به معنای پذیرش قطعی طلب است. مطالبات مورد اختلاف، فقط پس از پذیرش قطعی آنها در فهرست بستانکاران، قابل پرداخت است. با وجود این، هیات تشخیص ممکن است پرداخت قسط طلب مورد اختلاف را به طور کلی و جزئی قبل از قطعیت منظور شدن آن در فهرست، اجازه دهد.

ماده ۸۸۷ : ممکن است مال مرهون را با موافقت صاحب حق و تصویب هیات تشخیص با مال دیگر که امتیازی معادل به طلبکار م ی دهد، جایگزین کرد.

ماده ۸۸۸ : هر گونه تقسیم سود سهام یا پرداخت آن به سهامداران در دوره بازسازی ممنوع است.

ماده ۸۸۹ : اگر تاجر به تعهدات مالی خود ظرف مهلت های مقرر در طرح عمل نکند، یک یا چند طلبکار با مجموع حداقل ۲۰٪ کل مطالبات می توانند، پس از اعلام سازمان بازسازی، از هیات تشخیص اعلام شکست طرح را بخواهند. هیات تشخیص در صورت پذیرش تقاضای فوق مکلف است حداکثر ظرف سه ماه نسبت به وضعیت تاجر به یکی از طرق زیر اتخاذ تصمیم کند.

۱- واگذاری کلی و یا جزئی بنگاه.

۲- اصلاح طرح بازسازی.

۳- تغییر مدیران طرح.

۴- صدور سند عدم امکان بازسازی و درخواست حکم ورشکستگی.

ماده ۸۹۰ : واگذاری ممکن است به صورت انتقال تمام یا بخشی از اموال، دارایی و فعالیت های تاجر صورت پذیرد. منظور از فعالیت، بخش قابل تفکیک از مجموعه دارایی یا عوامل تولید است که می تواند جداگانه بکار گرفته شود تا کالا یا خدمت معینی را ایجاد کنند.

ماده ۸۹۱ : اموالی که در طرح بازسازی، برای واگذاری یا ادامه فعالیت تعیین تکلیف نشده است، پس از تایید هیات تشخیص باید فروخته شود.

ماده ۸۹۲ : شرایط و نحوه واگذاری فعالیتها، با اولویت ادامه فعالیت و رعایت غبطه بستانکاران، براساس پیشنهاد تاجر و تصویب هیات تشخیص، تعیین می شود.

تبصره: هیات تشخیص اولویت ادامه فعالیت را در پیشنهادهای واصله بررسی و بهترین پیشنهاد را تایید میکند. در صورتی که پیشنهادها، از حیث تضمین ادامه فعالیت در شرایط مساوی باشند، پیشنهادی مورد تایید قرار م یگیرد که در آن رعایت غبطه بیشتر بستانکاران باشد.

ماده ۸۹۳ : در اجرای طرح مصوب هیات تشخیص، در صورت امتناع شخص بدهکار، سازمان بازسازی می تواند به تنهایی اقدامات لازم از جمله امضاء کلیه اسناد رسمی انتقال اموال منقول و غیرمنقول بنگاه را، به منظور تحقق واگذاری، انجام دهد و حضور شخص بدهکار لازم نیست.

ماده ۸۹۴ : تا زمانی که اقدامات یاد شده در ماده قبل پایان نیافته است، سازمان بازسازی می تواند به مسئولیت خود اداره بنگاه مورد واگذاری را به انتقال گیرنده بسپارد، مشروط بر آنکه ابتدا حداقل یک سوم ثمن معامله از طرف خریدار پرداخت شده باشد، تقسیط بقیه ثمن با رعایت مقررات ماده ۵۱ امکان پذیر است.

ماده ۸۹۵ : با پرداخت کامل ثمن واگذاری و اجرای کامل مقررات ماده ۸۸۶ و ماده ۸۹۳ ، بازسازی پایان می پذیرد. در صورت اجرای واگذاری جزئی، مبالغ دریافتی برای اجرای طرح بازسازی در اختیار شخص بدهکار قرار می گیرد. از آن تاریخ ، انتقال گیرنده مالک دارایی خالص بنگاه مورد واگذاری، بدون احتساب دیون شخص بدهکار است.

تبصره: در موردی که واگذاری شامل انتقال ابزار، ادوات و تجهیزاتی که تاجر برای آنها تضمین سپرده است، با انتقال آنها، تضمینات مزبور نیز به عهده شخص انتقالگیرنده منتقل میشود و وی ملزم به اجرای تعهدات مربوط در سررسید های تعیین شده خواهد بود.

ماده ۸۹۶ : در طرح ادامه فعالیت، نقل و انتقالات سهام یا سهم الشرکه شرکاء به استثناء مدیران در شرکتهای تجارتي، طبق مقررات اساسنامه و قانون آزاد است.

ماده ۸۹۷ : در صورت عدم پرداخت ثمن طبق شرایط مصرح در پیشنهاد مصوب، هیات تشخیص می تواند، راساً یا به درخواست سازمان بازسازی یا هر ذینفع و از جمله پیشنهاددهنده مردود، قرارداد واگذاری را باطل اعلام و با همان طرح بازسازی یا با طرحی نو به پیشنهاددهنده یا پیشنهاددهندگان جدید واگذار کند. در این خصوص هیات ممکن است به سازمان بازسازی ماموریت جدید بدهد و حدود آنرا مشخص کند.

ماده ۸۹۸ : تصمیم هیات تشخیص دایر بر تصویب واگذاری کامل سبب حال شدن دیون موجب می شود و ثمن واگذاری به وسیله سازمان بازسازی میان بستانکاران با رعایت حق تقدم آنان تقسیم می شود. هیات تشخیص، پس از اقدام لازم برای واگذاری، پایان عملیات انتقال و بازسازی را اعلام م ی دارد.

ماده ۸۹۹ : در موردی که واگذاری بنگاه متضمن انتقال اموال مقیدی است، واگذاری با حفظ حقوق بستانکاران اموال با وثیقه انجام می شود.

ماده ۹۰۰ : بازسازی مالی شامل تاجر حقیقی متوقف از پرداخت دینی می شود که پیش بینی شود با اعمال بازسازی می تواند ظرف دو سال تمام بدهی یا ظرف یکسال سه چهارم بدهی خود را بپردازد. تاجر باید با ارسال مدارک زیر بازسازی مالی را از هیات تشخیص درخواست کند.

۱- دفاتر تجاری.

۲- صورت ریزداری و مشخصات کامل و بهای تقریبی آنها.

۳- صورت بستانکاران و بدهکاران با مشخصات کافی و نشانی کامل و میزان طلب و بدهی هر یک از آنان.

۴- صورت و مشخصات اموالی که در وثیقه دیگران است با ذکر اسامی دارندگان وثیقه.

۵- صورت و مشخصات اموالی که در اجرای تصمیمات قضایی توقیف شده است.

۶- صورت تمامی دعاوی حقوقی و اجرایی ههای صادر له یا علیه درخواست کننده.

۷- گواهی عدم سوء پیشینه درخواست کننده از جهات ارتکاب جرایم سرقت، اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری و جرایم در حکم آن، خیانت در امانت و جرایم در حکم آن، جعل، ورشکستگی به تقلب و تقصیر، تصرف غیرقانونی و جرایم در حکم آن در اموال دولتی و جرایم در حکم آن و عمومی و محرومیت کیفری موضوع ماده ۱۰۰۵ به بعد این قانون.

۸- فهرست تعهدات و نحوه ایفای آنها.

ماده ۹۰۱: هیات تشخیص در صورتی که کلیه مدارک لازم را در اختیار داشته باشد ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم درخواست با انجام بررسی لازم در خصوص حسابهای اموال، مطالبات و دیون، نسبت به مشمول بازسازی مالی تاجر و چگونگی اجرای آن تصمیم میگیرد. در صورت عدم امکان بازسازی مالی، هیات تشخیص می تواند موضوع را برای تصمیم در خصوص ورشکستگی به دادگاه تجارتي ارسال کند.

ماده ۹۰۲: هزینه های مربوط به چاپ و نشر آگهی، ارجاع امر به کارشناس و سایر هزینه هایی که به نظر هیات تشخیص برای اتخاذ تصمیم در باره مشمول بازسازی مالی برای تاجر ضروری است، توسط تاجر پرداخت م ی شود.

ماده ۹۰۳: به منظور انعقاد قرارداد ارفاقی، سازمان بازسازی پس از وصول کلیه مدارک فوق بستانکاران و بدهکار متقاضی را به جلس های که وقت آن، نباید زاید بر ۲۰ روز از تاریخ نشر آگهی باشد، دعوت می کند.

۹- جلسه فوق با حضور عده ای از بستانکاران که حداقل نصف بعلاوه یک از شمار بستانکاران و دوسوم مطالبات بدون وثیقه را دارا باشند، تشکیل می شود. در صورتی که اخذ تصمیم در جلسه اول مقدور نباشد جلسه دیگری به فاصله ۱۰ روز از جلسه اول تعیین میشود و روز و ساعت آن حضورا به شرکت کنندگان در جلسه و به وسیله مقتضی به سایر بستانکاران اعلام می شود. بستانکارانی که دارای وثیقه هستند حق رای ندارند، مگر آنکه از وثیقه خود صرف نظر کنند. عدم حضور اکثریت مذکور یا عدم اتخاذ تصمیم به منزله عدم امکان بازسازی مالی

است. هرگاه تصمیمی در جلسه اول یا دوم اتخاذ شود، حتی اگر یکی از بستانکاران فوق با حداکثر یک چهارم مطالبات هم، مخالف باشد، صورتجلسه های از آن ظرف مدت یک هفته به سازمان بازسازی برای اظهار نظر مجدد کلیه مخالفان و بستانکاران غایب اعلان میشود.

ماده ۹۰۴: بستانکاران غایب یا مخالف م میتوانند ظرف مدت یک هفته با تصمیم مزبور موافقت کنند. در صورتی که دارنده یا دارندگان بیش از یک چهارم مطالبات مستدلاً نسبت به آن تصمیم معترض باشند، می توانند ظرف مدت ۳ روز از تاریخ فوق اعتراض خود را تسلیم هیات تشخیص کنند. در صورتی که سازمان مذکور اعتراض یا اعتراضات را موجه تشخیص دهد، با صدور سند عدم امکان بازسازی موضوع را برای تصمیم در خصوص ورشکستگی به دادگاه تجارتي ارسال م یکنند.

ماده ۹۰۵: از تاریخ پذیرش درخواست بازسازی مالی تا اتخاذ تصمیم توسط هیات تشخیص، که در هر حال نباید از سه ماه تجاوز نماید، تاجر متقاضی می تواند اداره امور مالی و بازرگانی خود را فقط تحت نظر سازمان بازسازی ادامه دهد.

ماده ۹۰۶: هیات تشخیص، علاوه بر مورد مذکور در ماده ۹۰۰ این قانون، در موارد زیر نیز ضمن رد درخواست بازسازی مالی، سند عدم امکان بازسازی صادر و پرونده امر را به دادگاه تجارتي جهت رسیدگی به امر ورشکستگی ارجاع می کند.

۱۰- در صورتی که درخواست کننده قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده باشد یا نسبت به آن معامله صوری انجام داده یا به وسیله اسناد صوری اموال و مطالبات و دیون خود را به میزانی که حقیقت ندارد، وانمود کرده است.

۱۱- در صورتی که بستانکاران با اکثریت مذکور در ماده ۹۰۴ پیشنهادهای راجع به بازسازی مالی را تصویب نکنند.

۱۲- هرگاه، پس از وصول گزارش سازمان بازسازی، محرز شود که درخواست کننده قادر به پرداخت دیون خود به نحو مقرر در ماده ۹۰۰ نیست.

۱۳- هرگاه سازمان بازسازی به علت عدم همکاری تاجر درخواست کننده نتواند ظرف مهلت مذکور در ماده ۹۰۱ اتخاذ تصمیم میکند.

ماده ۹۰۷ : هرگاه پس از تصدیق تصمیم اکثریت مذکور در ماده ۹۰۳ ، دارنده یا دارندگان بیش از یک پنجم مطالبات، مدعی شوند که صورتحساب های غیرواقعی مبنای تصمیم اکثریت بستانکاران بوده است، میتوانند از هیات تشخیص درخواست لغو آن را بکنند. هیات پس از رسیدگی و احراز صحت ادعا، ضمن الغای تصمیم مذکور، سند عدم امکان بازسازی صادر میکند. همچنین است موردی که اجرای تمام یا قسمتی از تصمیمات اکثریت معطل بماند.

ماده ۹۰۸ : به منظور نیل به اهداف و اجرای مقررات بازسازی این قانون، هیات مرکزی و هیاتهای استانی تشخیص و همچنین سازمان بازسازی و دفاتر نمایندگی استانی آن به شرح مواد زیر تشکیل می شوند.

ماده ۹۰۹ : ترکیب هیات مرکزی تشخیص به قرار زیر است:

- ۱- نماینده وزیر بازرگانی به عنوان رئیس هیات.
- ۲- قاضی شاغل در دادگستری با انتخاب رئیس دادگستری محل.
- ۳- کارشناس امور مالی با انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی.
- ۴- کارشناس روابط کار با انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی.
- ۵- کارشناس امور صنعتی با انتخاب وزیر صنایع و معادن.
- ۶- کارشناس امور بانکی با انتخاب رئیس کل بانک مرکزی.
- ۷- نماینده اتاق صنایع، معادن و بازرگانی ایران و نماینده اتاق تعاون با تصویب هیات رئیسه اتاق های ذیربط که حسب موضوع و وضعیت شخص حقوقی یک نفر حق رای خواهد داشت.
- ۸- یک حقوقدان آشنا به حقوق بازسازی و ورشکستگی به انتخاب وزیر دادگستری.

ماده ۹۱۰ : شرایط و دوره انتخاب اعضای هیات مرکزی تشخیص به شرح زیر است:

۱- داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار مفید.

۲- داشتن حداقل مدرک لیسانس مرتبط.

۳- نداشتن سابقه کیفری موثر یا محکومیت قطعی به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب و محکومیت های ماده ۱۰۰۵ به بعد این قانون.

۴- دوره تصدی اعضای هیات ۴ سال است و هر منتخب نمی تواند در بیش از یک هیات تشخیص اعم از مرکزی و یا هیاتهای استانی عضو باشد.

ماده ۹۱۱ : هیات مرکزی تشخیص ضمن اعمال نظارت بر اجرای مقررات بازسازی، دارای وظایف و اختیاراتی به شرح زیر است:

۱- ایجاد رویه واحد در تصمیمات و اقدامات هیات های استانی تشخیص.

۲- نظارت بر حسن اجرای مقررات بازسازی این قانون و مصوبات هیاتهای استانی تشخیص.

۳- نظارت بر عملکرد سازمان بازسازی در اجرای تصمیمات هیات های استانی تشخیص.

۴- رسیدگی به تجدید نظر خواهی از آرای هیاتهای استانی تشخیص.

۵- رسیدگی به امر بازسازی تجاری که فعالیت آنها دارای اهمیت ملی است.

تبصره: تعیین ضوابط تشخیص اهمیت ملی برعهده این هیات است.

ماده ۹۱۲ : تشکیل جلسات هیات مرکزی تشخیص و اخذ تصمیمات آن برابر مقررات زیر است.

۱- جلسات هیات توسط رئیس آن و در غیاب او، توسط نایب رئیسی که با رای اکثریت اعضا انتخاب شده است، اداره می شود.

۲- جلسه هیات با حضور حداقل ۶ نفر از اعضا رسمیت م ییابد.

۳- تصمیمات هیات با رای حداقل ۴ نفر از آرای حاضر در جلسه معتبر است. در مواردی که تصمیم هیات تشخیص متضمن آثار قضایی است تصمیم مزبور در صورتی که متضمن نظر مثبت قاضی هیات باشد، نافذ است. تصمیم مزبور قابل تجدید نظر در دادگاه تجارتي است.

ماده ۹۱۳ : در هر استان حداقل یک هیات تشخیص تشکیل می شود دوره فعالیت و شرایط انتخاب هیاتهای استانی تابع قواعد مربوط به هیات مرکزی تشخیص است.
ترکیب هیات استانی تشخیص به قرار زیر است.

۱- نماینده وزارت بازرگانی به انتخاب رئیس سازمان بازرگانی استان

۲- قاضی شاغل در دادگستری به انتخاب رئیس دادگستری استان

۳- کارشناس امور مالی با انتخاب رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان

۴- کارشناس روابط کار با انتخاب رئیس اداره کل کار و امور اجتماعی استان

۵- کارشناس امور صنعتی با انتخاب رئیس سازمان صنایع و معادن استان

۶- کارشناس امور بانکی با انتخاب بانک مرکزی

۷- نماینده اتاق صنایع، معادن و بازرگانی ایران و نماینده اتاق تعاون با تصویب هیات رئیسه اتاق های ذیربط استان که حسب موضوع و وضعیت شخص حقوقی یک نفر حق رای خواهد داشت.

۸- ریاست هیات استانی به عهده نماینده سازمان بازرگانی استان است.

ماده ۹۱۴ : تشکیل جلسات هیات استانی تشخیص و اخذ تصمیمات آن برابر مقررات زیر است:

۱- جلسات هیات توسط رئیس آن و در غیاب او ، توسط نایب رئیسی که با رای اکثریت اعضا انتخاب شده است اداره می شود.

۲- جلسه هیات استانی تشخیص با حضور حداقل ۵ نفر از اعضا رسمیت مییابد.

۳-تصمیمات هیات با رای ۴ نفر از آرای حاضر در جلسه معتبر است.

ماده ۹۱۵ : علاوه بر وظایف و اختیاراتی که در مواد دیگر این قانون برای هیات تشخیص تعیین شده است، هیات تشخیص استانی در حوزه استان خود دارای وظایف و اختیاراتی به شرح زیر است.

۱- اتخاذ تصمیم در خصوص شمول یا عدم شمول بازسازی نسبت به تاجر.

۲- نظارت و هدایت بر مدیریت تاجر در دوران بازسازی.

۳- اعلام ختم دوره بازسازی یا قطع آن و یا ارجاع امر به دادگاه تجاری برای اتخاذ تصمیم در مورد ورشکستگی تاجر.

در صورتی که فعالیت تاجر در یک استان مستقر باشد به هیات تشخیص استان مزبور مرجع رسیدگی به امر بازسازی م یباشد و در صورتی که فعالیت تاجر در چند استان مستقر باشد، هیات مرکزی تشخیص مرجع رسیدگی به امر بازسازی است.

ماده ۹۱۶ : هیات های استانی تشخیص موظفند یک نسخه از مصوبات خود را به هیات مرکزی تشخیص ارسال کنند. در صورتی که ظرف مدت بیست روز، هیات مرکزی برآن ایراد نکند قطعی است.

ماده ۹۱۷ : سازمان بازسازی در قالب موسسه ای دولتی وابسته به وزارت بازرگانی تشکیل می شود و تشکیلات آن اعم از ستاد مرکزی و دفاتر نمایندگی استانی براساس پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و تصویب هیات وزیران تعیین خواهد شد.

ماده ۹۱۸ : ریاست سازمان بازسازی برعهده رئیس هیات مرکزی تشخیص است که به پیشنهاد وزیر بازرگانی و تایید هیات وزیران با حکم وزیر بازرگانی منصوب می شود. ریاست دفتر نمایندگی استان نیز برعهده رئیس هیات استانی تشخیص است که به معرفی رئیس سازمان بازرگانی استان و تایید و حکم رئیس سازمان بازسازی منصوب میشود.

ماده ۹۱۹ : سازمان بازسازی، علاوه بر وظایف و اختیارات پیش بینی شده در سایر مواد این قانون، دارای وظایف و اختیارات زیر است:

۱- نظارت بر مدیریت تاجر در چارچوب اجرای طرح بازسازی یا بازسازی مالی.

۲- نظارت بر اجرای طرح بازسازی یا بازسازی مالی تاجر.

۳- نظارت بر وصول مطالبات، واگذاری دارایی ها تاجر و پرداخت مطالبات بستانکاران براساس طرح بازسازی یا بازسازی مالی.

۴- تحصیل وجوه حاصل از واگذاری های جزئی و کلی و تقسیم بین بستانکاران یا اختصاص آن به سایر هزین ههای پی شبینی شده در طرح با اذن هیات تشخیص به عنوان امین اموال مطابق طرح بازسازی .

۵- اجرای وظایفی که از سوی هیات تشخیص در اجرای بازسازی به آن محول میشود.

ماده ۹۲۰ : دولت اجازه دارد براساس پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارت امور اقتصاد و دارایی، مقررات مالی و معاملاتی و استخدامی سازمان بازسازی دفاتر نمایندگی استانی و هیات های تشخیص را بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی و قانون استخدامی و سایر مقررات عمومی تصویب و برای اجرا ابلاغ کند

ماده ۹۲۱ : حقوق و مزایای مجریان و مدیران تاجر در دوره بازسازی، توسط هیات تشخیص تعیین می شود

ماده ۹۲۲ : منع صدور چک، موضوع مواد ۲۳۱ و ۲۳۲ مقررات چک این قانون در خصوص تاجری که با بازسازی وی موافقت شده است، با نظر هیات تشخیص ممکن است لغو شود.

ماده ۹۲۳ : مدیر تاجر و سازمان بازسازی در دوره بازسازی می توانند اعمالی را که برای اداره امور تاجر یا شرکت در حدود بازسازی لازم است انجام دهند، ولی، به رهن گذاشتن اموال، ارجاع دعاوی به داوری، مصالحه و لغو یا اصلاح قراردادها منوط به تصویب هیات تشخیص است.

ماده ۹۲۴ : موجر نمی تواند به علت عدم پرداخت اجاره بها ظرف مهلت مقرر، قرارداد اجاره را فسخ کند و یا حکم تخلیه اموال غیرمنقول محل فعالیت تاجر تحت بازسازی را درخواست کند و یا از دفترخانه یا اجرای ثبت، صدور اجراییه تخلیه و وصول اجاره بها را درخواست کند، مگر آنکه مال الاجاره بیش از پنج ماه از تاریخ شروع بازسازی معوق مانده باشد.

ماده ۹۲۵ : هیات تشخیص می تواند حسب مورد به تاجر یا سازمان بازسازی اجازه دهد که اموال منقول موجود در محل بنگاه را که فاسد شدنی است یا در معرض تنزل غیرمتعارف قیمت بوده و یا نگهداری آنها مستلزم صرف هزینه های نامتعارف باشد و فروش آن اموال به اجرای فعالیت اقتصادی تعیین شده در بازسازی لطمه وارد نمی کند و شخص حقوقی را زیر سؤال نمی برد را به فروش رساند.

ماده ۹۲۶ : شروط ضمن عقدی که تجزیه قرارداد را موجب بطلان آن بدانند و نیز شروطی که در صورت شروع بازسازی امکان فسخ یا ابطال معامله را پیش بینی کند، باطل است، قراردادهای کار مشمول مقررات این ماده نیست.

ماده ۹۲۷ : دیونی که پس از شروع بازسازی برای ادامه فعالیت بنگاه بر عهده تاجر ایجاد می شوند در سررسید قابل تادیه است. در صورت واگذاری کامل یا حصول ورشکستگی، یا دینی که در دوران ادامه فعالیت به هنگام اجل پرداخت نشده است نسبت به سایر مطالبات در تقدم قرار میگیرد.

ماده ۹۲۸ : در دوران بازسازی ترتیب اولویت پرداخت انواع دیون تاجر به شرح زیر است:

الف) دیون مربوط به دوران بازسازی.

ب) دیون مربوط به قبل از دوران بازسازی (با رعایت ترتیبات مقرر در طرح بازسازی). اولویت در دوران هر یک از بندهای الف و ب نیز به شرح زیر است:

۱- مطالبات کارگری.

۲- مطالبات تامین اجتماعی.

۳- اقساط و مهای اعطایی بانکها و موسسات اعتباری.

۴ - سایر دیون.

ماده ۹۲۹ : بعد از اعلان شروع بازسازی، هر بستانکار که منشاء طلب او پیش از تاریخ تحریر این تصمیم باشد طلب خود را متعاقب انتشار آگهی ماده بعدی به سازمان بازسازی اعلام میکنند.

ماده ۹۳۰ : سازمان بازسازی مکلف است پس از تصویب شروع بازسازی حداکثر ظرف یک هفته موضوع را در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار آگهی منتشر و نکات زیر را در آن قید کند.

۱- تاجر تحت بازسازی، اقامتگاه قانونی و تاریخ شروع بازسازی.

۲- لزوم مراجعه بستانکاران و سایر کسانی که ادعایی دارند به سازمان بازسازی ظرف یک ماه به همراه ارایه اسناد دیون حال شده اعم از وثیق هدار و بدون وثیقه. سازمان بازسازی می تواند این مدت را برای کسانی که در خارج اقامت دارند، یک ماه تمدید کند.

۳- لزوم معرفی بدهکاران دیون حال شده به سازمان بازسازی. متخلفین از این اخطار به جریمه نقدی معادل ۲۵٪ دین، در دادگاه صالح به نفع تاجر مشمول بازسازی محکوم می شوند به علاوه، دادگاه می تواند در صورت احراز سوء نیت، تاجر متخلف را به حبس تادیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم کند.

۴- لزوم معرفی اشخاصی که به هر عنوان اموال تاجر تحت بازسازی در اختیار آنها قرار دارد، و بنا بر رد آن اموال بوده است به سازمان بازسازی. اشخاص مذکور باید ظرف همان مدت سازمان بازسازی را در جریان امر قرار بدهند. تا در نخستین فرصت ممکن، به مورد رسیدگی و تعیین تکلیف شود. در غیر این صورت به همان مجازات های بند قبل محکوم م ی شوند.

آگهی موضوع این ماده در روزنامه دو بار به فاصله ده روز منتشر میشود

تبصره: بستانکاری که دعوی او علیه بدهکار در جریان رسیدگی است نیز مکلف به اعلام طلب می باشد.

ماده ۹۳۱: پس از انقضای موعد مقرر برای ارایه اسناد، سازمان بازسازی با جلب نظر تاجر به مطالبات، رسیدگی و آنها را تصدیق یا رد میکند.

سازمان بازسازی در صورت لزوم م میتواند دفاتر تجارتي بستانکار را ملاحظه کند.

ماده ۹۳۲: سازمان بازسازی مکلف است پس از انقضای موعد ارایه اسناد موضوع ماده ۹۳۰ حداکثر ظرف ۱۵ روز فهرستی از طلبکاران را بدون در نظر گرفتن امتیاز طلب هایی که وثیقه دارند تهیه کند سپس از طریق آگهی در روزنامه شرکت به اطلاع بستانکاران و کسانی که ادعای حقی نسبت به بدهکار دارند، برساند. همچنین قید بستانکارانی که ادعای آنها مردود شناخته می شود، به همراه درج علت آن، در فهرست مذکور ضروری است.

ماده ۹۳۳: شخصی که نسبت به فهرست مذکور اعتراضی داشته باشد، می تواند ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی ماده قبل به دادگاه صالح مراجعه کند.

ماده ۹۳۴: اسنادی که در ارایه آنها تاخیر شده است، در صورتی که عذر موجهی در بین باشد، تا قبل از تصویب طرح بازسازی توسط هیات تشخیص، پذیرفته می شود و اگر هزینه ای بر اثر این تاخیر پیش آمده باشد بر عهده مدعی طلب است.

ماده ۹۳۵: صورت قطعی مطالبات به انضمام اظهارنظر در نحوه پرداخت آنها بلافاصله به وسیله تاجر بدهکار، مآخذ قرار خواهد گرفت.

ماده ۹۳۶: در مواردی که تصمیم هیات تشخیص مستلزم تشکیل مجمع عمومی صاحبان سهام یا شرکا باشد، هیات مدیره یا مدیر شخص حقوقی موظف به تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق العاده است. در صورتی که به هر دلیل هیات مدیره یا مدیر شخص حقوقی به تشکیل مجمع اقدام نکند، سازمان بازسازی م میتواند نسبت به تشکیل مجمع اقدام کند.

ماده ۹۳۷ : هیات تشخیص م ی تواند در خصوص اعطای مهلت برای پرداخت بدهی مالیات یا بدهی به تامین اجتماعی حداکثر تا سقف دوره بازسازی اقدام کند.

فصل دوم: ورشکستگی

ماده ۹۳۸ : اجرای حکم ورشکستگی و امر تصفیه تاجر بر عهده سازمان تصفیه امور ورشکستگی است. سازمان تصفیه امور ورشکستگی شخصی حقیقی یا حقوقی را به عنوان مدیر تصفیه برای انجام این امر تعیین م ی کند.

ماده ۹۳۹ : حکم ورشکستگی فقط به وسیله دادگاه تجارتي و در پی صدور سند عدم امکان بازسازی از طرف هیات تشخیص صادر م ی شود و به طور موقت به اجرا در می آید

ماده ۹۴۰ : در صورت عدم کفایت پرداخت دیون از محل فروش اموال تاجر، مدیر تصفیه در حد نیاز به طرح دعاوی برای ابطال معاملات ضرری و وصول مطالبات و استرداد امانات ورشکسته نزد اشخاص اقدام می کند.

ماده ۹۴۱ : معامله ای ضرری است که به موجب آن بدهی تاجر بر دارایی او فزونی گیرد به طوری که بستانکاران بی وثیقه نتوانند از محل اموال موجود به تمام طلبهای خود دست یابند.

ماده ۹۴۲ : از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاجر از مداخله در تمام اموال خود، حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید شود، ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی شخص ورشکسته که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد، سازمان تصفیه امور ورشکستگی قائم مقام قانونی ورشکسته است و حق دارد به این عنوان از اختیارات و حقوق ورشکسته استفاده کند.

تبصره ۱: از تاریخ ارجاع پرونده تاجر از سوی هیات تشخیص به دادگاه تجارتي تا صدور حکم راجع به ورشکستگی، مداخله تاجر در اموال خود تنها در چارچوب تعیین شده توسط هیات تشخیص و با نظارت و تایید سازمان بازسازی مجاز است.

تبصره ۲: پیش از صدور حکم ورشکستگی برای تاجری که مشمول بازسازی نباشد دخالت در اموال در حدود مقررات آزاد است. و اگر تاجر مشمول بازسازی باشد، نظارت سازمان بازسازی تا روز صدور حکم و دخالت سازمان تصفیه امور ورشکستگی استمرارمییابد.

ماده ۹۴۳: از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، دعاوی راجع به اموال منقول و غیرمنقول و همچنین اقدامات اجرایی و تامینی علیه ورشکسته به طرفیت سازمان تصفیه امور ورشکستگی اقامه یا تعقیب می شود و مدیر تصفیه به نیابت از سازمان مذکور انجام این امر را به عهده خواهد داشت.

ماده ۹۴۴: تمام اموال و حقوقی که از تاریخ توقف و به موجب قراردادگاه به سود طلبکاران تامین شده است، برای اجرای احکام تصفیه در اختیار سازمان تصفیه امور ورشکستگی قرار خواهد گرفت و هیچ امتیازی برای بستانکاران ایجاد نم یکنند، مگر در صورت وثیقه های عینی اصل طلب.

ماده ۹۴۵: از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، دیون موجدل ورشکسته با رعایت تخفیفات مقتضی به دیون حال تبدیل می شود و خسارت تاخیر نیز به دیون تعلق نم یگیرد.

ماده ۹۴۶: اگر تاجر مدیر شخص حقوقی ورشکسته به مفاد ماده ۸۳۶ عمل نکرده باشد، و ورشکستگی ناشی از عدم این اعلام باشد دادگاه تجارتي در حکم ورشکستگی، وی را علاوه بر جبران خسارت وارده، به محرومیت از مدیریت شرکت تجارتي به مدت ۵ سال محکوم خواهد کرد.

ماده ۹۴۷: در صورت ورشکستگی شرک تهای تضامنی، اموال شخصی شرکاء ضامن به ضمیمه اموال شرکت مهر و موم نم یشود، مگر آنکه دادگاه تجارتي حکم کرده باشد.

ماده ۹۴۸: حکم دادگاه تجارتي راجع به ورشکستگی قابل تجدیدنظر است. تجدیدنظرخواهی از طرف اصحاب دعوا باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قانونی و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند باید ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که در خارج اقامت دارند باید ظرف دو ماه از تاریخ آگهی حکم، انجام شود.

تبصره: دادگاه تجارتي بايد ظرف ده روز پس از صدور حكم، مراتب را در روزنامه رسمي و روزنامه شركت و براي تجار حقيقي در يكي از روزنام ههاي كثيرالانتشار آگهي كند.

ماده ۹۴۹ : علاوه بر جهات موضوع مقررات آيين دادرسي مدني ساير جهات درخواست تجديد نظر در مقررات بازسازي و ورشكستگي به قرار زير است:

۱- ادعای صدور سند عدم امکان بازسازی بدون رعایت مقررات بازسازی

۲- ادعای سقوط مطالبات تمامی بستانکاران.

ماده ۹۵۰ : در اجرائی وظایف قانونی این بخش، سازمان تصفیه امور ورشكستگي، با استفاده از امکانات، اموال و دارایی ها و کارکنان اداره تصفیه امور ورشكستگي به صورت موسسه دولتی زير نظر رئيس قوه قضاييه تشكيل م يشود. رئيس سازمان مزبور با حكم رئيس قوه قضاييه منصوب و داراي رتبه قضايي است.

تشكيلات تفصيلی این سازمان با پیشنهاد وزارت دادگستري و تاييد سازمان مديريت و برنامه ريزی کشور، به تصويب هيات وزيران خواهد رسيد

بخش هفتم

ماده ۹۵۱ : سازمان تصفیه امور ورشكستگي در تهران مستقر می شود و ميتواند در مركز هر استان با توجه به حجم كار و ضرورت امر نسبت به تاسيس واحد استانی اقدام كند. احكام ورشكستگي به سازمان تصفیه امور ورشكستگي ابلاغ می شود. در صورتی كه در استان واحد استانی وجود داشته باشد، حكم به واحد استانی ابلاغ م يشود.

ماده ۹۵۲ : حق الزحمه مديران تصفیه، و ساير هزينه های تصفیه ورشكستگي از محل وجوه حاصل از فروش اموال و يا مطالبات تاجر تامين م يشود.

ماده ۹۵۳ : موارد رد رئيس و کارکنان سازمان تصفیه امور ورشكستگي و واحدهای استانی آن و مديران تصفیه همان است كه در رد دادرسان در قانون آيين دادرسي مدني ذكر شده است. در صورتی كه کارکنان و يا مديران تصفیه ايراد را موجه بدانند، رئيس، کارکنان يا مديران

دیگری را برای انجام این کار تعیین می کند و چنانچه کارکنان یا مدیران ایراد را رد کنند قبول یا رد ایراد با نظر رئیس است.

ماده ۹۵۴ : موارد رد مدیر تصفیه، برای مدیران اشخاص حقوقی که به عنوان مدیر تصفیه انتخاب می شوند، نیز جاری م یباشد. همچنین اشخاص حقوقی که شرکت تابعه، وابسته یا مادر، یا شریک بستانکاران یا تاجر ورشکسته وی م یباشند نیز نمی توانند مدیر تصفیه تاجر مزبور باشند. همچنین بستانکاران تاجر ورشکسته نیز نمی توانند به عنوان مدیر تصفیه انتخاب شوند.

ماده ۹۵۵ : در صورتی که رئیس سازمان تصفیه امور ورشکستگی مشمول موارد رد شود، دادگاه تجاری که حکم ورشکستگی را صادر کرده، فرد واجد شرایط دیگری از سازمان تصفیه امور ورشکستگی را برای انجام وظایف وی در رابطه با تصفیه ورشکستگی مورد نظر تعیین م یکند.

ماده ۹۵۶ : هر گاه مدیر تصفیه و رییس و کارکنان سازمان تصفیه یا اقارب آنها تا درجه دوم از طبقه دوم نسبت به دارایی ورشکسته به نفع خود، طرف معامله واقع شوند آن معامله ممنوع و باطل است. همچنین اگر مدیر تصفیه (شخص حقیقی و حقوقی) شریک یا مدیر اشخاص حقوقی دیگری باشد، و اشخاص حقوقی مزبور طرف معامله واقع شوند، معامله باطل است. حکم فوق نسبت به شخص حقوقی مدیر تصفیه، شرکت های مادر، تابعه و وابسته آن و همچنین مدیران شخص حقوقی مدیر

تصفیه و اقارب آنها تا درجه دوم نیز جاری است.

ماده ۹۵۷ : مرجع رسیدگی اعتراض به اقدامات سازمان تصفیه امور ورشکستگی و مدیر تصفیه دادگاه تجاری است که حکم ورشکستگی را صادر کرده است. اعتراض جریان کار را توقیف نمی کند. مگر در مواردی که عمل متضمن وجود زیان باشد، که در این صورت، دادگاه مکلف است فوری و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی کند.

ماده ۹۵۸ : مدیر تصفیه مکلف است تمامی مستندات مربوط به امر تصفیه را به نحو مضبوطی نگهداری کند.

ماده ۹۵۹ : دادگاه تجارتي مکلف است نسخه ای از حکم ورشکستگی را بلافاصله پس از صدور حکم به سازمان تصفیه امور ورشکستگی و اداره ثبت ارسال کند سپس با درخواست سازمان تصفیه امور ورشکستگی، اطلاعات و مندرجات پرونده را در اختیار آن سازمان قرار دهد.

ماده ۹۶۰ : در صورتی که اموال ورشکسته در حوزه قضایی دیگری واقع باشد و دخالت در آن اموال نیازمند اجازه قضایی باشد، مدیر تصفیه با اخذ نیابت قضایی از مرجع قضایی صادرکننده حکم ورشکستگی برای مرجع قضایی محل وقوع اموال، در خصوص مورد اقدام مقتضی به عمل می آورد.

ماده ۹۶۱ : سازمان تصفیه امور ورشکستگی می تواند از گمرگ جمهوری اسلامی ایران و شرکت پست جمهوری اسلامی ایران بخواهد که در مدت تصفیه، تمامی برگها و بسته هایی که به عنوان شخص حقوقی یا حقیقی ورشکسته ارسال می شود را برای آن سازمان بفرستد، سازمان مزبور می تواند به مدیر تصفیه نیابت بدهد. در این صورت مدیر تصفیه مکلف است هنگام باز کردن پاکتها و بسته ها از تاجر ورشکسته یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته دعوت به عمل آورد.

ماده ۹۶۲ : ورشکسته و مدیران اشخاص حقوقی ورشکسته و، در صورت فوت شخص ورشکسته، وارثان او و تمام اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف دارند، مکلفند تمام اموال، اسناد، مدارک و دفاتر مالی ورشکسته را بیدرنگ به سازمان تصفیه امور ورشکستگی معرفی کنند و در اختیار آن سازمان بگذارند. اشخاص مذکور، به غیر از شخص ورشکسته، در صورت تخلف علاوه بر جبران خسارت اموال تلف شده به دو برابر میزان خسارت محکوم می شوند. همچنین، در صورت تخلف شخص ورشکسته، وی به محرومیت از مدیریت شرکت های تجارتي به مدت ۵ سال پس از اعاده ورشکستگی محکوم می شود.

سازمان تصفیه امور ورشکستگی، ضمن هشدار لازم اشخاص مجازاتی را که برای خودداری آنها معین شده تذکر م ی دهد.

ماده ۹۶۳ : مدیر تصفیه مکلف است با حضور عضو ناظر سازمان تصفیه امور ورشکستگی، تا زمانی که صورت اموال و دارایی های تاجر ورشکسته از جمله انبارها، مغازه ها، کالا و کارخانجات و ... برداشته نشده است، اقدام به بستن و مهر و موم آنها بکند.

تبصره ۱: چنانچه هنگام صدور حکم ورشکستگی، محصول نیمه ساخته در جریان تولید باشد و مهر و موم موجب ناتمام ماندن تولید و اتلاف منابع به کار رفته و خسارت بستانکاران شود، مهر و موم آن بخش از اموال که برای تکمیل تولید ضرورت دارد تا

تکمیل تولید به طور موقت به تعویق می افتد.

تبصره ۲: مدیر تصفیه می تواند هنگام مهر و موم، در صورتی که کالا فاسد شدنی باشد یا تاریخ مصرف آن بگذرد، کالا را بفروش برساند.

ماده ۹۶۴ : مستثنیات دین در اختیار ورشکسته گذارده می شود ولی در صورت اموال قید می گردد. مستثنیات دین همان است که در قانون آیی ندادرسی مدنی آمده است.

ماده ۹۶۵ : اموالی که متعلق به اشخاص ثالث است یا اشخاص ثالث نسبت به آنها اظهار حقی می کنند، در صورت اموال قید شده و مراتب در آن ذکر می شود.

ماده ۹۶۶ : مدیر تصفیه مکلف است حقوق اشخاص ثالث را نسبت به اموال غیرمنقول ورشکسته که مستند به سند رسمی است، تعیین و ضمن صورت اموال قید کند.

ماده ۹۶۷ : فهرستی که به این ترتیب تنظیم شده به ورشکسته ارائه و از او پرسیده می شود که آن را صحیح و کامل م ی داند یا خیر. پاسخ ورشکسته در فهرست قید می شود به امضای او می رسد، همین ترتیب در خصوص مدیر یا مدیران شخص حقوقی ورشکسته باید رعایت شود.

ماده ۹۶۸ : تاجر یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته مکلف است با مدیر تصفیه در امر تصفیه همکاری کند و در صورت اقتضاء مدیر تصفیه می تواند اقدام به احضار او کند و چنانچه جلب

یا توقیف یا ممانعت از خروج او از حوزه قضایی یا از کشور لازم باشد، میتواند قرار لازم را از دادگاه تجارتي خواهد.

قرار توقیف حداکثر یک ماه است و ادامه توقیف ورشکسته منوط به درخواست مدیر تصفیه و به حکم دادگاه به عمل می آید. رفع اثر از موارد فوق، به تقاضای مدیر تصفیه و حکم دادگاه به عمل می آید. ورشکسته یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته نیز می تواند از ادامه محدودیت های خود هر ماه یکبار به دادگاه صادرکننده قرار توقیف، شکایت کند و رفع آن را بخواهد.

مدیر تصفیه، با تایید عضو ناظر سازمان تصفیه امور ورشکستگی، باید نفقه تاجر ورشکسته افراد تحت تکفل او را از اموال ورشکسته بپردازد.

ماده ۹۶۹: هرگاه مدیر تصفیه تشخیص بدهد که تاجر ورشکسته اموالی جز مستثنیات دین ندارد یا شخص حقوقی ورشکسته فاقد اموال باشد، مراتب را به منظور یک نوبت آگهی در روزنامه ای کثیرالانتشار، به سازمان تصفیه امور ورشکستگی اعلام می کند.

اگر بستانکاران یا بعضی از آنان درخواست اجراء مقررات ورشکستگی را ظرف ده روز نکنند و هزینه آن را نپردازند جریان

ورشکستگی پایان م پذیرد. در این مورد هزینه آگهی از محل اعتبار سازمان تصفیه امور ورشکستگی تامین خواهد شد.

ماده ۹۷۰: اگر به تشخیص مدیر تصفیه، حاصل فروش اموالی که فهرست آنها برداشته شده برای پرداخت هزینه تصفیه به روش عادی کافی نباشد، مدیر تصفیه اقدام به تصفیه اختصاری به ترتیب زیر می کند، مگر اینکه بستانکاری درخواست کند که کار طبق مقررات تصفیه عادی جریان پیدا کند و هزینه آن را قبلا بدهد.

در مورد تصفیه اختصاری، سازمان تصفیه امور ورشکستگی آگهی میکند که ظرف سی روز هر کس هرگونه ادعایی دارد بکند سپس به ترتیبی که منافع بستانکاران اقتضاء می کند، بدون رعایت تشریفات قانونی، اموال را می فروشد و حاصل فروش را بین آنان تقسیم می کند و ختم عمل تصفیه را اعلام م یدارد.

ماده ۹۷۱ : با صدور حکم ورشکستگی توسط دادگاه تجارتي، مدير تصفيه مكلف است مراتب زير را علاوه بر روزنامه رسمي، حسب مورد براي اشخاص حقيقي دو بار در روزنامه شركت و براي تاجر حقيقي دو بار در روزنامه كثيرالانتشار آگهي كند. فاصله زماني بين دو آگهي بايد ده روز باشد

و نسخه اي از آن براي بستانكاران ارسال شود. آگهي بايد دربردارنده موارد زير باشد:

- ۱- مشخصات و اقامتگاه ورشكسته و تاريخ حكم ورشكستي.
 - ۲- اخطار به بستانكاران و مدعيان براي اين كه، ادعای خود را ظرف دوماه از تاريخ درج دومين آگهي در روزنامه شركت يا روزنامه كثيرالانتشار به مدير تصفيه اعلام كنند و اسناد خود (اصل يا رونوشت گواهي شده) را به مدير تصفيه تسليم دارند. مدير تصفيه مي تواند اين مدت را براي كساني كه در خارج از كشور اقامت دارند، به مدت يك ماه ديگر تمديد كند.
 - ۳- اخطار به متعهدان و بدهكاران به ورشكسته پس از تاريخ اجرائ طرح بازسازي كه در ظرف مدت مذكور بدهي يا تعهد خود را اعلام كنند. متخلفين از اين اخطار به جريمه نقدي معادل ۲۵٪ ارزش تعهد يا دين محكوم خواهند شد.
 - ۴- اخطار به كساني كه به هر عنوان اموال تاجر ورشكسته در نزد آنهاست كه آن اموال را در ظرف مدت فوق الذكر در اختيار مدير تصفيه بگذارند، وگرنه هر حقي كه نسبت به آن مال دارند از آنها سلب خواهد شد..
 - ۵- تعيين تاريخ و دعوت براي اولين جلسه بستانكاران كه حداقل ۲۰ روز و حداكثر ۳۰ روز پس از درج اولين آگهي تشكيل خواهد شد.
- تبصره: تكاليفي كه در اجرائ آنها تاخير شده، در صورتی كه عذر موجهی در بین باشد، در اسرع وقت و در دوران تصفيه ورشكستگی بايد انجام شود.

ماده ۹۷۲ : اولین جلسه بستانکاران به ریاست مدیر تصفیه و با حضور عضو ناظر سازمان تصفیه، به منظور ارایه گزارش راجع به صورت اموال و سایر امور مربوط به شخص ورشکسته، تشکیل می شود

ماده ۹۷۳ : مدیر تصفیه نسبت به اموالی که نسبت به آن ادعایی وجود دارد تصمیم مقتضی را اتخاذ می کند و اگر آنها را محق بداند مبادرت به تسلیم آن میکند، وگرنه بیست روز به ایشان مهلت می دهد که در دادگاه تجارتي اقامه دعوا کنند. کسی که ظرف بیست روز به دادگاه رجوع نکند دیگر دعوای او در جریا نتصفیه وبه منظور شرکت در آن شنیده نمیشود.

ماده ۹۷۴ : مدیر تصفیه با حضور عضو ناظر نسبت به اشیایی که مورد مطالبه اشخاص ثالث است برابر مقررات مواد ۹۶۸ به بعد این قانون راجع به استرداد اموال و همچنین مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی تصمیم مقتضی اتخاذ م یکنند. این تصمیم ظرف مدت ۱۰ روز بدون تشریفات دادرسی قابل تجدیدنظر در دادگاه تجارتي است.

ماده ۹۷۵ : پس از انقضای موعده مقرر برای ارایه اسناد، مدیر تصفیه نظر ورشکسته یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته را در صورتی که در دسترس او باشد، کسب خواهد کرد و نسبت به تصدیق یا رد آن اقدام م یکنند. مدیر تصفیه مکلف به پذیرش آن اظهارات نیست.

ماده ۹۷۶ : در صورتی که مدیر تصفیه برای رسیدگی نیاز به دفاتر بستانکار داشته باشد، بستانکار مکلف به ابراز دفاتر است.

ماده ۹۷۷ : مطالباتی که به موجب سند رسمی وثیقه دارد باید در صورت طلب طبقه بندی شده بستانکاران منظور شود هر چند از طرف بستانکار اظهار نشده باشد.

ماده ۹۷۸ : پس از انقضای موعده ابراز اسناد، مدیر تصفیه ظرف مدت ۲۰ روز به طلب های ادعا شده رسیدگی می کند و به تهیه صورت طبقه بندی شده بستانکاران، با قید حق رهن یا حق رجحان مبادرت می ورزد.

بستانکارانی که مردود شد هاند نیز با ذکر دلیل رد، ضمن این صورت قید میشوند.

ماده ۹۷۹: مدیر تصفیه موظف است تنظیم صورت و نحوه رسیدگی به آن را از طریق آگهی به اطلاع بستانکاران و مدعیان حق برساند و امکان دسترسی به آن را فراهم سازد و ظرف یک ماه به بستانکاران و مدعیان حق ابلاغ کند

ماده ۹۸۰: هر کس نسبت به صورت تنظیم شده توسط مدیر تصفیه اعتراض داشته باشد پس از ابلاغ دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی، حق اقامه دعوا دارد.

اگر معترض ادعا کند که طلب او بی مورد رد شده یا کسر گردیده یا حق رهن یا رجحان او منظور نشده است، دعوا بر مدیر تصفیه اقامه می شود و اگر طلب یا حق شخصی که قبول شده مورد اعتراض باشد دعوا مشترکاً بر آن شخص و مدیر تصفیه اقامه خواهد شد و در صورتی که دعوا به نتیجه برسد و حکم به رد طلبی صادر شود، سهمی که به آن تخصیص داده شده در حدود طلب مدعی و هزینه دادرسی به او اختصاص می یابد و بقیه بین سایر بستانکاران تقسیم خواهد شد.

ماده ۹۸۱: اسنادی که در ارایه آنها تاخیر شده است، در صورتی که عذر موجهی در بین باشد در مورد این ماده تا ختم ورشکستگی قبول می شود ولی هزینه ای که در اثر این تاخیر پیش آمده بر عهده مدعی طلب است. اگر مدیر تصفیه سندی را که ابراز شده بپذیرد اقدام به تصحیح صورت بستانکاران م یکنند و سایر بستانکاران را نیز به وسیله آگهی مطلع می سازد.

ماده ۹۸۲: مدیر تصفیه مکلف است پس از رسیدگی به مطالبات، از بستانکارانی که تمام یا بخشی از طلب آنها قبول شده است و نیز از شخص ورشکسته، برای تشکیل جلس های دعوت به عمل آورد و گزارش کاملی نسبت به وضع دارایی و مطالبات شخص ورشکسته بدهد و نظر تاجر یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته و بستانکاران را برای حسن اجرای امر تصفیه استماع و در صورت مجلس ذکر کند، ولی جز در مورد صلح و صرفنظر کردن از دعاوی، تصمیم با خود مدیر تصفیه است.

ماده ۹۸۳: اموال تاجر ورشکسته منحصرأ از طریق مزایده فروخته میشود در موارد زیر ممکن است به طریقی غیر از مزایده، اقدام به فروش اموال کرد.

۱- اگر بستانکارانی که حداقل نصف بعلاوه یک از شمار بستانکاران و دارندگان دوسوم مطالبات تشخیص و تصدیق شده هستند، به ترتیب دیگری رضایت بدهند.

۲- وقتی که مال در بورس یا در بازار قیمت معینی دارد. ولی، اموال مورد وثیقه را نمی توان به طریق غیر مزایده فروخت و در هر حال رضایت بستانکارانی که نسبت به آنها دارای حق وثیقه هستند، باید جلب شود.

تبصره: خرید اموال تاجر ورشکسته خارج از مزایده توسط هریک از بستانکاران، تنها پس از تایید مدیر تصفیه و نماینده سازمان تصفیه امور ورشکستگی قابل تنفیذ است.

ماده ۹۸۴: نحوه مزایده اموال جز در مواردی که در این قانون به نحو دیگری مقرر شده است تابع قانون اجرای احکام مدنی است.

ماده ۹۸۵: بستانکارانی که حداقل دو سوم از شمار بستانکاران و سه چهارم مطالبات را دارا باشند، می توانند از دعاوی صرفنظر کنند. هر بستانکاری می تواند درخواست کند که آن دعوا به او واگذر شود. در این مورد عواید حاصل فروش مالی که از این راه به دست م یآید در حدود طلبی که دارد به درخواست کننده تعلق گرفته و مازاد آن به سایر بستانکاران متعلق خواهد بود.

ماده ۹۸۶: وقتی پول حاصل از فروش یا وصول مطالبات در دسترس مدیر تصفیه قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی شد، مدیر تصفیه صورتی از حاصل دارایی و حساب نهایی تنظیم خواهد کرد، سپس با لحاظ هزینه های قانونی مربوط به امر تصفیه، صورت تقسیم و حساب نهایی را تهیه و ظرف مدت ۱۰ روز در اختیار بستانکاران قرار می دهد و مراتب را به اطلاع آنها می رساند.

همچنین، مدیر تصفیه باید خلاصه ای از صورت مربوط به سهم طلب هر یک از بستانکاران را برای آنها ارسال کند.

ماده ۹۸۷: پس از پایان مدت ده روز، مدیر تصفیه مبادرت به پرداخت سهم طلب هریک از بستانکاران م یکنند. بستانکاری که کاملاً به حق خود م یرسد باید سند طلب خود را به مدیر

تصفیه تسلیم کند. در موردی که قسمتی از طلب پرداخت شود، مراتب در سند قید می شود. در مورد فروش اموال غیرمنقول، اقدامات لازم در دفتر ثبت اسناد و املاک از طرف مدیر تصفیه به عمل می آید. اگر طلبی معلق باشد یا به اقساط باید تادیه شود، سهم ویژه آن در صندوق دادگستری گذاشته می شود.

پس از پرداخت سهمی هها، مدیر تصفیه به هریک از بستانکارانی که تمام حقوق آنها تادیه نشده است، سند عدم کفایت دارایی م یدهد. چنین بستانکاری فقط در مورد ملاتت تاجر ورشکسته می تواند به موجب این سند بقیه طلب خود را ادعا کند.

ماده ۹۸۸ : تقسیم موقت سهم طلب پس از انقضای مدت مذکور در ماده ۹۸۵ انجام می شود. برای بستانکارانی که در صورت نیامد هاند سند عدم کفایت دارایی صادر میشود.

ماده ۹۸۹ : بستانکاران با وثیقه نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش، مقدم بر سایر بستانکاران قرار دارند.

طلب هایی که دارای وثیقه نیستند و همچنین باقیمانده طلب های با وثیقه که تمام آنها از فروش وثیقه پرداخت نشده است، به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می شود.

طبقه اول:

الف اجرت خدمه، خانه در سال آخر قبل از حکم ورشکستگی.

ب حقوق خدمتگزاران تاجر ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از حکم ورشکستگی.

ج دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می گیرند برای مدت سه ماه قبل از حکم ورشکستگی.

طبقه دوم:

الف نفقه زن مطابق ماده، ۱۲۰۶ قانون مدنی

ب مهریه زن تا میزان ۵۰ میلیون ریال مشروط بر آنکه ازدواج حداقل پنجسال قبل از حکم ورشکستگی واقع شده باشد. مازاد مهر در زمره دیون عادی است.

طبقه سوم: سایر بستانکاران.

ماده ۹۹۰: مدیر تصفیه پس از تقسیم وجوه حاصل از فروش اموال و مطالبات، پایان عملیات تصفیه ورشکستگی را علاوه بر روزنامه رسمی در مورد اشخاص حقوقی در روزنامه شرکت و برای تاجر حقیقی در روزنامه کثیرالانتشار اعلام می کند. هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی، اموال یا طلبی متعلق به ورشکسته کشف شود مدیر تصفیه آنها را در اختیار می گیرد و وجوه حاصل از فروش را بی هیچ تشریفات تا میزان مطالبات تصدیق شده بین بستانکاران تقسیم میکند. نسبت به سهم طلب هایی که به دلیل مشکوک بودن طلب ایداع شده و بعد تصرف در آنها شده است به همین ترتیب اقدام می شود.

ماده ۹۹۱: بستانکاران به محض اعلام ختم بازسازی یا ختم تصفیه ورشکستگی تاجر خواه طلب خود را در مهلت مقرر اعلام کرده یا نکرده باشند، میتوانند دعاوی خود را بر وی مطرح کنند.

ماده ۹۹۲: مدیران تصفیه موظفند پس از پایان تصفیه مراتب را همراه با انضمام گزارش کار خود به سازمان تصفیه امور ورشکستگی اعلام و اجازه اعلان و انتشار پایان عملیات تصفیه را تقاضا کنند تا بید سازمان تصفیه امور ورشکستگی به منزله مفاصا حساب مدیر تصفیه است.

ماده ۹۹۳: مدیر تصفیه موظف است ظرف مدت ۱۸ ماه از تاریخ ابلاغ حکم ورشکستگی به سازمان تصفیه امور ورشکستگی، تصفیه را انجام دهد، ولی، به هنگام ضرورت دادگاه تجارتي می تواند این مدت را تمدید کند.

ماده ۹۹۴: در صورت تاخیر امر تصفیه، هر ذینفع می تواند از سازمان تصفیه امور ورشکستگی تعویض مدیر تصفیه را درخواست کند.

ماده ۹۹۵ : پس از صدور حکم ورشکستگی، اموال، حقوق و وجوهی که به وسیله اجرای دادگاه ها، ثبت و سایر ادارات و بانک ها، پس از تاریخ صدور سند عدم امکان بازسازی، از ورشکسته بازداشت یا برداشت شده باید به مدیر تصفیه ایی که تعیین می شود تحویل شود و در اختیار او قرار گیرد.

ماده ۹۹۶ : حداکثر پس از ۶ ماه از تصویب این قانون، نظام رتبه بندی و تعیین صلاحیت مدیران تصفیه با پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سازمان تصفیه امور ورشکستگی باید به تصویب هیات وزیران برسد.

ماده ۹۹۷ : سه ماه بعد از تعیین نظام رتبه بندی و تعیین صلاحیت مدیران تصفیه، نظام حق الزحمه آنان نیز متناسب با نظام رتبه بندی و تعیین صلاحیت با پیشنهاد سازمان تصفیه امور ورشکستگی و تایید سازمان مدیریت و برنامه ریزی به تصویب هیات وزیران م ی رسد.

ماده ۹۹۸ : مدیر تصفیه مکلف است هر سه ماه یکبار صورت وصولی ها از جمله عواید حاصل از فروش اموال و مطالبات تاجر ورشکسته و صورت پرداخت مطالبات بستانکاران را تهیه و به سازمان تصفیه امور ورشکستگی ارائه کند.

ماده ۹۹۹ : در مواردی که، بنا به تشخیص سازمان تصفیه امور ورشکستگی، امکان تامین هزینه های تصفیه از محل وجوه حاصل از فروش اموال یا وصول مطالبات تاجر ورشکسته میسر نباشد،

سازمان تصفیه امور ورشکستگی مجاز به تامین آن هزینه از محل بودجه خود خواهد بود. مدیر تصفیه مکلف است معادل آن را از محل وصول مطالبات یا فروش اموال تاجر به خزانه واریز کند.

ماده ۱۰۰۰ : مدیر تصفیه از بین اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی که دارای شرایط زیر باشند، انتخاب میشود:

۱ دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی در رشته های مالی، مدیریت، اقتصاد، حقوق یا رشته تخصصی فعالیت تاجر.

تبصره ۱: در صورتی که مدیری دارای ۱۵ سال سابقه مدیریت یا تجارت باشد از داشتن مدرک کارشناسی مستثنی است و حداقل تحصیلات برای وی کاردانی است.

۲- دارا بودن حداقل ده سال سابقه کار مفید و مرتبط برای اشخاص با مدرک کارشناسی و ۱۵ سال برای دیپلم.

۳ نداشتن سوء شهرت تجارتي.

۴ نداشتن محکومیت کیفری موثر.

۵ نداشتن محرومیت از حقوق اجتماعی.

تبصره ۲: در مورد اشخاص حقوقی، مدیران آن باید دارای شرایط مقرر در این ماده باشند.

ماده ۱۰۰۱: در مزایده اموال تاجر ورشکسته مقررات مربوط به موعد فروش، آگهی فروش، تعیین قیمت اموال، انتخاب خریدار، پرداخت بهای اموال، انتقال اموال خریدار، تنظیم صورتجلسه فروش، امضاء اسناد تابع احکام مواد ۱۱۷ الی ۱۹۹، ماده ۱۲۲، مواد ۱۲۴ الی ۱۲۹، مواد ۱۳۴ الی ۱۴۳ و ماده ۱۴۵ قانون اجرای احکام مدنی میباشد.

تکالیف و اختیارات پیش بینی شده برای مالک، مامور اجرا و یا محکوم علیه در موارد فوق بر عهده مدیر تصفیه و تکلیف و اختیارات پی شبینی شده برای دادگاه برعهده سازمان تصفیه امور ورشکستگی م یباشد.

ماده ۱۰۰۲: در صورتی که هریک از بستانکاران یا شخص بدهکار نسبت به نحوه انجام وظیفه مدیر تصفیه حقوقی معترض باشند، می توانند اعتراض خود را به سازمان تصفیه امور ورشکستگی تسلیم کنند. سازمان مزبور ظرف مدت ده روز در مورد این تقاضا رسیدگی و نسبت به ابقاء یا تعویض مدیر تصمیم خواهد گرفت. این تصمیم در مهلت ده روز قابل اعتراض در دادگاه تجارتي است.

فصل سوم: مقررات جزایی

ماده ۱۰۰۳ : مفاد این باب پس از توقف تاجر از پرداخت دین ، در مورد اشخاص زیر قابل اجرا است:

۱_ تاجر و افرادی که قانونا در حکم تاجر م یباشند.

۲_ مدیران شرکت های تجاری.

۳_ اشخاص حقیقی که به عنوان عضو هیات مدیره (نماینده) شخص حقوقی دیگر در شرکت تجاری را دارند.

۴_ مدیر تصفیه.

۵_ عضو ناظر سازمان تصفیه امور ورشکستگی.

۶_ بازرس شرکت تجاری.

ماده ۱۰۰۴ : مجازاتهای موضوع این باب عبارتند از:

۱_ محرومیت از حقوق اجتماعی.

۲_ جزای نقدی.

۳_ حبس.

ماده ۱۰۰۵ : منظور از محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع این قانون ، منع محکوم از مدیریت

و

بازرسی شرک تهای تجاری و اشتغال به هر نوع فعالیت تجاری است.

دادگاه میتواند حسب مورد به محرومیت از یک یا چند موضوع در امور زیر نیز حکم دهد.

۱- عضویت در کمیسیون ها و هیات های حل اختلاف.

- ۲- وکالت دادگستری (کانون وکلا یا مرکز مشاوران حقوقی).
 - ۳- تصدی دفاتر اسناد رسمی، ازدواج و طلاق و دفترباری.
 - ۴- کارشناسی رسمی دادگستری (کانون کارشناسان یا مرکز مشاوران حقوقی).
 - ۵- کارگزاری بورس اوراق بهادار.
 - ۶- عضویت در کلیه انجمن ها، شوراها و جمعیت هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند.
 - ۷- عضویت در هیات های منصفه و امناء.
 - ۸- مدیریت در وزارتخان هها، سازمان های دولتی، شرکت ها و موسسات دولتی و تابع و وابسته به آنها، شهرداری ها، موسسات، ادارات مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان ، اشتغال به مشاغل قضایی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی.
 - ۹- انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی.
 - ۱۰- استفاده از نشان ها و مدال های دولتی و عناوین افتخاری.
 - ۱۱- مسئولیت دفتر خدمات گواهی الکترونیکی و دفتر ثبت گواهی الکترونیکی
 - ۱۲- ثبت هر نوع شرکت تجاری که بیش از ۵۰ درصد از سهام آن را داشته باشد.
 - ۱۳- مشاغل حسابرسی .
 - ۱۴- مدیر مسئولی روزنامه.
- ماده ۱۰۰۶ : دادگاه تجارتي هر تاجر حقيقي را که پس از تاريخ توقف مرتکب يکي از اعمال زیر شده باشد به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۱۰۰۵ این قانون به مدت ۳ تا ۵ سال محکوم خواهد کرد

- ۱- هرگاه تاجر به فعالیت متقلبانه بر خلاف منافع بستانکاران اقدام کند.
 - ۲- از میان بردن کامل یا جزیی اسناد مالی یا عدم انعکاس معامل های که ثبت آن لازم بوده است.
 - ۳- پنهان کردن یا از میان بردن تمام یا بخشی از اموال یا افزایش متقلبانه دیون.
 - ۴- معامله یا فعالیتی که با سوء نیت انجام پذیرد و منجر به توقف از پرداخت دین شود.
- ماده ۱۰۰۷: دادگاه تجارتي پس از توقف از پرداخت دین، مدیران شرکت و یا اشخاص دیگری که مرتکب یکی از اعمال مشروحه زیر شده باشند را به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده
- ۱۰۰۵ این قانون به مدت ۳ تا ۵ سال محکوم خواهد کرد.
- ۱- انجام فعالیت تجارتي در جهت منافع شخصی و به نام شخص حقوقی.
 - ۲- استفاده غیرمجاز از اموال یا اعتبارات شخص حقوقی بر خلاف منافع آن و برای مقاصد خود یا شخص دیگر، هر چند خود نفع در آن نداشته باشد.
 - ۳- مخدوش کردن، از بین بردن و پنهان کردن اسناد مالی و دفاتر تجاری که به موجب قوانین و مقررات نگهداری آنها الزامی است.
 - ۴- پنهان کردن یا از میان بردن تمام یا بخشی از اموال شخص حقوقی یا افزایش متقلبانه دیون آن. معامله یا فعالیتی که با سوء نیت انجام پذیرد و منجر به توقف از پرداخت دین شده است.
- ماده ۱۰۰۸: محرومان از حقوق اجتماعی موضوع این فصل از قانون، هرگاه به اموری بپردازند که به حکم دادگاه از آن ممنوع شده اند، به محرومیت از حقوق اجتماعی تا دو برابر مدت پیشین و جزای نقدی از دوپست میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال محکوم می شوند.

ماده ۱۰۰۹ : در موضوع مواد ۱۰۰۶ الی ۱۰۰۸ ، دادگاه به درخواست سازمان بازسازی یا نماینده بستانکاران یا دادستان یا نماینده کارگران یا مقام مسئول سازمان تصفیه امور ورشکستگی اقدام به رسیدگی و اخذ تصمیم می کند.

ماده ۱۰۱۰ : حق رای مدیران محکوم به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۱۰۰۵ در مجامع عمومی اشخاص حقوقی موضوع بازسازی به درخواست سازمان بازسازی و توسط نماینده منتخب هیات تشخیص اعمال م ی شود.

ماده ۱۰۱۱ : دادگاه تجارتي م ی تواند با اعلام پایان امر تصفیه ورشکستگی، در صورت تادیه دیون، حکم به رفع تمام یا بخشی از ممنوعی تهایی ناشی از محرومیت از حقوق اجتماعی بدهد. اسقاط حقوق، ممانعت های قانونی، عدم اهلیت احراز مشاغل دولتی

انتخابی به خودی خود با انقضاء مدت محرومیت مرتفع می شوند. همچنین اگر محکوم علیه مساعی کافی برای پرداخت بدهی ها داشته باشد، م ی تواند رفع بخشی از موارد اسقاط حقوق و عدم اهلیت را پیش از پایان مدت تقاضا کند.

ماده ۱۰۱۲ : دادگاه می تواند اشخاصی را که به موجب مواد ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ ، به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده اند به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی از صد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم کند.

ماده ۱۰۱۳ : دادگاه تجارتي به شرکت و معاونت در جرایم موضوع این باب رسیدگی می کند ، هر چند متهم شریک یا معاون تاجر یا مدیر شخص حقوقی تاجر نباشد.

مجازات شریک، همان مجازات مجرم اصلی است و معاون به حداقل مجازات مقرر برای جرم اصلی محکوم خواهد شد.

ماده ۱۰۱۴ : این اشخاص به مجازات حبس از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از پنجاه میلیون ریال تا یک میلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم میشوند.

۱- هر تاجر یا مدیر شخص حقوقی یا اشخاص دیگری که طی دوره بازسازی بر خلاف طرح بازسازی اموال تاجر را مقید کند. یا تمام یا بخشی از مطالبات مقدم بر طرح بازسازی را بپردازند.

۲- هر تاجر یا مدیر شخص حقوقی یا شخص دیگری که بر خلاف نحوه پرداخت دیون پیش بینی شده در طرح بازسازی، دینی را بپردازد یا در اموال برخلاف طرح بازسازی در دوره بازسازی مداخله کند.

۳- هر شخص که آگاهانه در دوره بازسازی با تاجر مشمول بازسازی معامله ای که با طرح بازسازی مغایرت داشته باشد، انجام دهد

ماده ۱۰۱۵: اشخاصی که با سوء نیت به نام خود یا به نام شخص دیگری در دوران بازسازی یا ورشکستگی طلب غیرواقعی اعلام کنند، به مجازات حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل صد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۱۰۱۶: دادگاه تجارتي رسیدگی کننده باید در خصوص استرداد تمامی اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیات بستانکاران، حکم بدهد، هرچند متهم تبرئه شده باشد. دادگاه تجارتي در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید این حکم را صادر کند. صدور حکم در مورد زیان احتمالی مستلزم تقدیم دادخواست به دادگاه تجارتي است.

ماده ۱۰۱۷: اعضای هیات تشخیص، مدیران تصفیه، ناظر عضو سازمان ورشکستگی، بازرس شرکت، کارکنان سازمان بازسازی و کارکنان سازمان تصفیه امور ورشکستگی، در صورت ارتکاب یکی از اعمال زیر، به مجازات حبس از دو ماه تا دو سال و جزای نقدی از سی میلیون ریال تا سه و نیم میلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم میشوند:

۱- اقدام آگاهانه علیه منافع تاجر یا بستانکاران از طریق سوء استفاده شخصی از مبالغ موجود در اجرای وظایف محوله، یا در نظر گرفتن منافی برای خویش.

۲- سوء استفاده از اختیارات قانونی خلاف منافع تاجر یا بستانکاران. انجام معامله مستقیم یا غیرمستقیم. دادگاه تجارتي ابطال معامله مورد نظر را نیز اعلام می دارد و نسبت به ضرر ناشی از آن در صورت مطالبه حکم م ی دهد.

ماده ۱۰۱۸ : اشخاصی که پس از شروع دوران بازسازی و یا ورشکستگی در اثر تبانی به هر نحو با تاجر یا با هر شخصی موجب ضرر بستانکاران یا تاجر شده و یا منافع ویژ ه های به نفع خود ایجاد کنند علاوه بر جبران خسارت وارده، به جزای نقدی از یکصد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال و به محرومیت اجتماعی موضوع ماده ۱۰۰۵ این قانون نیز محکوم خواهند شد.

ماده ۱۰۱۹ : جرائم مذکور در مواد ۱۰۰۶ تا ۱۰۱۸ پس از گذشت دو سال از پایان دوران بازسازی یا تصفیه ورشکستگی قابل شکایت نیست.

ماده ۱۰۲۰ : دادگاه تجارتي به جرایم موضوع این باب برحسب درخواست مدیر تصفیه، هیات تشخیص، سازمان بازسازی، سازمان تصفیه امور ورشکستگی یا هریک از بستانکاران یا تعقیب دادستان دستور رسیدگی صادر م ی کند.

ماده ۱۰۲۱ : سازمان تصفیه امور ورشکستگی می تواند اسناد و مدارک لازم را از سازمان بازسازی یا هر مقام رسمی و غیررسمی دیگر مطالبه کند

ماده ۱۰۲۲ : هر حکم قطعی محکومیت، که در اجرای مقررات این باب صادر می شود، به خرج محکوم در روزنامه رسمی و برای شرکتها در روزنامه شرکت نیز اعلان میشود.

ماده ۱۰۲۳ : سازمان بازسازی و سازمان تصفیه امور ورشکستگی، مکلفند اطلاعات زیر را به صورت رایان های، روزآمد و متمرکز ثبت و ضبط کنند و به درخواست مراجع قانونی در اختیار آنها قرار دهند.

۱- اطلاعات راجع به اشخاص مشمول بازسازی و ورشکستگی.

۲- احکام صادر از دادگاهها در خصوص آن اشخاص .

۳- احکام راجع به سایر جرایم مذکور در این قانون.

تبصره ۱: ارائه اطلاعات مذکور به سایر اشخاص که هنگام معامله، خواستار بررسی درجه اعتبار طرف قرارداد م یباشند، به موجب آیی نامه ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان تصفیه امور ورشکستگی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲: دادگاه های تجارتي مکلفند یک نسخه از احکام موضوع این ماده را برای ضبط اطلاعات به سازمانهای باسازي و تصفیه امور ورشکستگی ارسال کنند.

ماده ۱۰۲۴ : مسئولانی که در زمان مقرر به وظیفه خود عمل نکنند یا اطلاعات خلاف واقع ارائه کنند علاوه بر مجازات های اداری به حکم دادگاه به پرداخت جریمه از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم خواهند شد.

باب هشتم

مقررات تکمیلی

ماده ۱۰۲۵ : نصاب های ریالی پیش بینی شده در این قانون از جمله در خصوص حداقل سرمایه برای تاسیس شرکتهای و همچنین مبالغ جزایهای نقدی پیش بینی شده، هر ۵ سال یک بار، متناسب با نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، با پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیات وزیران تجدید می شود.

ماده ۱۰۲۶ : مقررات جزایی این قانون نافی مقررات جزایی پیش بینی شده در سایر قوانین نم یباشد.

ماده ۱۰۲۷ : رسیدگی به دعاوی موضوع این قانون در صلاحیت دادگاه تجارتي است. قوه قضاییه مکلف است لایحه مربوط به آیین دادرسی مخصوص این دادگاه را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون ارایه دهد.

تا تشکیل دادگاه تجارتي، دعاوی موضوع این قانون در شعب یا شعباتی که برای رسیدگی به این دعاوی تخصیص م ییابد، رسیدگی خواهد شد.

ماده ۱۰۲۸ : از تاریخ تصویب این قانون ، قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ ، لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ ، و تمامی اصلاحات و الحاقات آنها ، قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب سال ۱۳۱۸ ، آیین نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، آبی نامه درآمد

صندوق الف و صندوق ب مصوب سال ۱۳۱۹ ، نظام نامه امور ورشکستگی قانون تجارت مصوب ، سال ۱۳۱۱ ، قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه های کشور مصوب سال ۱۳۴۳ قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت سال ۱۳۷۶ ، قانون صدور چک و اصلاحات آن، قانون ثبت شرکت ها و... نسخ می شوند

امیر یوسف پناه و ابولفضل احمدی ؛ ۱:۱۹ ق.ظ ؛ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۱

مشاوره سورنا